

مصرف مکرر

ویژه نامه حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف
دفتر پژوهش و هش مؤسسه فرهنگی هنری خراسان / شهریور ماه ۱۳۸۸

- کار با حرف تمام نمی شود
- سعادت در بهشت شداد!
- اخلاق رمانتیک و الگوی مصرف آمریکایی
- دکتر ابراهیم فیاض در گفتگو با خراسان:
- **تا اقتصاد نفتی هست، مصرف زدگی هم هست**
- کاهش مصرف، به نفع یا ضرر تولید؟
- **گزارش هایی که تهیه نمی شود...**
- فقط در یک سال:
- **۲ میلیارد و ۵۵۵ میلیون کیلو نان خشک**
- بخش کشاورزی پاشنه آشیل مصرف آب



الگوی

«اصلاح الگوی مصرف»

• علی یعقوبی

نام گذاری هر سال توسط مقام معظم رهبری بر اساس تدبیری برای گفتمان سازی در جهت رفع یا حداقل کاهش معضلی و یا تقویت مفهومی در کشور انجام می شود و از سویی سیاست های کلی نظام در جهت گیری ها و برنامه ریزی ها را نیز مشخص می کند. پس از هر یک از این نام گذاری ها، نوع مواجهه نهادها و دستگاه ها با آن بسیار تأمل برانگیز است.

برخی از سازمانها و نهادها تنها با لحاظ کردن این عناوین در شعارهای رسانه ای خود سیاست گذاری های فوق را در حد یک پیشنهاد اخلاقی یا یک زست سیاسی محدود کرده و پایبندی می آورند، برخی که همت بلندتری دارند با برگزاری همایش یا سمیناری در دقیقه نود سال، با رفع تکلیف خود نسبت به تأکیدات رهبر انقلاب وجدان خود را آسوده می کنند و باز آن ها که همت بلندتری دارند با تنظیم آیین نامه های مسئله را در خاموش کردن لامپ های اضافی ساختمان های اداری و ... خلاصه می کنند - که باز جای شکرش باقیست - و یا نهایتاً با آماده کردن سندی، سیاست های خرد و کلانی را تدوین نموده و تحقق آن ها را به وجود «عزم ملی» و «کار ریشه ای» موقوف می نمایند، دو عنصر کلی و مجهول که معمولاً برای فرار از مسئولیت های بزرگ به آنها تمسک می شود. و در این میان تعداد کمی از نهادها و سازمان ها هستند که با پیدا کردن نقش و نسبت دقیق خود در میان شبکه مسائل و زنجیره علت و معلولی مربوطه، مأموریت های واقع بینانه و نتیجه گرای خود را ترسیم می کنند و بر انجام آن همت می گمارند.

از ابتدای سال جدید نیز بیم آن می رفت که «حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف» دچار این آسیب شود که تا حدود زیادی هم شد. البته این را نباید نادیده گرفت که سخن از اصلاح یک فرهنگ غلط است که به دلیل برخی سیاستهای غلط و غفلت های مسئولان و مردم در گوشت و پوست و استخوان جامعه ما نهادینه شده است و مقابله با آن با یک ایستایی و اینرسی بزرگ روبرو خواهد شد. چراکه در مقابل هر تغییر و تحول اجتماعی، تمایل ناخودآگاهی به سوی حفظ وضع موجود هست، مگر آنکه درک و خواست عمومی و شرایط جامعه در آستانه پذیرش آن تغییر از درون شکل بگیرد.

از همین روی است که نام سال با درایتی واقع بینانه «حرکت» به سوی اصلاح الگوی مصرف عنوان شده اما به نظر می رسد که این «حرکت» نیز پس از گذشت شش ماه آن گونه که شایسته است شکل نگرفته و کثرت اقدامات سطحی، شتابزده و منفرد حکایت از آن دارد که دستگاه ها و نهادهای تقنینی، اجرایی و نظارتی هنوز در نوع مواجهه سیستمی با اصلاح الگوی مصرف دچار مشکل اند. در این صورت باید گفت که ما بیش و پیش از اصلاح الگوی مصرف نیاز به الگویی برای اصلاح الگوی مصرف داریم. الگویی که با درک همه واقیعت ها، اقتضات، نیازها و امکانات، برای تحقق این اصلاح بزرگ، برنامه ای مشخص، جامع و بلند مدت را با تعیین دقیق نقش و مأموریت هر یک از دستگاه ها در بر داشته باشد.

کار با حرف تمام نمی شود

مروری بر دیدگاه های رهبر انقلاب درباره اسراف و مصرف گرایی از سال ۱۳۶۸ تا کنون

• گردآورنده: مهدی صانعی

نگاه اغراق آمیز و مطلق نگر، از آفات امر تبلیغ و تبیین در هر موضوعی است. مسئولان، نخبگان و رسانه ها می توانند با سال «اصلاح الگوی مصرف» آن گونه مواجه شوند که گویی مصرف و اصلاح الگوی مصرف، مسئله و دغدغه ای است که چهره خود را به تازگی نمایان کرده و نیز بساطت بحث و بررسی درباره آن بناست تا پایان سال جاری بر چیده شود. مواجهه ای که اغلب با عناوین اعلام شده توسط رهبر انقلاب اسلامی برای سال های مختلف صورت می گیرد، چیزی شبیه به همین است. در مقابل، می توان نگاهی تحلیلی و واقع بین داشت؛ رهبر انقلاب در تأکیدی دقیق، امسال را سال «حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف» نامیده اند، همان گونه که پرونده موضوعاتی همچون «اتحاد ملی و انسجام اسلامی»، «وجدان کاری» و «پاسخگویی مسئولان» همچنان باز است. از سوی دیگر، آسیب شناسی رفتار فردی و حکومتی ما ایرانیان در حوزه مصرف، و حرکت به سمت اصلاح آن از دغدغه های همیشگی صاحب نظران از جمله رهبر فرزانه انقلاب بوده است و مبدأ آن نوروز ۱۳۸۸ هجری شمسی نیست. از همین رو، مروری داریم بر پیشینه این بحث در دیدگاه ها و مواضع رهبر انقلاب اسلامی.

چیستی اسراف و ضرورت اصلاح

کشور در خطر است...

مصرف ما به نسبت، از تولیدمان بیشتر است؛ این، کشور را به عقب می رساند؛ این، ضررهای مهم اقتصادی بر ما وارد میکند؛ جامعه دچار مشکلات اقتصادی می شود. در آیات شریفه قرآن بارها راجع به پرهیز از اسراف در امور اقتصادی تأکید شده؛ این به خاطر همین است. اسراف، هم لطمه ای اقتصادی می زند، هم لطمه ای فرهنگی می زند. وقتی جامعه ای دچار بیماری اسراف شد، از لحاظ فرهنگی هم بر روی او تأثیرهای منفی می گذارد. بنابراین مسئله ی صرفه جویی و اجتناب از اسراف، فقط یک مسئله ی اقتصادی نیست؛ هم اقتصادی است، هم اجتماعی است، هم فرهنگی است؛ آینده ی کشور را تهدید می کند. (در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (ع)، ۱۳۸۸/۱/۱)

باید تولیدکننده باشیم

سالیهای متمادی این فرهنگ به ملت ما تزریق شده است که به دنبال مصنوعات و ساخته های بیگانه و خارجی بروند. وقتی گفته می شد این جنس خارجی است، این یک استدلال تام و تمامی بود برای بهتر بودن و مرغوب تر بودن این جنس. این فرهنگ باید عوض شود. البته کیفیت تولید داخل در این مؤثر است، تبلیغ نکردن بی جا و بی رویه ی تولیدات خارجی در این مؤثر است، تشویق کارآفرین داخلی در این مؤثر است، وجدان کاری در کارکننده ی کار - چه کارگر ساده یا کارگر مجرب یا مهندس کار - در این مؤثر است، دولت نقش دارد، مسئولین نقش دارند، خود کارگر نقش دارد، کارآفرین نقش دارد، تاجر واردکننده ی کالای خارجی نقش دارد. همه باید دست به دست هم بدهند تا تولید داخل رجحان پیدا کند؛ ارزش پیدا کند و فرهنگی بر جامعه ی ما و بر ذهنهای ما حاکم شود که مصرف کردن تولید داخلی را ارزش بدانیم. (دیدار جمعی از معلمان، پرستاران و کارگران، ۱۳۸۸/۲/۹)

گناه اسراف، منشأ محرومیت ها

موضوع قناعت را جدی بگیرید... در جمهوری اسلامی، کسانی هستند که دستشان به نعمت های الهی نمی رسد؛ نه به خاطر این که کم داریم؛ به خاطر این که بسیاری به خودشان حق می دهند که نعمت های الهی را بی حساب و کتاب مصرف کنند. هیچ حدی نگه ندارند و حتی نعمت های الهی را ضایع کنند. چقدر نان، ضایع می شود.

خواص بخوانند

سیاست همیشگی

یک اقدام اساسی در زمینه ی همین پیشرفت و عدالت، آن مسئله ای است که من در پیام نوروزی خطاب به ملت عزیز ایران عرض کردم؛ و آن مسئله ی مبارزه ی با اسراف، حرکت در سمت اصلاح الگوی مصرف، جلوگیری از ولخرجی ها و تزیین اموال جامعه است؛ این بسیار مسئله ی مهمی است. البته بار اولی نیست که ما این مطلب را مطرح می کنیم. من در همین دیدار اول سال، در نوبتهای متعددی در همین جا خطاب به مردم عزیزمان درباره ی اسراف، درباره ی ولخرجی و تزیین اموال و لزوم صرفه جویی مطالبی را عرض کردم؛ اما این مسئله تمام نشده است؛ این مقصود، آنچنان که باید و شاید برآورده نشده است. لازم است به عنوان یک سیاست، ما مسئله ی صرفه جویی را در خطوط اساسی برنامه ریزی هایمان در سطوح مختلف اعمال کنیم. (در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (ع)، ۱۳۸۸/۱/۱)

قدم اول، برنامه ریزی کلان

- ... جهت دادن کلیه ی فعالیت های اجرایی و تبلیغی به سمت رشد معنویت و فضیلت اخلاقی در جامعه، تعمیق و گسترش حساسیت ها و باور دینی، گسترش ارزش های انقلابی، حفظ کرامت انسانی، ایجاد نظم و قانون پذیری و روحیه ی کار و تلاش و خودتکالی و قناعت و جلوگیری از اسراف و مصرف گرایی و پرداختن به زوائد. (نامه به حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی جهت تعیین چارچوب سیاست های نظام در برنامه ی دوم توسعه، ۱۳۷۲/۰۸/۱۸)

- ... اهتمام به نظم، قانون گرایی، روحیه ی کار و تلاش، خودتکالی، قناعت و پرهیز از اسراف و تبذیر در سطح جامعه، به ویژه در کارگزاران و مسئولان نظام و مبارزه با فساد. (نامه به حجت الاسلام خاتمی در خصوص سیاست های کلی برنامه ی پنج ساله ی سوم، ۱۳۷۸/۰۲/۳۰)

با حرف تمام نمی شود

هم در سطح دولت، هم در سطح آحاد مردم، هم در سطح سازمانها بایستی نگاه عیب جویانه ی به اسراف وجود داشته باشد. همان طور که عرض کردیم، با حرف هم تمام نمی شود؛ باید برنامه ریزی کنند. قوه ی مقننه و قوه ی مجریه موظفند به پیگیری، برنامه ریزی کنند، قانون گذاری کنند، قانون را با قاطعیت تمام اجراء کنند. این پیشرفتی که ما در این ده سال خواهیم داشت، بخش مهمی اش مربوط به همین قضیه است. (در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (ع)، ۱۳۸۸/۱/۱)

تجمل گریزی در سیره امام

امام ما، این باور غلط را عوض کرد... به جای کاخ های مجلل، در یک حسینیه از دیدارکنندگان پذیرایی کرد... اگر دل های حکام و زمامداران به نور معرفت و حقیقت روشن شده باشد، تجمل و تشریفات و اسراف و بر خورداری های زیاد و خودرایی و تکبر و استکبار، جزو لوازم حتمی زمامداری آنها محسوب نمی شود. (خطبه های نماز جمعه، ۱۳۶۸/۰۴/۲۳)

چقدر غذای طبخ شده، ضایع می شود. چقدر میوه ی مصرف نشده، ضایع می شود و از خانه ها بیرون ریخته می شود. چقدر لباس، زیادتز از اندازه ی لازم خریداری می شود و در خانه ها و صندوق ها می ماند، برای این که یک بار در مراسمی پوشیده شود. اینها، اسراف است... اسراف، فعل حرام است؛ گناه است؛ خلاف شرع است... تصمیم بگیرید این کار را نکنید. (خطبه های نماز عید فطر، ۱۳۷۲/۰۱/۰۴)

قناعت آری، ریاضت نه

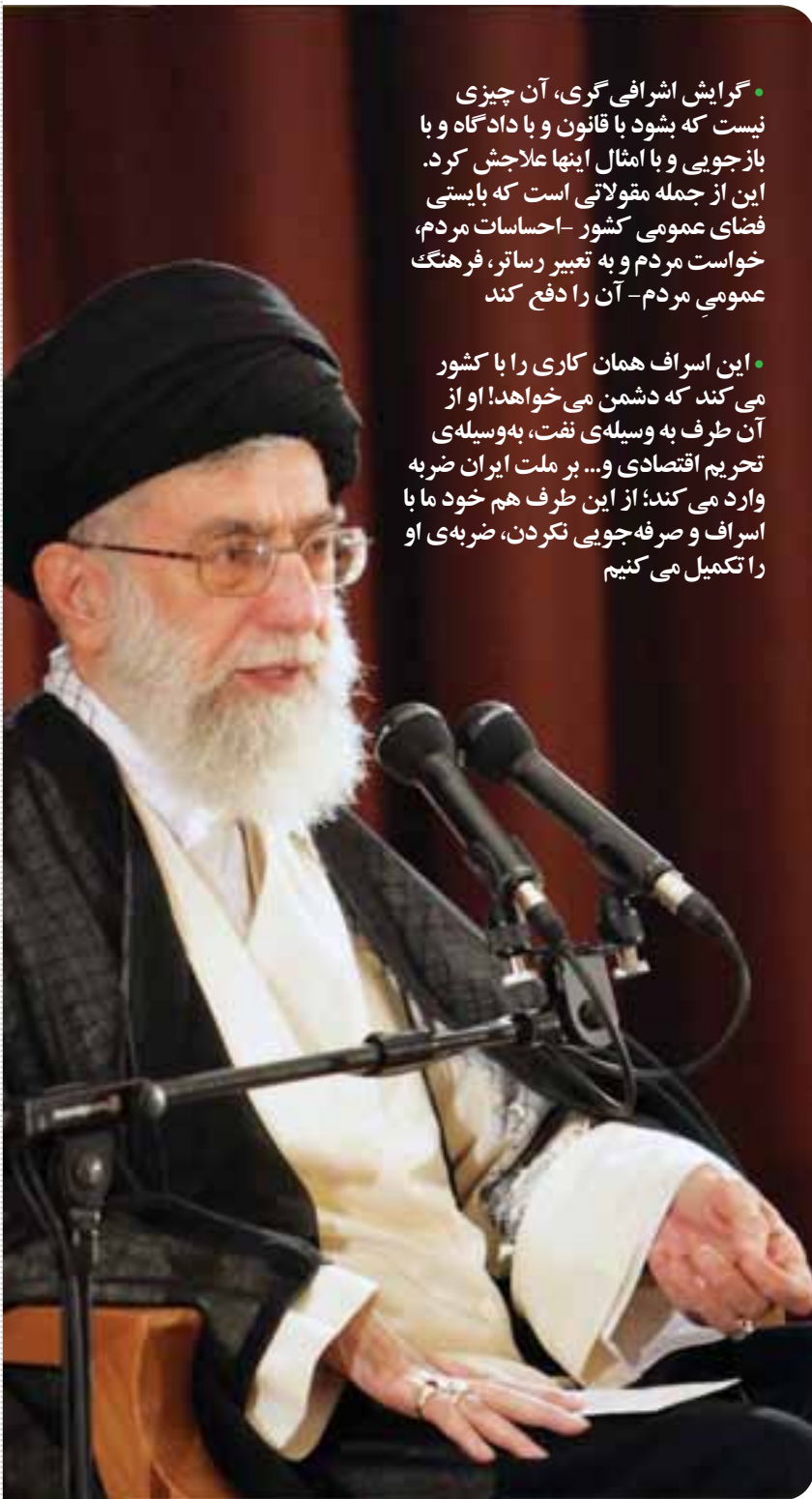
بنده، ملت ایران را به «ریاضت» دعوت نمی کنم... فضای غم آلود ریاضت، از زندگی این مردم دور باد! من مردم را به «قناعت» دعوت می کنم؛ قناعت سرفرازانه، قناعت انسان عاقل و خردمندی که می داند آینده ی خود را با قناعت تأمین می کند و زندگی و روال اقتصادی کشور را تسهیل و به مسئولین کمک می کند که بتوانند تدابیر صحیح را در کار اداری مملکت اعمال کنند. (پیام نوروزی، سال ۱۳۷۷)

اسراف، تکمیل تحریم های دشمن!

عزیزان من! در کشور ما، اسراف زیاد می شود... اسراف در نان، اسراف در آب، اسراف در برق، اسراف در مصالح ساختمانی، اسراف در اسباب بازی بچه و در وسایل تجملاتی! این اسراف همان کاری را با کشور می کند که دشمن می خواهد. او از آن طرف به وسیله ی نفت، به وسیله ی تحریم اقتصادی و... بر ملت ایران ضربه وارد می کند؛ از این طرف هم خود ما با اسراف و صرفه جویی نکردن، ضربه ی او را تکمیل می کنیم... همه باید سعی کنند که اسراف را از زندگی شخصی و از زندگی کاری خودشان دور کنند. (دیدار مردم، ۱۳۷۷/۰۱/۰۱)

تفاوت رفاه و مصرف زدگی

رفاه مادی، به معنای ترویج روحیه ی مصرف گرایی نیست - که خود، یکی از سوغات های شوم فرهنگ غرب است - بلکه بدین معنی است که کشور از نظر آبادی و عمران، استخراج معادن و استفاده از منابع طبیعی، تأمین سلامت و بهداشت جامعه، رونق اقتصادی و رواج تولید و تجارت، با تکیه بر استعداد های ذاتی نیروهای انسانی خودی، به حد قابل قبول برسد و علم و فرهنگ و تحقیق و تجربه همگانی شود و نشانه های فقر و عقب افتادگی رخت برینند. (پیام به ملت ایران، در چهلمین روز از تحال حضرت امام، ۱۳۶۸/۰۴/۲۳)



• گرایش اشرافی‌گری، آن چیزی نیست که بشود با قانون و با دادگاه و با جویی و با امثال اینها علاجش کرد. این از جمله مقولاتی است که بایستی فضای عمومی کشور - احساسات مردم، خواست مردم و به تعبیر رستار، فرهنگ عمومی مردم - آن را دفع کند

• این اسراف همان کاری را با کشور می‌کند که دشمن می‌خواهد! او از آن طرف به وسیله نفت، به وسیله تحریم اقتصادی و... بر ملت ایران ضربه وارد می‌کند؛ از این طرف هم خود ما با اسراف و صرفه‌جویی نکردن، ضربه‌ی او را تکمیل می‌کنیم

که در رژیم ظالم پادشاهی انجام شده... البته در اوایل انقلاب، خیلی هم خوب بود؛ لیکن بعدها، باز غفلت‌هایی شده است... آن چیزی که امروز هر مجموعه‌ای از زنان بر عهده دارند، این است که باور غلطی را که فرهنگ غربی و اروپایی در این دهها سال اخیر در ذهن زن ایرانی وارد کرده است، بزایند... و این نمی‌شود، مگر با آرایه‌ی بحث‌ها و کارهای اسلامی. (دیدار شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، ۱۳۶۹/۱۰/۱۶)

همین کار حلال را، پیامبر نکرد

برادران! امیرالمؤمنین می‌گوید زندگی به سمت زهد باید برود... اگر ما احساس بکنیم که زندگی به سمت اشرافی‌گری می‌رود، بلاشک انحراف است... نمی‌گوییم هم زهدهای آن چنانی، که متعلق به اولیاءالله است؛ نه... این طور [هم] نیست که زهد، فقط مخصوص مسؤولان باشد. این مهریه‌های گران‌قیمت که برای دخترهایشان می‌گذارند، خطاست... نمی‌گوییم حرام است... همین کار حلال را، پیامبر نکرد! (دیدار با مردم، ۱۳۷۰/۱۰/۲۶)

تشریفات ازدواج

تشریفات ازدواج، پدر مردم را در آورده است؛ هرچه هم گفته می‌شود، اثر نمی‌کند... پنهان‌های معمولی را به شما خواهند گفت؛ آقا، اگر مهریه‌مان را بالا نبریم، دخترمان را طلاق می‌دهند... به زبان مناسب و با شکل هنرمندانه‌ی به او پاسخ بدهید. (دیدار با «گروه اجتماعی» رادیو، ۱۳۷۰/۱۱/۲۹)

فرهنگ عمومی

به خود آید

این‌جانب از این که کسانی می‌کوشند تا در میان مردم رسم تجمل‌گرایی و اسراف و ول‌خرجی را شایع کنند، شدیداً نگران و متأسفم؛ و از این که مردم فداکار و انقلابی ایران در امور شخصی به مصرف‌گرایی سوق داده شوند و قناعت انقلابی را از یاد ببرند، به خدا پناه می‌برم. آنان که تجملات و زیادی‌های غیرضرور و ولخرج‌مآبانه را از روی بی‌دردی ناشی از وسعت و توانایی مالی انجام می‌دهند، به خود آیند و به اتفاق روی آورند؛ و آنان که با سختی و تنگدستی، بر خود چنین چیزی را تحمیل می‌کنند، از این امر خسارت‌بار دست بکشند. برای متمکنین، میانه‌روی؛ و برای قشرهای متوسط، قناعت در امور شخصی؛ و برای همه، تلاش و کار و تولید و رونق دادن به وضع عمومی، فریضه‌ای انقلابی و رسمی، اسلامی است. (پیام به گردهمایی فرماندهان بسیج، ۱۳۶۸/۰۹/۰۲)

اگر همین طور ادامه پیدا کند...

توصیه‌ی دوم «انضباط اقتصادی و مالی» است. من این را از احاد ملت و مسؤولین کشور و مأمورین دولت، امسال تقاضا دارم. انضباط اقتصادی و مالی یعنی مقابله با ریخت‌وپاش، زیاده‌روی و اسراف... به هیچ وجه صفت خوبی نیست. نه اسامش جود و سخاست و نه کرم و بزرگ‌منشی است... اگر چنین وضعیتی ادامه پیدا کند، این ملت کارش مشکل خواهد شد. اگر بگوییم شما چرا این قدر خرج کردید و چرا این میهمانی بی‌خود و بی‌جهت را با این همه ریخت‌وپاش ترتیب دادید؟ می‌گویند داریم می‌کنیم... نه؛ این دلیل به هیچ وجه دلیل قانع‌کننده‌ای نیست... این کارها زندگی دیگران را از لحاظ روانی مختل می‌کند. شما مثلاً مبالغ زیادی مواد خوراکی در فلان مهمانی معمولی مصرف می‌کنید؛ در حالی که لازم نیست و در کنار شما و در همسایگی شما در یک محل دورتر، ولو در اقصی نقاط کشور، کسانی به این مواد غذایی برای ادامه‌ی زندگی خود و فرزندان و عزیزان‌شان نیاز مبرم دارند... پس در اموال شخصی و مالی که از راه حلال هم به دست آمده باشد، ریخت‌وپاش، غلط و خلاف انضباط است. (پیام نوروزی، سال ۱۳۷۴)

اتلاف منابع از منکرات است

اتلاف منابع عمومی، اتلاف منابع حیاتی، اتلاف برق، اتلاف وسایل سوخت، اتلاف مواد غذایی، اسراف در آب و اسراف در نان... ما این همه ضایعات نمان داریم؛ اصلاً این، یک منکر است؛ یک منکر دینی است؛ یک منکر اقتصادی و اجتماعی است؛ نهی از این منکر هم لازم است؛ هر کسی به هر طریقی که می‌تواند. (خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۹/۰۹/۲۵)

اشرافیت ستیزی باید فرهنگ شود

اگر واقعا من احساس کنم که این سؤال و این مطالبه و این گرایش، در مجموعه‌ی جوانان دانشجو هست، حقیقتاً خدا را شکر می‌کنم. شما بدانید که گرایش اشرافی‌گری، آن

هزینه‌های تشریفاتی حرام است

هزینه کردن اعتبارات و پول‌های کشور در جاهای غیرلازم و تشریفاتی و زیادی، حرام است. امروز پرداختن به کارهایی که به جنبه‌های عملی زندگی مردم ارتباطی ندارد، یک کار مُسرفانه است. اینکه بعضی‌ها فضای کشور را آن قدر سیاسی کنند که مسائل اصلی کشور تحت‌الشعاع قرار گیرد، یک غفلت بزرگ است. (دیدار با کارگران و معلمان، ۱۳۸۱/۰۲/۱۱)

الناس علی دین ملوکهم

یکی از شعارهای خوب آقای احمدی‌نژاد مسأله‌ی ساده‌زیستی است... این را نباید دست‌کم گرفت. یک وقت هست که ما در زندگی شخصی خود مثلاً حرکت اشراف‌گونه‌ی داریم؛ بین خودمان و خدا... اما یک وقت هست که ما جلوی چشم مردم یک مانور اشرافی‌گری می‌دهیم؛ این دیگر مباح و مکروه ندارد؛ همه‌اش حرام است؛ به خاطر اینکه تعلیم‌دهنده‌ی اشرافی‌گری است به اولاً زبردست‌های خودمان، ثانیاً آحاد مردم به این کار تشویق می‌شوند... ریخت‌وپاش ما اولاً از جیب‌مان نیست، از بیت‌المال است؛ ثانیاً ریخت‌وپاش ما، مشوق ریخت‌وپاش دیگران است. واقعا «الناس علی دین ملوکهم»... ملوک، شماها هستید؛ الناس علی دین ماها!

زمانی که ولید بن عبدالملک خلیفه شده بود، چون خیلی اهل جمع کردن ثروت و جواهرات و اشیاء قیمتی بود، مردم کوچه و بازار وقتی به همدیگر می‌رسیدند، مکالمات‌شان از این قبیل بود: آقا! فلان لباس را آوردند، شما خریدید؟ آقا! فلان تکیه را فلان کس آورده، شما خریدید؟ یعنی مردم همه‌اش راجع به خرید و فروش وسایل و اشیاء زینتی و امثال اینها حرف می‌زدند. بعد از ولید، سلیمان بن عبدالملک خلیفه شد. او اهل ساختمان‌سازی بود و به کاخ‌سازی و ساختمان‌سازی خیلی عشق می‌ورزید. این مورخ می‌گوید، مردم حتی وقتی برای نماز به مسجد می‌آمدند، یکی می‌گفت: آقا! شما کار ساختمانی منزل‌تان را تمام کردید؟ دیگری می‌گفت: آقا! شما فلان خانه را زمین را خریدید؟ دیگری می‌گفت: آقا! شما آن دو اتاق را اضافه کردید؟ حرف‌هایشان همه از این قبیل بود. بعد از این دو نفر، عمر بن عبدالعزیز آمد. او اهل عبادت بود. مورخ می‌گوید مردم کوچه و بازار وقتی به هم می‌رسیدند، یکی می‌گفت: آقا! راستی شما دیروز دعای ماه رجب را خواندید؟ دیگری می‌گفت: آن دو رکعت نماز را خواندید؟ بنابراین رفتار ماها یک تأثیر قه‌ری در رفتار مردم دارد. ساده‌زیستی بسیار چیز خوبی است. (دیدار هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸)

زندگی تجملاتی را تخریب کنید

در مقوله‌ی عدالت اجتماعی، فیلم‌ها و سریال‌هایی ساخته می‌شود که غالباً خانه‌ها عیبانی و اشرافی است. واقعا وضع زندگی مردم ما این طوری است؟ آیا یک زوج جوان یا یک زن و شوهر در چنین خانه‌هایی زندگی می‌کنند؟! این کار چه لزومی دارد؟... تبلیغات رسانه‌ای و گاهی تبلیغ‌های خیلی پُررنگ که مردم را به طرف مصرف‌گرایی سوق می‌دهد، با برنامه‌ی که فرضاً شما ساخته‌اید تا مصرف‌گرایی را تقبیح کنید، عملاً در تناقض است؛ با هم هماهنگ نیست... در کنار دامن زدن به دغدغه‌ی عدالت اجتماعی و رسیدگی به فقر، زندگی اشرافی و تجملاتی پوچ و بی‌بهره را هم تخریب کنید؛ این زندگی واقعا در خور تخریب است... باید نقطه‌ی منفی به حساب بیاید. (دیدار رئیس و مدیران صدا و سیما، ۱۳۸۲/۰۹/۱۱)

زنان و خانواده

نگذارید دوباره به خانه‌ی اول برگردیم

ازدواج‌ها در دوران انقلاب و به برکت آن آسان شد؛ چون تشریفات و سخت‌گیری‌ها کم شد. نگذارید دوباره به خانه‌ی اول برگردیم. پدران و مادران، نسبت به مقدمات غیر لازم ازدواج سخت‌گیری نکنند؛ جوانان که سخت‌گیری‌ای ندارند. بگذارند ازدواج اسلامی انجام بگیرد؛ ... ازدواجی با پیوند عشقی معنوی و الهی و جوششی بی‌ظنیر میان زن و مرد مؤمن و مسلمان و همکاری و همسری به معنای واقعی بین دو عنصر الهی و شریف، اما بی‌گناه از همه‌ی تشریفات و زرق و زبورهای پوچ و بی‌محتوای ظاهری. (دیدار جمع کثیری از زنان، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶)

بزرگ‌ترین ظلم به زنان

همین سوق دادن به تجمل و مصرف‌گرایی و آرایش‌های بی‌بهره و مخارج سنگین و تبدیل شدن به یک وسیله‌ی مصرف... شاید بشود گفت که هیچ ظلمی بالاتر از این آیه زن! نیست؛ زیرا که او را به کلی از آرمان‌ها و اهداف تکاملی خودش غافل و منصرف می‌کند و به چیزهای خیلی کوچک و حقیر سرگرم می‌نماید. این، کاری بوده

تشریفات حج
حجاج که این روزها ان‌شاءالله تدریجاً در حال برگشت هستند، چقدر خوب است هزینه‌هایی را که معمولاً در برگشت از حج، صرف برخی از دید و بازدیدها و تشریفات می‌کنند، حذف نمایند و آن را به مردم بم اختصاص دهند. (دیدار مردم، ۱۳۸۲/۱۱/۱۵)

حرف آخر

به همسایه‌ها و فقرا رسیدگی کنید. یکی از عواملی که نمی‌گذارد دست کسانی که توانایی کمک دارند، به یاری فقرا دراز شود، روحیه‌ی مصرف‌گرایی و تجمل در جامعه است. برای جامعه بالای بزرگی است که میل به مصرف، روزه‌روزی در آن زیاد شود و همه به بیشتر مصرف کردن، بیشتر خوردن، متنوع‌تر خوردن، متنوع‌تر پوشیدن و دنبال نشانه‌های مُد و هر چیز تازه برای وسایل زندگی و تجملات آن رفتن، تشویق شوند. چه ثروت‌ها و پول‌هایی که در این راه‌ها هدر می‌رود و از مصرف شدن در جایی که موجب رضای خدا و رفع مشکلات جمعی از مردم است، باز می‌ماند... اسراف، روزه‌روز شکاف‌های طبقاتی و شکاف بین فقیر و غنی را بیشتر و عمیق‌تر می‌کند... مصرف‌گرایی، جامعه را از پای درمی‌آورد... پروردگارا، به محمد و آل محمد، ضررهای اسراف و مصرف‌گرایی و منافع مواسات و رسیدگی به محرومان و مستمندان را برای یکایک افراد جامعه‌ی ما روشن بکن و آنها را به این کار موفق فرما. (خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۸۱/۰۹/۱۵)

چیزی نیست که بشود با قانون و با دادگاه و با بازجویی و با امثال اینها علاجش کرد؛ خیلی سخت‌تر از این حرف‌هاست. این از جمله مقولاتی است که بایستی فضای عمومی کشور - احساسات مردم، خواست مردم و به تعبیر رستار، فرهنگ عمومی مردم - آن را دفع کند تا این علاج شود. آن کسانی که به اشرافی‌گری گرایش دارند و دل‌شان برای زندگی اشرافی لک می‌زند، یکی از کارهایی که می‌کنند، این است که این دید و ذهنیت را در مردم به‌وجود آورند که این، چیز خوبی است و ارزش است؛ کما اینکه قبل از انقلاب این گونه بود... بعد از انقلاب به‌عکس شد... اما امروز به تدریج می‌خواهند کار را به‌عکس کنند. به نظر من، اشرافی‌گری برای یک کشور آفت است؛ اشرافی‌گری مسؤولان، آفت مضاعف است؛ به‌خاطر این که... اگر مسؤولان اشرافی‌گری کنند، از مال مردم خرج می‌کنند! (پرسش و پاسخ در دیدار با دانشجویان، ۱۳۷۸/۰۹/۰۱)

این چه هوس‌بازی‌ای است؟

باید خودمان را اصلاح کنیم. باید الگوی مصرف جامعه و کشور اصلاح شود. ما الگوی مصرفمان غلط است. چه جوری بخوریم؟ چه بخوریم؟ چه بپوشیم؟ چه تلفن همراه توی جیبمان گذاشته‌ایم؛ به مجرد اینکه یک مدل بالاتر وارد بازار میشود، این را کآته دور می‌اندازیم و آن مدل جدید را باید بخریم؛ چرا؟! این چه هوس‌بازی‌ای است که ما به آن دچار هستیم. (در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (ع)، ۱۳۸۸/۱۱/۱)

او را فیلسوف اخلاق بنامند). همچنین شکاکیت دکارتی را باید پیروزی نهایی پندارگرایان مغرب زمین دانست. اما نهایتاً غرب در عرصه تفکر و فلسفه به این جا می رسد که همه چیز نسبی است و هیچ نیست جز پندار. در این جهان پندارگونه و نسبی آنچه مرکزیت دارد و می تواند به وجودش یقین داشت خود انسان است. در این روند چه بر سر ایمان و اخلاق می آید فعلاً مورد نظر ما نیست. مهم این است که سعادت تبدیل به امری نسبی و پندارگونه می شود. بعد از این، کار فیلسوف آن نیست که بگوید چه کاری یا چه چیزی درست است؛ کار او فقط این است که نگاه انتقادی خودش را حفظ کند و فقط بگوید چه کارها و چه چیزهایی درست نیستند. و این یعنی تسلسل باطلی از تجربه های پی در پی و مدام.

می گویند بودا عقیده داشت که زندگی رنج است. گویی اکثر بزرگان و نام آوران فلسفه غرب نیز به همین سخن اعتقاد داشتند. اکنون تمامی رفتارهای بشر را می توان در راستای فرار از نوعی «رنج» تعبیر کرد: آب نوشیدن برای رفع رنج تشنگی، غذا خوردن برای رفع رنج گرسنگی، خانه داشتن برای فرار از رنج باد و آفتاب، لباس برای فرار از رنج گرما و سرما، اتومبیل برای کاستن از رنج حرکت و مسافرت، ماشین لباس شویی و بسیاری از انواع ماشین های دیگر برای برطرف کردن رنج و زحمت کار و غیره.

بنابراین برای بشر امروزی، عملاً مفهومی به نام «سعادت» وجود خارجی ندارد و به جای آن باید مفهوم «رفاه» و آسایش را مطرح کرد! در چنین دنیایی «مصرف» و مصرف زدگی فقط آخرین مرحله از مراحل سه گانه یک فرآیند اقتصادی نیست، بلکه به نوعی غایت و نقطه اوج سعادت آدمی است. سعادت حقیقی وجود ندارد و سعادت واقعی نیز تنها در «رفاه» تبلور می یابد، که آن هم با مصرف و مصرف زدگی حاصل می شود.

به این ترتیب -اگرچه بیشتر به مزاج شبیه باشد و مضحک به نظر برسد- حالا در مورد اکثر جوامع بشری و نیز بشریت ایده آل تمدن معاصر می توان گفت: من شک می کنم، پس هستم؛ من هستم، پس مصرف می کنم؛ من مصرف می کنم، پس شک می کنم و الی آخر. مدرنیسم اساساً یعنی شکاکیت مداوم. مثلاً امروز در نسبت به دیروز یک لباس جدید مد می شود. اما این لباس جدید مُد نهایی نیست و باید دوباره در وجود این مُد شک کرد و مُد دیگری آورد. یعنی عملاً سعادت، یا نقطه اوج صعود، وجود خارجی ندارد.

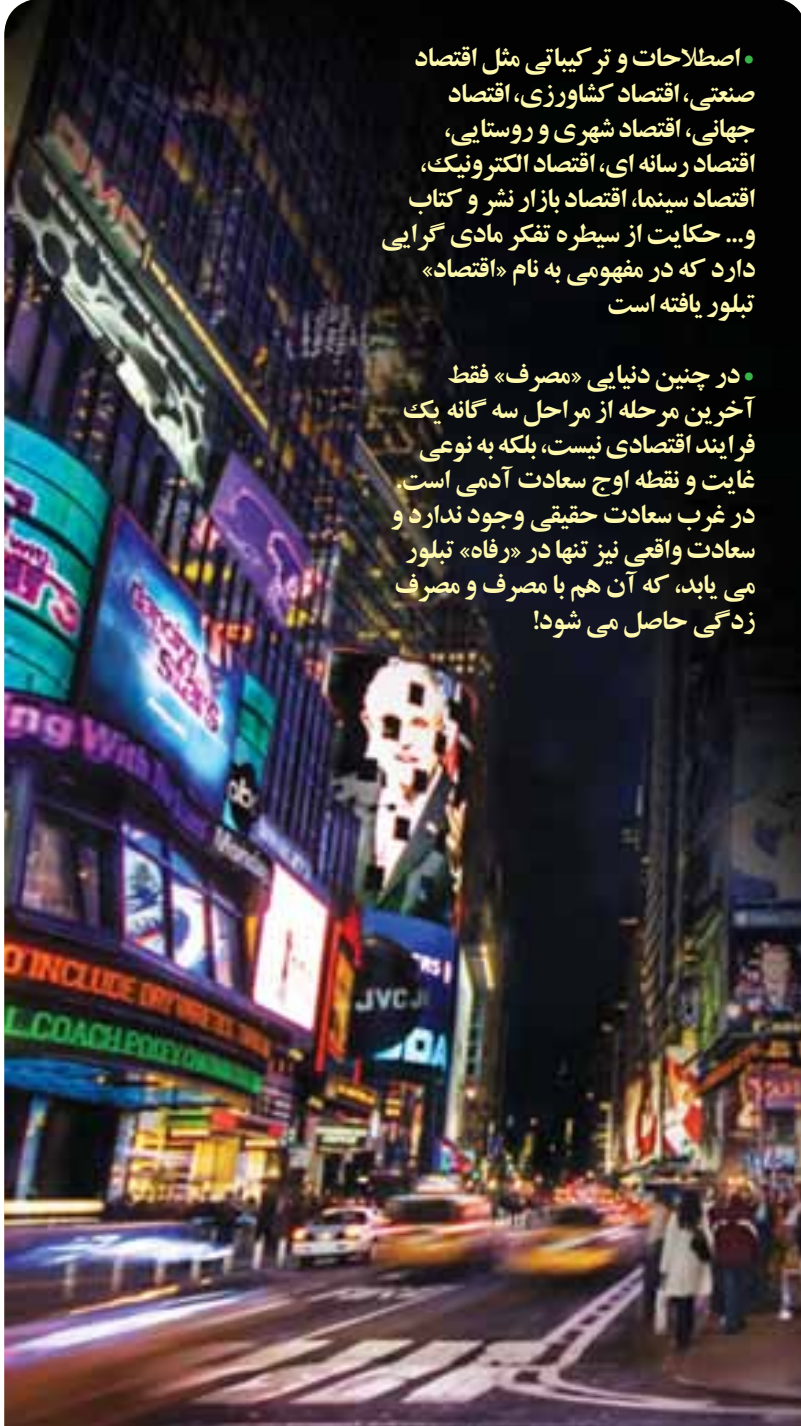
الغرض، مصرف کردن برای انسان معاصر وسیله نیست، بلکه غایت و هدف است. ملت های جهان باید سعی کنند هر چه زودتر و بیشتر به توسعه یافتگی اقتصادی برسند. یعنی هر چه بیشتر تولید کنند و هر چه بیشتر مصرف.

در این اوضاع مصرف کردن بیشتر یعنی رفاه بالاتر و رفاه مادی دقیقاً یعنی سعادت. جهان غیب وجود ندارد و این حرفها خرافات مذهبی است! خرافاتی که مهم ترین وظیفه یک روشنفکر (یعنی کسی که نقش پیامبرگونه در جامعه خویش دارد) مبارزه با آنهاست. آنچه باقی می ماند همین جهان طبیعت است و اوج جهان طبیعت وجود خود انسان است؛ انسانی که عملاً از نیست انگاری فلسفی به «نیست خواهی» روانشناختی رسیده و بخش عمده ای از لذت های معنوی خویش را با غفلت، یا نوعی از مستی و نیستی پیوند زده که صرفاً ماهیتی سرگرم کننده دارند.

اما حقیقت چیست؟ اگر در ادیان آسمانی معمولاً از قناعت و صرفه جویی صحبت می شود، آیا مصرف کردن از نظر نظام ارزشی دینی ماهیتاً امری مذموم است؟ پیامبر اسلام (ص) در مصرف کردن عطریات خوش رایحه هیچ وقت قناعت نمی فرمودند. حضرت سلیمان (ع) یکی از تجمل گراترین ملوک تاریخ جهان بوده است که اسب های بسیاری را تنها به خاطر زیبایی شان نگاه می داشت. و ...

عمده‌مطلب به این نکته‌اساسی باز می‌گردد که «مصرف کردن» را «وسیله» به شمار بیاوریم، یا «غایت» و هدف. در فرهنگ غربی مصرف کردن نوعی غایت و هدف در نظر گرفته می‌شود. محوریت یافتن کلماتی چون توسعه و تکنولوژی پس از دوران رنسانس غربی در واقع به نوعی مفهوم سعادت حقیقی را انکار می‌کند. صنعتگر غربی (یا همان تکنوکرات) مدعی آن است که اولاً غایت زندگی انسان را باید در همین دنیا جست، در ثانی به جای مفهوم سعادت باید «رفاه و آسایش» دنیوی را جایگزین کرد، ثالثاً تنها به مدد تکنولوژی نوین می‌توان به این رفاه و آسایش دست یافت و در واقع زمین را تبدیل به بهشت کرد، یعنی تمامی کارهای دشوار را به ماشین سپرد و رفاه را از ماشین و تولیدات ماشینی حاصل کرد.

در نگرش دینی انسان خلیفه الله است و تمامی پدیده های عالم هستی فرع بر آفرینش او. اصلاً شأن حقیقی انسان تسخیر عالم طبیعت و به خدمت گرفتن نیروهای آن است. اما در این جا اولاً چند تبصره مهم وجود دارد که از «عدالت» آغاز می شود و مواردی چون عدم اسراف و تبذیر و به باطل خوردن و امثال آن را نیز شرط می کند. در ثانی شأن حقیقی انسان، سعادت عالم باقی و اخروی است، نه این جهان فانی.



• اصطلاحات و ترکیباتی مثل اقتصاد صنعتی، اقتصاد کشاورزی، اقتصاد جهانی، اقتصاد شهری و روستایی، اقتصاد رسانه ای، اقتصاد الکترونیک، اقتصاد سینما، اقتصاد بازار نشر و کتاب و... حکایت از سیطره تفکر مادی گرایی دارد که در مفهومی به نام «اقتصاد» تبلور یافته است

• در چنین دنیایی «مصرف» فقط آخرین مرحله از مراحل سه گانه یک فرآیند اقتصادی نیست، بلکه به نوعی غایت و نقطه اوج سعادت آدمی است. در غرب سعادت حقیقی وجود ندارد و سعادت واقعی نیز تنها در «رفاه» تبلور می یابد، که آن هم با مصرف و مصرف زدگی حاصل می شود!



یکی از مهم ترین وظایف هر فیلسوف و متفکری یافتن و طرح پرسش ها و مسائل روزگار خویش است. بی شک روزگار ما روزگار سیطره کامل اقتصاد بر تمامی شئون زندگی شهروندی و اجتماعی، از سیاست گرفته تا آموزش پرورش و غیره است. این اقتصاد است که موضع گیری خرد و کلان هر حکومت را حول محور خود شکل می دهد، به فرهنگ جوامع سمت و سو می بخشد، یا حتی در پدیده ای مثل سینما حرف اول و آخر را می زند. اصطلاحات و ترکیباتی مثل اقتصاد صنعتی، اقتصاد کشاورزی، اقتصاد جهانی، اقتصاد شهری و روستایی، اقتصاد رسانه ای، اقتصاد الکترونیک، اقتصاد سینما، اقتصاد بازار نشر و کتاب و... حکایت از سیطره «اقتصاد» بر حیطه های مختلف زندگی امروز بشر دارد. اما اقتصاد چیست؟

ساده ترین تعریف اقتصاد را باید در چرخه ای سه مرحله ای یافت که عبارت است از: تولید، بخش و مصرف. امروز عقب ماندگی یا رشد ملت ها را با درصد تولید خالص و ناخالص ملی شان می سنجند و با «میزان سرانه ی مصرف»، سعادت یا شقاوت و عقب ماندگی آن ها را تعیین می کنند. یعنی هر ملتی که بیشتر تولید کند و بیشتر مصرف کند، خوشبخت تر است.

اتفاقاً در چنین روزگاری سال هاست که تفکر فلسفی در جهان، بویژه در جهان غرب کمرنگ شده و عملاً صحنه را به نفع تفکر تجربی و آماری ترک کرده است. یعنی تمدن غربی بعد از فیلسوفان بزرگی چون «هگل» و «هایدگر» طرح پرسش ها و مسائل اصلی روزگار خویش را در لابه لای جداول

سعادت در بهشت شداد!

جایگاه مصرف در زندگی از دیدگاه فلسفه عملی اسلام و غرب

• نعمت ... سعیدی

جامعه اعمال می شود بحث می کند. این علم به «فلسفه انسانی» و «فلسفه عملی» نیز موسوم است. فارابی اصطلاح فلسفه انسانی را مترادف با مفهوم «علم مدنی» می داند و وظیفه و کارکرد اصلی آن را «سعادت شناسی» معرفی می کند. در رساله ی «الحروف»، علم مدنی در مقابل علم طبیعی قرار داده شده و در مفهوم آن آمده است: «علم مدنی علمی است که از انواع افعال و رفتار ارادی و ملکات و اخلاق و سجایا و عاداتی که افعال و رفتار ارادی از آن ها سرچشمه می گیرند، بحث می کند». و نیز از طبقه بندی نتایجی که این افعال و رفتار، برای ایجاد آن ها از انسان سر می زند، بحث می کند و بیان می دارد که برخی از این نتایج سعادت حقیقی است و برخی سعادت پنداری.

به تعبیری می توان تمام فلسفه و تلاش های فکری اندیشمندان را مقدمه ای برای تعریف سعادت و شقاوت بشری دانست. «امام محمد غزالی» در رساله مشهور خود به نام «کیمیای سعادت» بحث خود را با این مضمون آغاز می کند که مهم ترین صورت مسأله علمی هر انسانی تعریف سعادت است. هر انسانی باید در درجه نخست تکلیف خودش را روشن کند که آیا مفهومی به نام سعادت وجود دارد یا نه. آیا این سعادت در دنیا حاصل می شود یا در آخرت؟ این سعادت از جنس لذت های مادی است، یا لذت های معنوی و زیبایی شناسانه؟ آیا عملاً سعادت قابل حصول است یا نه؟ چون اگر بگوییم سعادت وجود دارد و برای انسان در دنیا یا آخرت قابل حصول است، آن وقت نخستین و اصلی ترین وظیفه هر انسانی حرکت و نیل به سوی این سعادت دنیوی یا اخروی است. از همین جاست که بسیاری از پندارگرایان یا نیست انگاران راه خود را از دیگران (به ویژه دین مداران) جدا می کنند.

«کانت» و «دکارت» که بنیان گذاران تمدن مدرن معاصر به شمار می آیند -و اگر «توسعه» و «مدرنیسم» را نوعی دیانت تلقی کنیم، این دو را باید از پیامبران بزرگ چنین دینی یاد کرد- دقیقاً از همین جاست که طرحی نو برای بشریت در انداخته اند. کانت در بخش فلسفه مابعد الطبیعه (یا همان الهیات) قائل به چهار صورت مسأله جدلی اطرفین می شود که هر دو قضیه می توانند صادق باشند (مثلاً هم وجوب وجود واجب الوجود، هم عدم وجوب آن) و این گونه عملاً خواسته یا ناخواسته زیر بنای اخلاق و رفتار و فضایل انسانی را متزلزل کرده و سعادت را تبدیل به امری نسبی می کند (اگرچه حتی

آماری مختلف جستجو می کند و دیگر هیچ فیلسوفی را نمی‌توان نام برد که کاری بیشتر از نقد همین وضعیت موجود (در درجه نخست به قصد حفظ همین اوضاع!) از دستش بریاید. امروز اکثر جوامع جهان چشم به راه منتقدان اقتصادی بزرگ هستند که ظهور کنند و طرحی نو در اندازند.

اگر بخواهیم جایگاه مسأله مصرف و مصرف زدگی را در چارچوب تفکر اسلامی، بویژه حکمت اسلامی مشخص کنیم، بهتر است از تقسیم بندی فارابی از فلسفه و علوم آغاز کنیم. او در رساله «التوطئه» خویش، فلسفه را به چهار علم تقسیم می کند:

- ۱- علوم تعالیم، که خود شامل علم عدد، هندسه، نجوم و علم موسیقی است.
- ۲- علم الهی، که در مورد آنچه خارج از جسم است، نه داخل در جسم مطالعه می کند. (بعدها این بحث در مباحث الهیات و مابعد الطبیعه به ویژه در فلسفه اسلامی تداوم می یابد)
- ۳- علم طبیعی، که در مورد اجسام و آنچه در اجسام است و خارج از اراده انسان، بحث می کند.
- ۴- علم مدنی، که در مورد سعادت انسان و افعالی که در



تولید و انباشت سرمایه را به نفع اخلاق لذت جویانه مصرف نمی‌کند.
بوردیو معتقد است طبقات فرادست و فرودست درگیر مبارزه‌ای بی‌پایان اما ملایم برای تثبیت هویت، ارزش و موقعیت اجتماعی خود هستند. امروزه مصرف چیزی بیش از برآوردن خواسته‌های زیستی است.

الگوی مصرف آمریکایی در ایران

دکتر ناصر فکوهی، استاد انسان‌شناسی دانشگاه تهران درباره تمایزهای الگوی مصرف در اروپا و آمریکا، در گفتگو با مجله سپیده دانایی می‌گوید: «روپا برخلاف آمریکا الگوی مصرفی دارد که بسیار نزدیک به تولیدش است و تلاش کرده تا نظام‌های اعتباری و بانکی در مصرف حرف اول را بزنند و مانع شده که نظام اعتباری مصرفی رشد زیادی کند. امروز تقریباً اکثر کشورهای اروپایی قوانینی دارند که از مقروض شدن بیش از حد یک خانواده جلوگیری می‌کند. یعنی مثلاً در فرانسه حداکثر مبلغی که یک خانواده می‌تواند قرض بگیرد یک چهارم درآمدش است. همچنین قانونی را همین اواخر به تصویب رساندند که یک خانواده مانند یک شرکت تجاری می‌تواند اعلام ورشکستگی کند. یعنی کسانی که خانواده‌ها را ترغیب به مصرف زیاد می‌کنند باید این ریسک را هم بپذیرند که آن خانواده می‌تواند اعلام ورشکستگی کند و در این هنگام اتفاقی که می‌افتد اینست که دولت وارد ماجرا می‌شود و قرض‌های خودش را می‌گیرد و مابقی قرض‌ها هم ممکن است منتفی شود! در نتیجه با این گونه کارها جلوی مصرف‌گرایی زیاد گرفته می‌شود. همچنین در اروپا نسبت به آمریکا ایدئولوژی‌های ضد مصرف‌گرایی همچون طرفدار محیط زیست بسیار قوی‌ترند. همین موارد باعث شده که مصرف‌گرایی به شکلی که در آمریکا وجود دارد در اروپا بوجود نیاید. مثلاً تظاهر در داشتن ثروت در اروپا به مقدار آمریکا قوی نیست.»

دکتر فکوهی همچنین در مورد اینکه الگوی مصرف در ایران به کدام نوع نزدیک‌تر است می‌گوید: «متأسفانه الگوی مصرف در ایران هرچه بیشتر به الگوی مصرفی آمریکایی نزدیک می‌شود، یعنی مصرف‌گرایی شدید و نشان دادن این مصرف‌گرایی که فوق‌العاده منفی است. البته لازم نیست که بگوییم ما باید به جای مدل آمریکایی از مدل اروپایی تبعیت کنیم، ما خودمان مدل سنتی‌ای داریم که اصلاً چنین مواردی که امروز شاهدش هستیم در آن مطرح نیست. شما اگر در گذشته نه چندان دور به روستاهای ما می‌رفتید نمی‌توانستید به سرعت تشخیص دهید که چه فردی ثروتمند است. ثروت در جامعه سنتی ما ارزش نبود در حالیکه متأسفانه در سال‌های اخیر این مسئله در جامعه ما بصورت ارزش درآمده و افراد دائم سعی می‌کنند ثروت خود را به نمایش بگذارند که به نظر من این یک ضد ارزش است. چنین الگویی را تنها می‌توان در کشورهای جهان سوم و در آمریکا دید که در هر دو منطقه بحران وجود دارد... ما باید قدر ارزش‌های سنتی خود را بدانیم.»

اخلاق رمانتیک و مصرف‌گرایی مدرن

«تصور کن حتی اگر وجود نداشت...» «برواز با هواپیمای دونفره...» «اسکناس به اندازه فلان برج...» «سفر به دور دنیا...»

همه ما این جملات و وعده وعیدها را در آگهی‌های تلویزیونی دیده‌ایم. کولین کمپل در کتاب «اخلاق رمانتیک و روح مصرف‌گرایی مدرن» می‌گوید نوعی اخلاق رمانتیک ایجاد شده که منجر به پیدایش مصرف مدرن و جدائی مصرف از شکل سنتی آن می‌شود. مصرف سنتی لذت مصرف اشیاء و انجام اعمال را در خود آن‌ها جست‌وجو می‌کرد. اما مصرف مدرن با ادراکات ذهنی سروکار دارد. اخلاق رمانتیک، لذت مصرف را در تجربه ذهنی آن دنبال می‌کند، اساس لذت در اینجا لذت‌جویی خیالی است. مردم ابتدا آرزو می‌کنند که مصرف کنند، سپس مصرف می‌کنند و از خیال خود خلاص می‌شوند اما بلافاصله لذت خیالی دیگری از طریق جامعه به افراد القا می‌شود و تخیل دیگری محرک مصرف می‌شود. این چرخه هرگز به پایان نمی‌رسد. در مصرف‌گرایی مدرن، لذت خواستن اشیاء بیش از لذت داشتن آنهاست، همین باعث می‌شود مصرف بی‌انتهای شود چون ذهن آدمی هرچقدر هم که بدست آورد باز هم می‌تواند لذت‌های بیشتر را تصور کند.

منابع:

- مراحل اساسی سیراندیشه در جامعه‌شناسی، ریمون آرون
- زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، لیونیس کوزر
- جامعه‌شناسی شهر، فریده ممتاز
- مصرف و سبک زندگی، محمد فاضلی
- مجله سپیده دانایی، شماره ۲۲، گفتگو با ناصر فکوهی



اخلاق رمانتیک والگوی مصرف آمریکایی

مروری بر ریشه‌های اجتماعی مصرف‌گرایی

• زهرا قدیانی

آن‌ها نیستیم - در واقع اشاره‌های دقیق به لزوم بازنگری افراد و خانواده‌ها و البته دولت به شیوه‌های به‌کارگیری ثروت خصوصی و عمومی است.»

مصرف برای تثبیت هویت

بورديو در کتاب «تمایز» به بحث مصرف می‌پردازد و می‌گوید: «اقتصاد جدید طالب دنیای اجتماعی ای است که در آن مردم به همان اندازه که بر اساس ظرفیت‌هایشان در تولید ارزیابی می‌شوند، برحسب ظرفیت‌شان در مصرف هم ارزیابی خواهند شد» و «اقتصاد نوین اخلاقی زاهدانه

اسلامی به ثروتی اشاره دارد که از جریان متعادل و متعارف تولید و مصرف خارج شده و به شکلی غیرمولد و تنها در خدمت ارضاء حس طمع‌ورزی و تکاثر افرادی با ضمیر بیمار قرار گرفته، میل به تفاخر را در آنان اشباع می‌کند. مخالفت فرهنگ دینی با چنین شیوه‌ای در استفاده از ثروت، نشان می‌دهد که توجه به الگوی مصرف تنها مربوط به نوع استفاده از کالاهای مصرفی روزمره نیست، بلکه شیوه‌های بهره‌برداری از منابع ثروت نیز باید مورد توجه قرار گیرد. پیشنهاد رهبر معظم انقلاب به سرمایه‌گذاری مازاد امکانات مادی در مسیری مولد - حتی اگر مایل به انفاق

انسان در میان انبوه جمعیت شهر دچار این احساس می‌شود که دندانه‌های کوچک از یک ماشین عظیم است و برای غلبه کردن بر گمنامی حاصل از زندگی در کلان شهرهایی با جمعیت بالا، به مصرف رو می‌آورد

طبقه مرفه علاوه بر بدست آوردن ثروت و به تبع آن قدرت، همواره در پی نشان دادن این ثروت برای کسب افتخار اجتماعی بوده‌اند

چه چیز محرک مصرف‌گرایی مردم است؟ سبک مصرف در ملت‌ها، اقوام و مذاهب مختلف چه تفاوت‌هایی با هم دارد؟ دگرگونی سبک مصرف در دوره‌های مختلف چگونه و در چه جهتی بوده‌است؟ تاثیر پدیده‌هایی مثل مدرنیته، شهرنشینی و رسانه بر روی سبک مصرف چیست؟ اینها سوالاتی‌اند که ذهن دانشمندان علوم انسانی را به خود مشغول کرده‌است.

مصرف بین انبوه جمعیت

زیمل در مقاله «کلان شهر و حیات ذهنی» با مطرح کردن وضعیت روانی انسان در آغاز قرن بیستم نکات مهمی را عنوان می‌کند. او در این مقاله به مشکل انسان مدرن در مواجهه با جامعه صنعتی و تکنولوژی می‌پردازد و می‌گوید افراد در شهر از قیود جامعه سنتی رها می‌شوند و آزادی‌های فردی بیشتری بدست می‌آورند. در عین حال انسان در میان انبوه جمعیت شهر دچار این احساس می‌شود که دندانه‌های کوچک از یک ماشین عظیم است و برای غلبه کردن بر گمنامی حاصل از زندگی کردن در کلان شهرهایی با جمعیت بالا، به مصرف رو می‌آورد. استفاده از لباس‌ها و وسایلی خاص، به فرد این امکان را می‌دهد که فردیت خود را باز یابد و وجود خود را به جامعه اثبات کند.

از طرفی مد احساس تعلق به گروه و همبستگی گروهی را در فرد ایجاد می‌کند. شهری‌ها آن وابستگی و تعلق روستایی‌ها به گروه‌های قومی و محلی را ندارند و می‌کوشند با استفاده از مد به گروه عظیم استفاده‌کنندگان آن مد خاص بپیوندند و با آنها احساس همبستگی کنند.

رقابت در مصرف

تورستین ویبلن در کتاب «نظریه طبقه تن آسا» می‌گوید ثروت برای اینکه برای فرد منزلت بیشتری به همراه آورد باید بصورت متظاهرانه به نمایش گذاشته شود. طبقه مرفه علاوه بر بدست آوردن ثروت و به تبع آن قدرت، همواره در پی نشان دادن این ثروت برای کسب افتخار اجتماعی بوده‌اند. این تظاهر در ابتدا بصورت «فراغت خودنمایی» از طریق اشتغال فرد به کارهای غیرتولیدی است، زیرا کار مولد تنها متعلق به طبقات پایین تر بود. کار غیر مولد نشان می‌داد فرد از روی فراغت و برای تفریح کار می‌کند.

در جامعه شهری امکان این نوع نمایش ثروت وجود ندارد. پس «مصرف خودنمایی» جای اشتغال غیرمولد را می‌گیرد. ثروتمندان می‌کوشند با مصرف خودنمایی خود را متمایز کنند و به عنوان الگوی جامعه معرفی کنند. در این فرایند طبقه مرفه نمادهایی را مطرح می‌کند که این نمادها ارزش تلقی می‌شود و با رقابتی شدن فضای جامعه دیگر طبقات هم می‌کوشند تا خود را به نمادهای طبقه مرفه نزدیک کنند.

دکتر ناصر فکوهی، استاد انسان‌شناسی دانشگاه تهران در رابطه با تطابق نظریه طبقه تن‌آسای ویبلن با وضعیت مصرف‌گرایی در جامعه ایران بخصوص در قشر متوسط به پائین می‌گوید:

«این نظریه تاحدی درست است. به دلیل آنکه در نظام‌های اجتماعی اقشار فرودست تمایل به تبدیل شدن به طبقات فرادست دارند و یک نظام نشانه‌گذاری و تمایز در آن وجود دارد که از آن تبعیت می‌کنند. اما آنچه ویبلن و بالطبع هیچ یک از نظریه پردازان بیست سال پیش نمی‌توانستند ببینند انقلاب فناوری بود که به نام انقلاب اطلاعاتی مطرح شد. که در حقیقت، روابط بین گروه‌های اجتماعی را محدود به روابط فیزیکی نمی‌کند. امروز تفاوتی ندارد یک نفر پای تلویزیون بنشیند و برنامه و تصاویری را ببیند که در جامعه دیگری ساخته شده یا اینکه خودش به آن جامعه برود و آن را مشاهده کند. طبعاً نه ویبلن و نه هیچ کس دیگری نمی‌توانست حدس بزند که چنین اتفاقی می‌افتد. یعنی در حقیقت ما امروز منابع تنش‌زای بیشتری داریم، به دلیل آنکه بسیاری از کشورهای جهان سوم به طور مجازی با جوامع توسعه یافته در ارتباط قرار می‌گیرند البته با دو تیپ منبع که با هم هیچ ربطی ندارند. واقعیت اینست که جامعه در حال توسعه حتی اگر منابع کشور توسعه یافته را هم داشته باشد نمی‌تواند در زمان محدود به کشوری توسعه یافته تبدیل شود. منتها مردم این جوامع تصاویر جامعه دیگر را می‌بینند اما نمی‌توانند به آن برسند و این برایشان تبدیل به عقده و حسرت خواهد شد و آن را به نظام بی‌عدالتی تفسیر خواهد کرد.»

انباشت ثروت

دکتر فیهیمه فرهنگ‌پور، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران درباره الگوی اسلامی مصرف کالا و ثروت می‌گوید: «مفهوم «کنز» در ادبیات قرآنی و به تبع آن در اقتصاد

اینکه کاتالوگ‌ها را به مشتری‌ها نشان می‌دهم خودم هم وسوسه می‌شوم که آنها را تجربه کنم. دو سه بار حتی به اندازه تمام سودم دوباره محصولات جدیدتر برای خودم می‌خریدم!»

کودکاتی که تو فکر یک سقفاندا!

پدر و مادر دارند فکر می‌کنند که پول خود را کجا سرمایه گذاری کنند. ناگهان فرزند هفت هشت ساله خانواده می‌گوید باید توی فلان بانک سرمایه گذاری کنی تا فلان مقدار سود بگیریم!

امروز کمتر تبلیغی را می‌بینیم که کودکان در آن حضور نداشته باشند. از تبلیغ یخچال گرفته تا بانک و حتی تبلیغ سقفاندا! این تبلیغات با انگشت گذاشتن بر دغدغه‌های همیشگی والدین برای تامین آینده فرزندان و با استفاده از احساسات و عواطف مخاطب سعی در حداکثر اثرگذاری دارند. گاهی هم تبلیغات با وسوسه حس زیبایی دوستی، طرح تعامل عروس و مادرشوهر و وارونه کردن کاریکاتوری نظام مردسالاری سعی در جلب توجه زنان دارند. با خانواده محور شدن روزافزون تبلیغات لزوم بالابردن سواد رسانه‌ای شهروندان بیشتر از گذشته حس می‌شود. انجمن ملی آموزش سواد رسانه‌ای آمریکا (AMIA) هدف از آموزش رسانه‌ای را کمک به اشخاص در تمامی گروه‌های سنی برای توسعه مهارت‌های مواجهه با رسانه‌ها می‌داند و معتقد است افراد نیاز دارند در دنیای امروز متفکرانه منتقد، ارتباط گرا، موثر و شهروندانی فعال باشند. سواد رسانه‌ای در دنیای امروز به دنبال مقابله با کارکردهای رسانه‌های بزرگ غالب است. رسانه‌هایی که هدف آنها تامین تسلط فرهنگی و حفظ قدرتهایی است که خود این رسانه‌ها محصول آنها هستند.

به نظر می‌رسد ما هم نیاز به یک انجمن سواد رسانه‌ای داریم. نیاز به نوعی درک منسک بر مهارت که بر اساس آن انواع رسانه‌ها را از هم تمییز داد و نحوه کارکرد رسانه‌ها و معنی سازی در آنها را درک کرد و به مخاطبانی تبدیل شد که توانایی گزینش دارند و به شکل و قالب و محتوا در رسانه‌های جمعی با نگاهی انتقادی می‌نگرند.

مادران نامهربان، فرزندان مادی‌گرا و خانواده‌های ناشاد

بررسی‌های کاسر و همکارانش در ۱۹۹۵ که در مجله روانشناسی رشد منتشر شد نشان می‌دهد نوجوانانی که نگرش‌های مادی‌گرایانه‌تری نسبت به بقیه نوجوانان مورد بررسی داشته‌اند، فقیرتر بودند و مادران خشن‌تر و نامهربان‌تری داشته‌اند. همچنین در مطالعه دیگری آمده است که جوانانی که والدینشان در معرض طلاق بوده‌اند یا طلاق گرفته‌اند در سال‌های بعد نسبت به بقیه بیشتر ارزش‌های مادی‌گرایانه داشته‌اند.

از سوی دیگر تحقیقات استادان دانشگاه‌های میشیگان و پرینستون در سال ۲۰۰۳ نشان می‌دهد افرادی که ابتدا آرزوهای مادی بیشتری دارند در دو دهه بعد نسبت به آنها بی‌نیازی که در ابتدا تمایلات مادی کمتری داشته‌اند، دارای رضایتمندی کمتری در زندگی اند. این تحقیقات نشان می‌دهد وقتی افراد زندگی‌شان را برپایه اهداف بیرونی مثلاً ثروت، جایگاه اجتماعی و دریافت پاداش استوار می‌سازند، ناراحتی‌های بیشتر، خلق بدتر و مشکلات روانی بیشتری دارند و ناشادترند.

بودن یا داشتن، مسئله اینست!

اریک فروم در کتاب «به نام زندگی» می‌نویسد: «من بر این باورم که انسان هنگامی خودش است که نیروهای درونی‌اش را بکار گیرد ولی اگر زندگی‌اش به جای «بودن» در «داشتن» و مصرف خلاصه شود به پستی خواهد گرایید، تبدیل به شی خواهد شد و روزگاری رنج آور و خالی از لطف و صفا خواهد داشت... جامعه نوین با دامن زدن به مصرف‌گرایی ما را از بودن تهی می‌سازد. این جامعه نه تنها کالا که نیاز تولید می‌کند. دیگر به ندرت خواست و آرزو از درون برمی‌خیزد. بلکه آنرا در بیرون به وجود می‌آورند و پرورش می‌دهند».

بنا بر این انسان‌هایی که بودنشان را تقویت کرده‌اند دیگر داشتن یا نداشتن مسئله‌شان نیست. دکتر مریم رفعت‌جاه، عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران می‌نویسد: «تجربیات شخصی، مطالعات و تدریس‌های دانشگاهی و تحقیقات وسیع‌نگارنده در زمینه زنان و بازتعریف هویت اجتماعی‌شان نشان می‌دهد هر چه سطح تحصیلات و سرمایه‌های مادی و فرهنگی زنان بالاتر می‌رود، تأمل، بازنگری و مقاومت آنان در مورد رویه‌ها و الگوهای فکری و رفتاری زندگی روزمره هم بیشتر می‌شود. مصرف‌گرایی از این عرصه‌های مقاومت است.» او می‌افزاید: «همه زنان مصرف‌کنندگان و پیام‌گیرانی منفعل نیستند و تصاویر تبلیغات را که در آن تصویری محدود و کلیشه‌ای از زن مصرف‌کننده ارائه می‌دهد نمی‌پذیرند و به نقش خود در ساماندهی الگوی مصرف خانوار واقفند و در مقابل الگوی سرمایه‌دارانه مصرف مقاومت کرده و قدرت خود را در زمینه شکل دهی به الگوی مصرف و ارزشها و رفتارهای مصرفی اعضای خانه نمایان ساختارند».



به خانه برمی‌گردیم

زنان، تربیت و مصرف‌خانواده

زهرا قدیانی

وقتی با حداکثر سود برای تولیدکنندگان همراه است که با بروز شدن‌های پی‌در پی هم همراه شود. گاهی تعویض مدل قبلی با مدل جدید با طرحی زیباتر و رنگی جدیدتر و بندرت کارایی بیشتر تنها چند هفته است.

شکارچی یا شکار؟

در جامعه مصرفی زنان هم وسیله تبلیغ هستند هم هدف آن! این وسیله بودن، امروز فقط به حضور چند زن در آگهی‌های تبلیغاتی محدود نمی‌شود و ابعاد پیچیده‌تری به خود گرفته است. صاحبان کمپانی‌های فرامیلتی درصددند با فعال کردن عموم زنان در فرآیند بازاریابی و فروش، حداکثر سود را نصیب خود کنند. بطور مثال کمپانی اوریفلیم، تولیدکننده لوازم آرایش و بهداشتی‌ایست که تنها در ایران چند هزار عضو دارد. سیستم عضو گیری شبه هرمی این شرکت اغلب زنان را جذب خود می‌کند. زنان می‌توانند در محیط‌های زنانه‌ای مثل آرایشگاه‌ها، باشگاه‌های ورزشی و مهمانی‌های زنانه حاضر شوند، آنها برخورد و تماس بیشتری با هم‌جنسان خود که عمده مشتریان این محصول‌اند، دارند. زنان هم چنین به جهت برخورداری از قدرت‌های کلامی بالاتر، بهتر می‌توانند هم‌جنسان خود را به خرید محصولات با ترغیب کنند. این سیستم بازاریابی، همچنین باعث می‌شود پس از مدتی فروشندگان، خود تبدیل شوند به خریدارانی پروپاقرص. همه اینها چیزی نیست جز سودی بی‌سابقه برای کمپانی مذکور.

پگاه مومنی، دانشجوی حسابداری و از ویزیتورهای این شرکت می‌گوید: «از اول هدف کار کردن نداشتم و حتی به پول اینکار نیازی هم ندارم اما وقتی دیدم زحمتی ندارد، وقتی نمی‌گیرد، اجباری هم در کار نیست و می‌توانم توی مهمانی‌ها و باشگاه محصولات را بفروشم، عضو شدم. اما به مرور زمان دیدم حین

غیرقابل پیش بینی، تصادفی و ناسالم خرید می‌کنند. مصرف‌گرایی افراطی یا تاکید بر کالاهای لوکس می‌تواند نشانه‌های اعتیاد به مصرف یا مد باشد. خرید بیش از حد، از دیدگاه روان‌شناسی ناپهنجاری گاه حتی پاسخ ناخودآگاه فرد است به افسردگی. مصرف می‌تواند نشانه نیازهای عاطفی و روانی عمیق‌تری هم باشد. مصرف‌گرایی از دیدگاه روان‌شناسی، تحقق و ارضای نیاز ذاتی ما به کنترل و در اختیار داشتن برخی چیزهاست، که البته می‌تواند با چیزهای دیگر جایگزین شود. برای مثال زنی که در خانه تحت تسلط شدید قرار دارد یا احساس می‌کند هیچ چیز تحت کنترل او نیست ممکن است نیاز به کنترل خانواده را به صورت خرید زیاد بروز دهد. توجه به این علائم می‌تواند آگاهی فرد نسبت به مشکل خود و اقدام به موقع او را به همراه داشته باشد.

مشتری‌های نارس

روان‌شناسان، خودشنیفتگی یا نارسیم را غالباً یک ویژگی زنانه می‌دانند. این ویژگی در حد متعارف و معقول‌اش باعث توجه زنان به زیبایی جسم می‌شود. زیبایی دوستی، ویژگی ذاتی و دیرپاییست که حتی در زنان قبایل ابتدایی هم دیده شده. همین گرایش را می‌توان در هنرهایی مثل آرایشگری، سفره‌آرایی و چیدمان منزل دید. تولیدکنندگان با آگاهی از این گرایش زنانه، بخش گسترده‌ای از تولیدات و تبلیغات خود را بر این امر متمرکز کرده‌اند تا با تحریک و تهییج بیش از حد آن، زنان را دچار خودشنیفتگی فرهنگی کنند. امروزه فراوانی رنگ‌ها و طرح‌ها را نه تنها در لباس و مد که در وسایل الکترونیکی، تکنولوژی آشپزخانه و دکوراسیون هم می‌توان دید. بازار پراست از انواع و اقسام وسایل «زنانه»، از لپ‌تاپ و گوشی گرفته تا کیف و کفش‌هایی که تنها وجه تفاوتشان با دیگر انواع‌شان، طرح و رنگ منحصر‌بفردشان است. این تنوع

تا قبل از صنعتی شدن، خانواده کارکردهای متنوع و گسترده‌ای داشت. از فعالیت‌های اقتصادی و تولید کالا گرفته تا انتقال ارزش‌ها، اجتماعی کردن، برآوردن نیازهای عاطفی اعضا، تعیین منزلت، شغل و سبک زندگی فرد. صنعتی شدن و جدایی کار از خانه، منجر به انتقال تولید از خانه به کارخانه شد. باز شدن درهای خانه‌ها به سوی رسانه‌ها، تخصصی شدن تعلیم و تربیت، رشد فردگرایی، اهمیت یافتن ویژگی‌های اکتسابی و صلاحیت‌های فرد و افزایش ساعت‌های دور از خانه باعث شد بخش اعظم کارکردهای خانواده بر عهده جامعه، رسانه، مدرسه، مهدکودک و خود فرد گذاشته شود. امروز افراد به خانه برمی‌گردند تا مصرف کنند و برخوردار شوند. از برخورداری‌های عاطفی گرفته تا مصرف انواع خدمات و کالاهای فرهنگی و زیستی. مصرف تنها کارکرد خانواده است که بعد از صنعتی شدن نه تنها کم رنگ نشده که پررنگ‌تر هم شده است. به همین خاطر برای اصلاح الگوی مصرف باید که به خانه برگردیم و ارزش‌ها، الگوها و رفتارهای خود، خانواده و تعاملات داخل خانه را مورد بازنگری قرار دهیم. در این میان اهمیت زن که نقش عمده‌ای در مدیریت مصرف خانه، اجتماعی کردن کودک و انتقال ارزش‌ها دارد، دو چندان می‌شود.

نیاز به مصرف از درون

«چرا مصرف می‌کنیم؟! اگر قبل از هر بار خرید کردن این سوال را از خود بپرسیم، ممکن است پاسخ‌ها جنبه‌های ناشناخته‌ای از شخصیتمان را برملا کنند. روان‌شناسان با بررسی انگیزه‌ها و سبک خرید افراد به نتایج جالبی در مورد نیازهای عاطفی، شخصیتی و اجتماعی آنها می‌رسند. بطور مثال «دیوانه خرید»‌ها آدم‌هایی هستند که بصورت

دکتر ابراهیم فیاض در گفت‌وگو با خراسان:

تا اقتصاد نفنی هست، مصرف زدگی هم هست

• سید امین مقدم حسینی

به قول معروف "کک مان و کک شان نمی‌گزد" وقتی می‌دانیم و می‌دانند که بخش‌های زیادی از آب و برق و گاز و بنزین در تولید، توزیع و مصرف هدر می‌رود. بهتر از ما مسئولان و مدیران می‌دانند که با میلیاردها تومانی که اینگونه دود می‌شود و به هوا می‌رود چه قدم‌های بزرگی در توسعه کشور می‌شود برداشت، اما چرا چشم‌ها بسته شده است و هم چنان بر سرعت قطار مصرف می‌افزاییم؟ در گفت‌وگو با دکتر ابراهیم فیاض عضو هیئت علمی گروه مردم‌شناسی دانشگاه تهران ابتدا در جستجوی علت کوشیده ایم و در ادامه، تفکر را هم در سبب کالای مصرفی ایرانیان نشان‌دهیم تا درباره مصرف این کالا نیز بیشتر بدانیم. دکتر ابراهیم فیاض از جمله جامعه‌شناسانی است که در نظراتش، همواره نگاهی به مبانی دینی از سویی و نگاهی به واقعیت‌ها و نیازهای بومی ایران از دیگر سو داشته است. او دروس حوزوی را در قم تا خارج و کارشناسی جامعه‌شناسی و ارشد مردم‌شناسی را در دانشگاه تهران تمام کرده است. برای دکتری رشته فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع) را انتخاب کرد و با نوشتن رساله‌ای در زمینه تولید و تبادل معنی فارغ‌التحصیل شد. کثرت، تنوع و عمق مطالعات دکتر فیاض مثال زدنی و نوآوری‌های او در زمینه مفهوم سازی و نظریه پردازی خواندنی است.

• چرا وقتی از منابع رسمی گفته می‌شود که حجم زیادی از آب در کشاورزی هدر می‌رود یا این که در بخش توزیع مقدار زیادی برق هدر می‌رود هیچ واکنشی در جامعه ایجاد نمی‌کند، حتی در زمانی که ارزش ریالی آنها هم بیان می‌شود باز هم واکنش جدی‌ای ایجاد نمی‌شود؟

• این به خاطر اقتصاد نفتی مان است!

• این دو مقوله چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟ در حالی که ساختن کشورمان به بودجه‌های کلان احتیاج دارد، نمی‌شود در کنار درآمدهای نفتی با اصلاح این سیستم‌ها و جلوگیری از هدر رفتن حامل‌های انرژی درآمد‌های مازاد کسب کنیم و آن‌گاه با مدیریت صحیح، این پول‌ها در راه توسعه کشور هزینه‌شود؟

• یک بچه پولدار را تصور کنید که نه تنها طعم فقر و نداری را نچشیده بلکه از همان دوران کودکی هر وقت هر چه خواسته، سریع برایش فراهم شده است. آیا چنین فردی ارزش پول را درک می‌کند که بعد بخواهد درست آن را مصرف کند؟ دولت‌ها هم در کشور ما حکم چنین فرزندی را دارند. تا زمانی که با فروش نفت به راحتی درآمد کسب می‌کنند دیگر دغدغه‌ای برای هدر رفتن آن در آب و برق و گاز ندارند.

• این در حوزه مسئولیت دولت است. در حوزه رفتار

عمومی علت چیست؟

• باز هم همین اقتصاد نفتی. چون به مردم هم سرایت می‌کند و مردم هم به صورت شدید مصرف‌گرا می‌شوند.

• از زاویه دیگری به این بحث نگاه کنیم. این که مسئولان ما می‌دانند که برق در سیستم توزیع و بخش اعظم آب در بخش کشاورزی هدر می‌رود اما اقدام اساسی که اصلاح سیستم توزیع یا ایجاد روش‌هایی برای تولید و توزیع ارزان‌تر و با بازده بیشتر است انجام نمی‌دهند، در این است که مسئولان دارای تفکر و روحیه تولید و اراده قوی برای انجام چنین کارهایی ندارند. نظر شما چیست؟

• فقط داریم نصیحت می‌کنیم. شما می‌گویید برای این که مصرف‌گرایی از بین برود باید انسان‌های تولیدی شویم. در حالی که تا زمانی که مصرف‌زدگی هست تولید به وجود نمی‌آید. ریشه بیرونی مصرف‌زدگی هم اقتصاد نفتی است و باید بودجه‌های جاری دولت‌ها را از نفت قطع کنیم. شما نگاه کنید به خاطر این که معاون وزیر خارجه‌ای - اگر اشتباه نکنم آلمان - از ماشین دولتی استفاده شخصی کرد چقدر در انتخابات ضربه خوردند. اما در کشورمان داشتیم که فلان مسئولی با یک هواپیمای ایرباس به عربستان رفت و با ۲ هواپیما برگشت، بودجه‌های بیت‌المال را این‌گونه هزینه می‌کنیم.

• شما از اقتصاد نفتی به عنوان عامل بیرونی مصرف‌زدگی بین ما ایرانیان نام بردید. عوامل درونی یا علل انسان‌ساختی آن کدامند؟

• این خود بحث مستقلاً احتیاج دارد. اما به طور خلاصه می‌توان به خودپسندی و عدم پاسخ صحیح به نیازهای واقعی اشاره کرد. خودپسندی باعث تکبر، غرور و فخر فروشی می‌شود. اروپایی‌ها به دلیل این که تواضع دارند می‌گویند به اندازه جیب مان خرج می‌کنیم و به دنبال فخر فروشی به اطرافیان خود نیستند. از طرف دیگر نیازی که به روش صحیح ارضا نشود، برای ارضای آن به مصرف روی آورده می‌شود. به عنوان مثال حتی ممکن است کسی چون تربیت صحیح جنسی نشده و در این نیاز خود دارای مشکل است، به خوردن یا خریدن روی بیاورد بدون این که خودش متوجه علت شود.

• اسراف و تجمل چه رابطه‌ای با یکدیگر دارند؟

• تجمل یعنی زیبایی‌پذیری و از باب تفعل است. ریشه آن هم جمال به معنی زیبایی است. شما باید یک زیبایی‌شناسی را بپذیرید که بر اساس آن تجمل را بپذیرید. در نتیجه زمانی که زیبایی‌شناسی جامعه بر اساس مصرف‌گرایی باشد نمی‌توانید به مردم بگویید تجمل نکنند!

• یعنی کارهای فرهنگی برای جلوگیری از اسراف موثر نیستند؟ همین برنامه‌های متنوع آموزشی که برای سنین مختلف از صدا و سیما بخش می‌شود و در آن‌ها از اهمیت آب، برق، گاز، بنزین و از مذمت اسراف در آیات و روایات گفته می‌شود.

• فایده‌ای ندارد و شکست می‌خوریم. شما نگاه کنید حتی در اصلاح الگوی مصرف نیز مصرف‌زده شده ایم. بدون این که ریشه‌های مصرف‌زدگی را پیدا کنیم همایش و سمینار برگزار می‌کنیم. کارهایمان بیشتر به یک طنز تلخ شبیه است.

• حال اگر کالای مصرفی را تفکر در نظر بگیریم، در این صورت وضعیت ما چگونه است؟

• کاملاً مصرفی هستیم. زمانی که نفت وارد اقتصاد ما شد وابستگی فکری مان هم شروع شد. ابتدا شاه‌زاده‌ها و به مرور زمان قشرهای پائین‌تر جامعه هم دچار آن شدند.

• اگر بپذیریم که چارچوب و مبنای تفکر نظام ارزشی است و خروجی این نظام ارزشی را می‌توان در مدل معماری، نوع پوشش، نوع رابطه با جنس مخالف، نوع رابطه والدین با فرزندان و بالعکس، رابطه همسران با یکدیگر، نوع رابطه حکومت با مردم و در نظام اقتصادی آن جامعه مشاهده کرد، این‌ها چه ارتباطی با وابستگی اقتصاد به نفت دارد؟

• زمانی که شما مصرف‌کردن را شروع می‌کنید هر چه بیشتر مصرف کنید بیشتر شخصیت پیدا می‌کند. مصرف می‌کنم پس هستم. مصرف هویت ذهنی، فکری و اخلاقی شما را تشکیل می‌دهد. بنابراین چارچوب ذهنی شما در مصرف‌زدگی شکل می‌گیرد نه در تولید. در این صورت خدای‌مان هم خدای مصرفی خواهد شد! الان چیزی تولید نمی‌کنیم. حتی در تفکر دینی مان نشسته ایم تا یک خارجی مثل هانری کرین حرفی درباره شیعه بزند تا حرف او اثباتی بر حرف ما باشد. الان همه دنبال حاشیه‌نویسی بر کتاب‌های غربی‌اند. خیلی

• تا زمانی که دولت‌ها با فروش نفت به راحتی درآمد کسب می‌کنند، دغدغه‌ای برای هدر رفتن سرمایه‌ها با هدر رفتن آب و برق و تلفن ندارد

• انجام کارهای فرهنگی مثل برنامه‌هایی که از صدا و سیما بخش می‌شود بی‌فایده است و شکست می‌خوریم

با افتخار می‌گویند: "من هم مثل فلانی که در غرب است می‌گویم" یا می‌گویند: "نظر من هم مثل شیخ انصاری است". این همان اجتهاد تقلیدی است که استاد مطهری بیان می‌کند. زمانی که آیت‌الله صادق لاریجانی به عنوان رئیس قوه قضائیه معرفی شد، زندگی‌نامه‌ای از ایشان منتشر شد. جالب است که در آن بیشتر آثار ترجمه‌ای ایشان بیان شده بود.

• بنابراین شما معتقد هستید که پیش‌نیاز تولید علم و جنبش نرم‌افزاری هم قطع وابستگی از اقتصاد نفتی است؟

• بله، دقیقاً در اروپا که پول مفت نفت را ندارند، می‌گویند بر اساس تولیدی که می‌کنی پول می‌گیری. اما در ایران کسی مثل مرحوم علامه طباطبایی که نظریه تولید می‌کند در فقر مالی به سر می‌برد. همین الان استادان صاحب رأی در فلاکت مالی به سر می‌برند. دکتر صفی‌نژاد، استاد دانشگاه تهران زمانی که بازنشسته شد با ماهیانه ۴۰۰ هزار تومان بازنشسته شد در حالی که همین مرد شهرت جهانی در رشته مردم‌شناسی دارد. چرا؟ چون دولت‌ها پول نفت رایگان را دارند. در اروپا و آمریکا استاد دانشگاه ۱۰ تا کتاب می‌نویسد میلیاردر می‌شود. آنتونی گیدنز با نوشتن چند کتاب میلیاردر شد. آن‌جا برای صاحبان فکر ارزش قائل‌اند.



گزارش‌هایی که تهیه نمی‌شود

رسانه ملی و محدودیت‌های ساختاری برای کار در موضوع اسراف

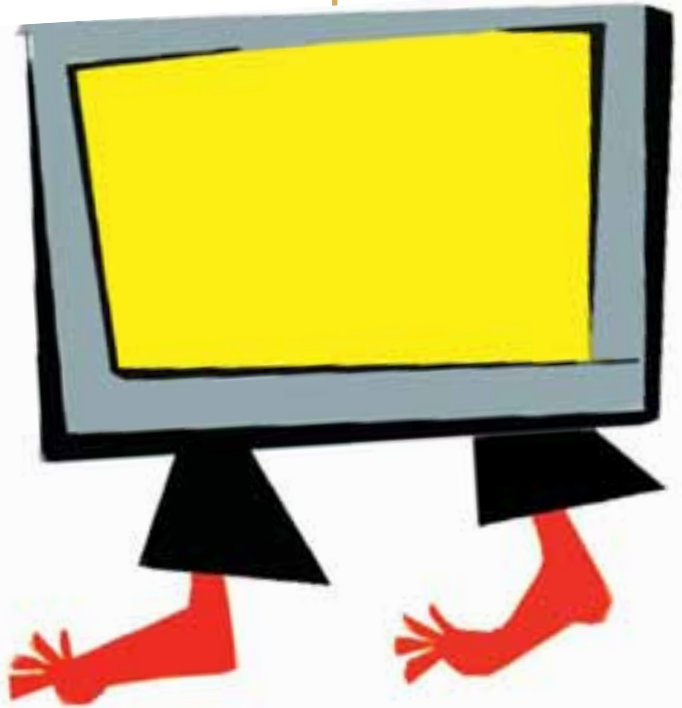
• رضا زاده محمدی

ترجمه می‌شود. در مقایسه، خبرگزاری‌هایی همچون ایسنا یا ایرنا، خبرهای داخلی بیشتری دارند و بعضی موضوعات خاص داخلی را مرتباً پیگیری می‌کنند. این در حالی است که خبرنگاران واحد مرکزی خبر به سبب انتساب به صدا و سیما و قدرت و نفوذ رسانه ملی دست‌بازتر و محدودیتهای کمتری نسبت به سایر خبرنگاران دارند. علت آن است که در مورد مسائل داخلی، احاطه و آمادگی لازم وجود ندارد و حتی اگر در زیر مجموعه، چنان‌توان و ظرفیتی وجود داشته باشد، روند اداری و مدیریت و نظارت بر اینگونه مسائل، مانع از عمل وسیع و همه‌جانبه می‌گردد. چرا صدا و سیما وقت معتنابهی از اخبار را در ساعات مختلف و حتی در فصول عادی سال به گزارش آب و هوا اختصاص می‌دهد یا چرا شبکه خبر همه‌روزه قیمت فلزاتی همچون روی و تیتانیوم را زیرنویس می‌کند؟ چون موضوع یا خبر جدی‌تری که جایگزین آنها کند ندارد، اما در عوض این‌گونه اخبار و گزارش‌ها را می‌تواند به راحتی تهیه کند.

خلاصه آن که در وضع فعلی و با توجه به شواهد و قرائن آشکار، صدا و سیما آمادگی و قابلیت انجام رسالت خود در موضوعی چون اصلاح الگوی مصرف را ندارد و هنوز اغلب موضوعات جدی مانند مصرف‌گرایی آن قدر مجال مطرح شدن ندارند که فوتبال دارد! با این وصف، آن چه می‌توان انتظار داشت حد اکثر، گزارش‌ها و اخباری کلیشه‌ای در حد رفع تکلیف است که حرف‌های آشنا درباره اسراف آب و برق را تکرار می‌کند و علاقه‌ای در مخاطب ایجاد نمی‌نماید.

اشرافی‌گری مسوولان گرفته تا ساختمانهای کاخ مانند و اسراف‌های دولتی و نهادهای عمومی و شهرداری‌ها باید در کانون خبر و توجه باشد. در گزارش‌های متنوعی که تهیه می‌شود باید نهادهای نظارتی همچون دیوان محاسبات و سازمان بازرسی به چالش کشیده شوند که در راستای وظایف خود، در قبال حیف و میل اموال عمومی چه کرده‌اند؟ مثلاً باید از سازمان بازرسی سوال شود چرا در میان این همه وظیفه مهم، دو شغله بودن چند مدیر فوتبالی را وجهه همت خود قرار داده است؟ در وضع فعلی، قابلیت‌های رسانه ملی در پرداختن به هر موضوع مهمی در حد اصلاح الگوی مصرف، محدود است. این که رسانه ملی سوژه‌های جدی و وسیع را تا حد قابلیت‌های خود کوچک می‌کند و جز به شکل محدود و گذرا نمی‌تواند به آن بپردازد، به محدودیت‌هایی بر می‌گردد که که ابتدا در سطح مدیریت رسانه ملی قابل بررسی است. گویی عنصر شجاعت و اعتماد به نفس آنچنان که باید در مدیران محترم رسانه ملی پررنگ نیست. چنین وضعی موجب می‌شود که مدیران با وجود مصلحت‌طلبی‌های غیر لازم همواره دست به عصا و با احتیاط حرکت کنند.

در مرحله بعد، نیروها هستند که خود حکایت دیگری دارند. صدا و سیما در زمینه تولید خبر و گزارش، کمبود نیرو دارد یا از نیروهایش در این زمینه استفاده نمی‌کند. اگر نگاهی به اخبار تلکس‌های خبری یا خبرگزاری‌ها بیندازید، تلکس واحد مرکزی خبر (خبرگزاری صدا و سیما) مملو از اخبار خارجی است. این‌ها اخباری است که همه از خبرگزاری‌های خارجی گرفته شده و



در سال اصلاح الگوی مصرف، انتظار این بوده و هست که رسانه ملی گزارش‌ها و اخبار و برنامه‌هایی به وسعت حقیقی این موضوع تهیه کند. موضوع، محدود به آب و برق یا دور ریز نان نیست. قسمت بزرگی از اسراف را دولت و نهادهای عمومی انجام می‌دهند. بودجه‌ها چگونه خرج می‌شود؟ پروژه‌ها چقدر تأخیر می‌کند و چه حجم سازه و بتن و آهن بلا استفاده مانده و خاک می‌خورد؟ چه میزان حق مأموریت بی‌جهت و چه تعداد همایش بی‌فایده در کشور برگزار می‌شود؟ چرا مجلس بودجه خود را سه برابر کرده است؟ رهبر انقلاب در سخنان خود در کردستان خوی اشرافی‌گری را با اصلاح الگوی مصرف در تضاد دانستند و ... اگر قرار است به مساله اسراف پرداخته شود، نمی‌شود مخاطب صرفاً عموم مردم و موضوع تنها آب و برق باشد. باید درباره همه ابعاد مساله کار کرد و گزارش تهیه کرد، از

اسلام، الگوی مصرف و پیرسش‌های جدید

نگاهی به بایسته‌های پژوهشی به بهانه معرفی کتاب «اسلام و الگوی مصرف»

• سید مهدی محمدآبادی

توصیه ای فقهی- اخلاقی به تنهایی همه دردها را دوا نخواهد کرد. آن چه ضروری و البته مغفول است، استخراج راهکارهای عملیاتی و تخصصی با الهام از منابع اسلامی و ارائه آن به اقشار مختلف جامعه، منطبق با شرایط زمانی و مکانی (بومی) است. برای مثال، باید مشخص شود بر اساس کلیات نگرش دینی -که عمدتاً مورد اتفاق همگان است- تکلیف خاص ما در حوزه‌های متنوعی چون حمل و نقل، مصرف انرژی و ... چیست.

توجه قرار داده‌اند. در حال حاضر نیز، با جستجوی ساده به وسیله واژگانی همچون «مصرف»، «اسراف» و «الگوی مصرف» می‌توان فهرستی بلند از کتب و مقالات را در موضوع مصرف از نگاه دین، به دست آورد. اهتمام مشترک این مکتوبات، استخراج آیات و احادیث مرتبط با این موضوع و ارائه توصیه‌هایی -غالباً اخلاقی و کلی- است. با وجود این برتری، دو ضعف و غفلت عمده در این آثار دیده می‌شود: ۱. توقف در کلیات: گردآوری آیات و روایات با رویکرد

از دیدگاه دین، چگونگی گذران زندگی انسان و حتی نحوه دخل و خرج او در حیطه معاش، تأثیری حتمی بر خوشبختی و شوربختی او در آخرت دارد. از این رو همچون سایر ابعاد زندگی، تبیین الگوی مصرف بر اساس نگرش دینی ضروری به نظر می‌رسد. پیش‌تر از این، اندیشمندان اسلامی به خصوص فقیهان، به پیروی از ائمه معصومین -علیهم السلام- برخی مباحث مربوط به اخلاقیات و احکام هزینه‌ها و مصارف مالی را در ضمن بحث‌های فقهی خود مورد

۲. غفلت از نگاه ساختاری و حکومتی: بسیاری از اسراف‌های کلان، ناشی از بی‌عدالتی در تخصیص منابع یا زد و بندهای فسادخیز است که خود، از عدم اعمال نظارت‌های دقیق و مستمر، سیستم اداری پیچیده و فرسوده و خلأهای قانونی و نقص‌های نظری و نرم‌افزاری سرچشمه می‌گیرند. دین اسلام منحصر به فردیات نبوده و علی‌القاعده باید به اندازه‌ای که درباره اسراف‌های شخصی موضع دارد، درباره اسراف‌های ساختاری و عمومی نیز سخن داشته باشد. این وظیفه ماست که با عرضه سئوالات جدید به منابع دینی، حرف‌های ناگفته آن را در حوزه‌های جدید و کلان، استخراج کنیم. با وجود این ضرورت، تقریباً هیچ‌یک از آثار نگارش یافته در موضوع مورد بحث، تلاشی برای حرکت به این سمت نداشته‌اند.

در میان کتاب‌هایی که خواسته‌اند دیدگاه دین را در حوزه مصرف تبیین کنند، کتاب «اسلام و الگوی مصرف»، نوشته حجت الاسلام و المسلمین دکتر علی اکبر کلانتری، کوشیده است تا به ضرورت‌هایی چون روزآمدی، تخصص و کلان‌نگری پاسخی در خور ارائه دهد. اثر مذکور، که در سال ۱۳۸۴ نوشته و منتشر شده است، پس از نامگذاری سال جاری به نام «سال حرکت مردم و مسوولان به سوی اصلاح الگوی مصرف»، به عنوان اثری شاخص در مقوله اصلاح الگوی مصرف، توسط انتشارات «بوستان

عملیات بانکی توسط اینترنت و یا تلفن نمونه‌ای ساده از این رویکرد است که اخیراً مورد توجه قرار گرفته است. - **وجدان کاری:** کنترل درونی و احساس مسئولیت نسبت به شغل و وظیفه اجتماعی باعث انجام سریع و صحیح کارها و بالا رفتن راندمان کاری میشود. - **قدرت نه گفتن و حذف کارهای غیر ضروری:** روزانه ساعت‌های زیادی از زمان ما صرف تعارفات بی جا و یا قرار گرفتن در رودربایستی می‌شود. با برنامه‌ریزی و اولویت بندی می‌توان کارهای غیر ضروری را شناسایی و حذف کرد و با نه گفتن و مخالفت محترمانه با کسانی که بیهوده وقت ما را می‌گیرند از هدر رفتن زمان جلوی گیری کرد. - **استفاده از وقت‌های مرده:** ساعت‌های زیادی در روز هستند که با کمی توجه و خلاقیت می‌توان از آن‌ها استفاده بهینه برد. مثلاً مطالعه مطبوعات و کتاب‌های جیبی و یا گوش دادن به فایل‌های سخنرانی یا آموزشی توسط تلفن همراه در زمان‌هایی که در تاکسی، اتوبوس و یا بانک منتظر هستیم. - **برنامه ریزی‌های مدیریتی و نظارتی برای استفاده بهینه از نیروی انسانی در سازمانها و ادارات و ...** اصلاح مصرف در همه حوزه‌ها، در بستر زمان و عمر انسانی محقق می‌شود. برای اصلاح الگوی مصرف زمان به عنوان پشتوانه برنامه ریزی و مدیریت همه جانبه زندگی، هر کس باید از خودش و از همین حالا شروع کند.

■ اما در اتلاف وقت عوامل کلان اجتماعی نیز دخیل هستند که کنترل آن‌ها کمتر در اختیار افراد است و حل کردن آن‌ها نیاز به توجه مسئولین امر و برنامه‌ریزی‌های کلان اجتماعی دارد. برخی از این علل اجتماعی و کلان عبارتند از: ۱- **نظام بروکراسی یا کاغذ بازی در ادارات و مراحل طولانی و غیر ضروری اداری، روزانه ساعت‌ها وقت مراجعان و کارمندان را می‌گیرد.** ۲- **تعطیلات طولانی رسمی و غیر رسمی کشور سالانه میلیون‌ها ساعت مفید کاری را هدر می‌دهد.** با نگاهی به تقویم سال ۸۸ متوجه می‌شویم که در سال جاری ۷۷ روز تعطیل رسمی (شامل تعطیلات پایان هفته و مناسبت‌ها) داریم و علاوه بر آن هر ساله روزهایی به عنوان بین‌التعطیلات و روزهای پایانی سال به تعطیلات رسمی کشور اضافه می‌شود! ۳- **ترافیک و مشکلات عبور و مرور شهری هر روزه ساعت‌ها از وقت ما را می‌گیرد، به طوری که معاون حمل و نقل و ترافیک تهران اعلام کرد روزانه ۲۰ میلیون ساعت از وقت شهروندان تهرانی در ترافیک تلف می‌شود که این مشکل در شهرهای بزرگ دیگر هم با میزانی تفاوت برقرار است.**

■ بر این اساس، برای اصلاح الگوی مصرف زمان و عمر در جامعه ایران، لازم است مجموعه‌ای از راهکارهای

ناشی می‌شود. از دیدگاهی می‌توان این عوامل را به دو دسته ی خرد و کلان تقسیم کرد. عوامل خرد علل فردی و شخصی اتلاف وقت هستند که به طرز تفکر یا عادت فرد باز می‌گردد و عوامل کلان نیز علل اجتماعی هستند که به سیستم عمومی یک جامعه بازگشت می‌کنند. از عوامل فردی مصرف مسرفانه وقت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- **بی‌برنامه‌گی و هدفمند نبودن زندگی باعث سردرگمی و وقت‌گذرانی فرد می‌شود.** کسی که هدف روشنی ندارد، معیار مشخصی نیز برای الویت بندی کارها و برنامه‌هایش نخواهد داشت و گذشت زمان برایش بی‌اهمیت خواهد بود. ۲- **نقش دوگانه ی تکنولوژی را نباید در اتلاف زمان نادیده گرفت.** نمونه‌ی بارز آن اینترنت است که وسیله‌ای بسیار مفیدی برای دسترسی آسان و سریع به اطلاعات و ارتباطات است اما در جامعه ی ما به دلیل نبود فرهنگ صحیح استفاده از آن، برای اکثر افراد وسیله ی وقت‌گذرانی و وبگردی و گفتگوهای بی‌هدف شده است. همچنین تحقیقات نشان می‌دهند که بیشترین عوامل وقت‌کشی در میان کارمندان، رسیدگی به امور شخصی از طریق اینترنت، پاسخ دادن یا فرستادن پیامهای کوتاه بوسیله ی تلفن همراه و همچنین بازی‌های کامپیوتری و مکالمه های طولانی تلفن



اتلاف زمان و بی‌تفاوتی ما

• سیده ریحانه حسینی



فردی و عمومی از قبیل موارد زیر مورد توجه قرار گیرد: ۳- **عامل دیگر، اندیشه‌ها و روحیات غلط است؛** مانند تاخیرها، بد قولی‌ها و ارزشمند نداشتن وقت دیگران که ناشی از فرهنگ غلط و تفکرات اشتباه در مورد زمان است. احساس بزرگی و شأن در دیر رفتن سر قرار و با تأخیر حاضر شدن در جلسات، معطل کردن و سر دواندن ارباب رجوع، مکالمات طولانی و غیر ضروری تلفنی و حضوری، منتظر گذاشتن میزبان و ... نمونه‌ای از تفکرات و رفتارهای غلط رایج در کشور ماست. ۴- **ناراضی شغلی، سرخوردگی‌های اجتماعی، مشکلات معیشتی و درگیری‌های ذهنی حاصل از آن باعث عدم تمرکز و فرهنگ از زیر کار در رفتن و کاهش ساعات مفید کاری می‌شود.**

است. مگر این که از او سوال می‌شود: عمرت را در چه راهی تلف کردی؟ و جوانی‌ات را در چه کاری فرسودی؟" در عین حال، علیرغم چنین پیشینه فرهنگی، می‌بینیم که ارزش وقت در جامعه ی ما آن چنان که باید شناخته نمی‌شود. تعداد ساعات کار مفید اداری پایین است، جلسات و سفرها همیشه با تأخیر همراهند و همه ما از شروع روز تا پایان شب ساعت‌های زیادی را خواسته یا ناخواسته هدر می‌دهیم. و این قضایا آن قدر تکرار شده اند که ما حساسیت خود را نسبت به گذر زمان از دست داده و این اتلاف وقت را به عنوان عادت و هنجار پذیرفته ایم. اما ریشه ی این مشکل کجا است؟ اتلاف وقت هم مثل دیگر مشکلات اجتماعی از عوامل مختلفی

کتاب «مجدداً ویرایش شده و در ۳۰۰۰ نسخه عرضه شده است. در مقدمه کتاب، «بحران مصرف» اساساً ناشی از بی‌عدالتی در زندگی بشر معاصر دانسته شده، و همین شیوه نگرش به موضوع، مجموع مباحث این کتاب را از آثار مشابه خود متمایز کرده است. نویسنده از یک سو آیات، روایات، سیره معصومین و به طور کلی آموزه های اسلامی را استخراج و تجزیه و تحلیل کرده و از سوی دیگر، دیدگاه های کارشناسان را در عرصه‌های گوناگون واقعیت‌های اجتماعی، مستند به آمار و ارقام واقعی، ارائه داده است. کتاب از سه بخش کلیات، مصارف فردی و معارف دولتی تشکیل شده که در بخش کلیات، به مسائلی از این دست توجه شده است: چیستی مصرف، ضرورت تدبیر در امر مصرف، ضرورت نگاه دینی به امر مصرف، پیشوایان دین و مقوله مصرف، مصرف و پدیده اسراف، اسراف فردی و اجتماعی، حد اعتدال، نقش عرف در تعیین الگوی مصرف، مصارف فردی و دولتی. نویسنده در بخش دوم - که به تنهایی دو سوم حجم کتاب را در بر می‌گیرد- مصارف فردی را به چندین عنوان جزئی تقسیم می‌کند: مصارف خوراکی، بهداشتی، حقوقی، اخلاقی، انرژی، مسکن، پوششی، رفاهی، آرایشی-تجملی و تشریفاتی. در ذیل هر عنوان، ابتدا آیات و روایات و سیره معصومین ذکر

• **گردآوری آیات و روایات با رویکرد توصیه ای فقهی - اخلاقی به تنهایی همه دردها را دوا نخواهد کرد. آن چه ضروری است، استخراج راهکارهای عملیاتی و تخصصی با الهام از منابع اسلامی منطبق با شرایط زمانی و مکانی (بومی) است**

• **در میان کتاب‌هایی که خواسته اند دیدگاه دین را در حوزه مصرف تبیین کنند، کتاب «اسلام و الگوی مصرف» کوشیده است تا به ضرورت‌هایی چون روزآمدی، تخصص و کلان‌نگری پاسخی در خور ارائه دهد**

بخش، به لحاظ کمی تنها یک دهم از حجم کل کتاب را به خود اختصاص داده و حق مطلب به طور کامل در آن ادا نشده است، اما با توجه به خلأ موجود در این حوزه و اهمیت فوق‌العاده نگرش روزآمد به معرف دینی، شایسته توجه و الگوبرداری است. در مجموع، «اسلام و الگوی مصرف»، اثری است که برای عموم علاقمندان به دانستن، و البته به طور خاص، دانشجویان و حوزویان و برنامه ریزان مدیریت‌های مختلف اجتماعی -عزم از فرهنگی و اقتصادی و ... قابل استفاده است. بار دیگر باید توجه، تلاش و همکاری صاحبزنان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه را طلب کرد تا کمبودهای موجود در حیطه آثار تخصصی در حوزه های مختلف معاش فردی و اجتماعی، بویژه حوزه دولتی و حکومتی را با نگاه دینی و بومی رفع کنند

شده و نظرات فقها و علمای اخلاق اسلامی پیرامون آن موضوع نقل شده است. سپس به استناد آمار و دیدگاه کارشناسان، گزارشی از وضعیت فعلی جامعه در آن مقوله ارائه شده است. در پایان، نویسنده ضمن بیان موارد افراط و تفریط، می‌کوشد حد اعتدال و راهکارهای اصلاحی را به صورت جزئی در اختیار مخاطب قرار دهد. بخش سوم - که حلقه مفقوده اکثر آثار نوشته شده پیرامون اصلاح الگوی مصرف است - به بیان معیارهای مورد توجه دین در حوزه مصارف دولتی می‌پردازد: عدالت ورزی در تخصیص امکانات و توزیع درآمدها، پیش‌داشت منافع توده مردم بر مصالح خواص، نگاه ویژه به آموزش و پرورش، اهتمام ویژه به فرهنگ جامعه، رعایت اصل توازن در مصرف، پرهیز از هزینه‌ها و تشریفات غیر ضروری و ... هر چند این

• **بسیاری از اسراف‌های کلان، ناشی از بی‌عدالتی در تخصیص منابع یا زد و بندهای فسادخیز است که خود، از عدم اعمال نظارت‌های دقیق و مستمر، سیستم اداری پیچیده و فرسوده و خلأهای قانونی و نقص‌های نظری و نرم‌افزاری سرچشمه می‌گیرند**

• اگر مصرف مسرفانه و تجملی درباره کالاها و وارداتی باشد، کاهش مصرف ما موجب کاهش واردات و خروج ارز از کشور می شود که نه تنها به کاهش تولید داخلی نمی انجامد بلکه تاثیر مثبتی بر رشد اقتصاد ملی خواهد داشت

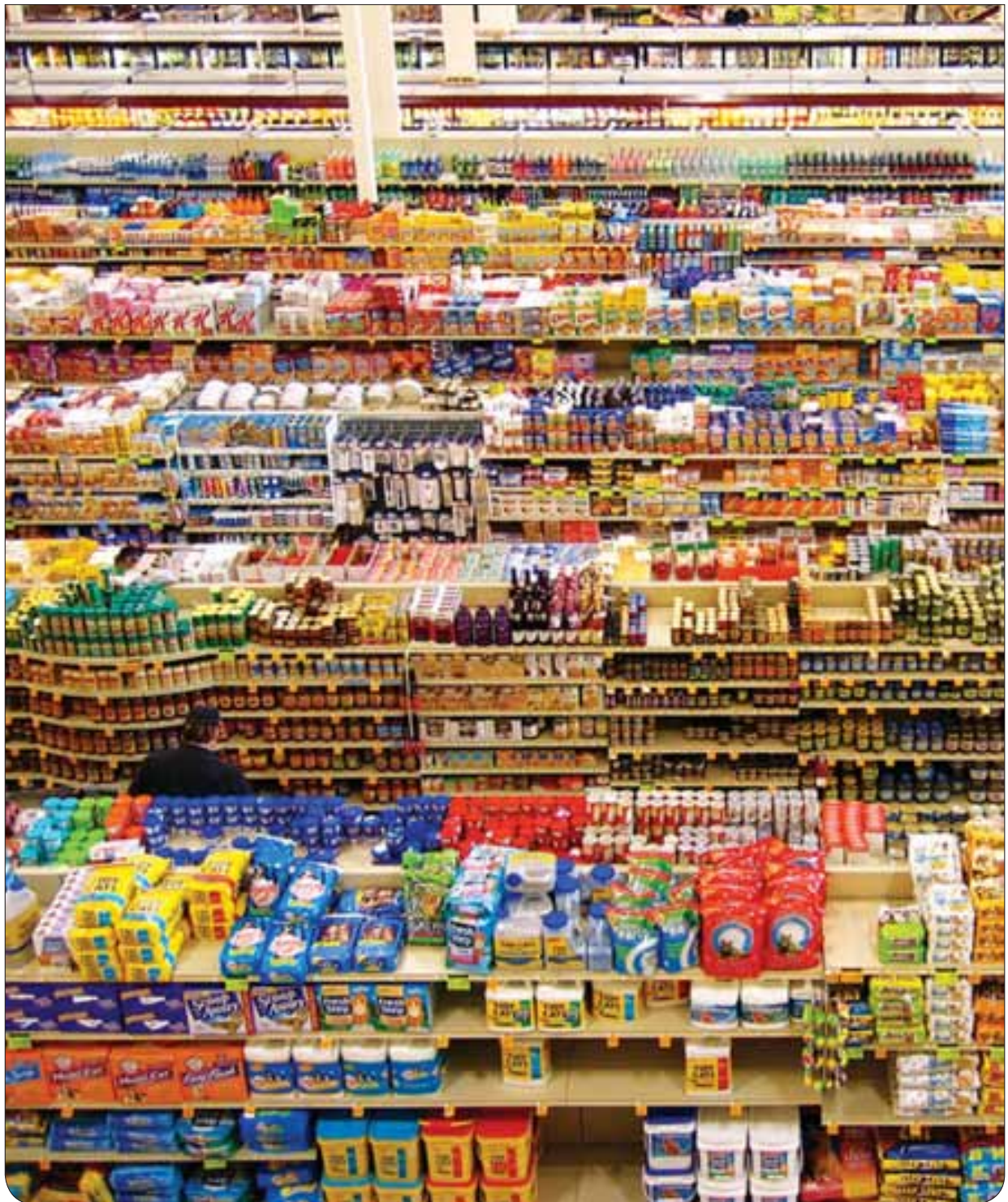
• کاهش تولید همیشه و در همه جا بد نیست بلکه مهم، تولید صحیح برای نیازهای واقعی است. مصرف بی حدومرز که محتاج تولید بیش از حد است، تاثیر منفی بسیاری بر منابع تولید دارد: این تاثیر هم ناشی از بهره برداری افراطی از منابع پایان پذیر مانند نفت و معدن و جنگل و غیره است و هم ناشی از آلودگی هایی که تولید بیش از حد برای محیط زیست به دنبال داشته و دارد

سرمایه گذاری را برگزینند. جامعه نیز زمین های محدود، سرمایه محدود و بودجه های عمرانی محدودی دارد که کاهش مصرف و تولید برخی کالاها موجب آزاد شدن منابع برای تولید دیگر کالاهایی می شود که جامعه به آن ها نیاز دارد. مثلا با استفاده بهینه نان و کاهش نیاز به گندم، زمین هایی برای تولید دیگر کالاهای کشاورزی آزاد خواهد شد یا با استفاده بهینه از برق و کاهش نیاز به تولید آن، بودجه ها و سرمایه های مورد نیاز برای تاسیس یک نیروگاه، صرف نیازهای دیگر جامعه خواهد شد. بر اساس سطوح نیازهای انسان ها، حتی کاهش مصرف و تولید تمام کالاهای خوراکی و پوشاکی، راه را برای نیازهای سطح بالاتر و تولیدات نرم افزاری یعنی محصولات فکری و فرهنگی باز خواهد کرد. در نتیجه کاهش مصرف برخی کالاها موجب انتقال عوامل تولید به سمت بخش های دیگر و تخصیص بهینه منابع خواهد شد که اگر در مجموع اثر مثبت نداشته باشد، دست کم تاثیر منفی بر تولید نخواهد داشت.

۴. نکته آخر این جاست که حتی در سطح کلان، کاهش تولید همیشه و در همه جا بد نیست بلکه مهم، تولید صحیح برای نیازهای واقعی است. مصرف بی حدومرز که محتاج تولید بیش از حد است، تاثیر منفی بسیاری بر منابع تولید دارد: این تاثیر هم ناشی از بهره برداری افراطی از منابع پایان پذیر مانند نفت و معدن و جنگل و غیره است و هم ناشی از آلودگی هایی که تولید بیش از حد برای محیط زیست به دنبال داشته و دارد. طبق آمار موجود در نیمه دوم قرن بیستم بشر به اندازه تمام دوران های پیشین، منابع طبیعی و معدنی زمین را استفاده کرده و اگر چنین سرعتی در استفاده از منابع برای تولید و مصرف بیشتر تداوم یابد، نسل های آتی فرصتی برای زندگی پاک و مرفه نخواهند داشت. کشورهای غربی از دهه ۱۹۷۰ میلادی به این مساله واقف شده اند و حتی پیمان هایی نیز در سطح جهان برای حفاظت از منابع زیست محیطی برقرار شده است. همچنین جریان های مدافع محیط زیست خواستار وضع محدودیت های جدی و اخذ مالیات از شرکت های تولیدی شده اند. قطعا این محدودیت ها زمانی موثر خواهد بود که تقاضا و روند مصرف اصلاح گردد. آنچه که در نظریه های جدید رشد و توسعه اقتصادی مهم است، پایدار ماندن تولید و رشد اقتصادی (نه سرعت در یک دوره و کاهش پس از اتمام منابع) و رعایت عدالت بین نسلی است.

مسئله ای که عموماً مورد غفلت قرار می گیرد آن است که تولید و درآمد بیشتر، مترادف رفاه بیشتر نیست همانطور که شأن اجتماعی را نباید با مصرف بیشتر یکسان دانست. گاه مصرف فراوان و در نتیجه تولید زیاد، بر خلاف انتظار، موجب افزایش هزینه های اجتماعی و کاهش رفاه فرد و جامعه می شود. هزینه های پیشگیری از ناهنجاری های اجتماعی و اخلاقی، هزینه های درمان بیماری های روحی و روانی، هزینه های ناشی از فروپاشی خانواده ها و غیره هم منافع تولید را در کام خود می بلعد و هم حس رفاه و رضایت را در جامعه از بین می برد. دامن زدن به آتش مصرف گرایی که موجب خلق نیازهای تولیدی بیشتر می شود، به معنای صرف زمان زیاد افراد برای کار و عدم تعوازن میان ابعاد مختلف زندگی و نیازهای متعدد انسان است. این سبک زندگی که اولویت را به محل کار می دهد و تمام روابط را بر اساس منفعت پولی ارزیابی می کند، موجب می شود افراد زمان کمتری برای ابعاد خانوادگی، سلامتی، فکری، ارتباطات اجتماعی، نیازهای معنوی و ... داشته باشند.

الغرض بر خلاف آنچه برخی معتقدند، اصلاح الگوی مصرف نه تنها به زیان اقتصاد کشور نیست بلکه بر اساس نکات مطرح شده، از کاتال های متعددی منافع اقتصادی به دنبال دارد.



کاهش مصرف، به نفع یا ضرر تولید؟

• سید احسان خاندوزی

۲. تغییر الگوی مصرف در برخی زمینه ها به معنای نادرستی شیوه و سهم مصرف تک تک خانوارهاست، اما موجب کاهش مصرف کل جامعه نمی شود، در نتیجه تأثیری بر تولید نخواهد داشت. به بیان دیگر اصلاح شیوه مصرف درباره کالاهایی مثل: آب، برق، نان یا شیر به این معناست که برخی از گروه های جامعه استفاده بیش از استاندارد از آن ها دارند و در مقابل برخی طبقات، در محرومیت از آب و برق یا فقر غذایی نسبت به پروتئین ها و ویتامین های اصلی به سر می برند. پس اصلاح الگوی مصرف در این جامعه یعنی کاهش مصرف غیرضروری طبقات برخوردار و فراهم آوردن امکان استفاده گروه های محروم و متوسط جامعه. در نهایت مصرف کل جامعه از آن کالاها کاهش نمی یابد بلکه منابع موجود به نحو صحیح تر و عادلانه تری توزیع می گردد. مشاهده می کنید که این نوع از کاهش مصرف، هیچ تاثیر منفی بر تولید ندارند.

۳. تغییر الگوی مصرف در اکثر زمینه ها موجب کاستن مصرف برخی از کالاها می شود اما به افزایش مصرف گروهی دیگر از کالاها می انجامد: به بیان دیگر ما در جامعه با منابع تولیدی محدودی مواجهیم یعنی نمی توانیم هر قدر دوست داریم از هر کالا تولید کنیم. مساله کمیابی هم در سطح فردی برای تک تک ما صادق است و هم در مجموع برای جامعه و کشور. یک فرد باید با توجه به سرمایه، توان و زمان محدود خود یکی از انواع

مصرف است می گذریم و تنها به ارتباط آن با تولید و رفاه جامعه می پردازیم. اگر این شبهه درباره تولید حل شود، بحث عوامل تولید (اشتغال و سرمایه گذاری) نیز رفع خواهد شد. گرچه در مورد اقتصاد ایران، ارتباط میان اشتغال و سرمایه گذاری با رشد تولید ضعیف تر از حد مرسوم است، یعنی به دلیل وابستگی سرمایه گذاری دولتی به درآمد نفت و ساختار بیمار بازار کار کشور، کاهش تولید اثر بسیار جدی بر سرمایه گذاری و بی کاری ندارد. اما پاسخ هایی که باید به آن شبهه داد:

۱. اولاً اگر مصرف مسرفانه و تجملی درباره کالاها و وارداتی باشد، کاهش مصرف ما موجب کاهش واردات و خروج ارز از کشور می شود که نه تنها به کاهش تولید داخلی نمی انجامد بلکه تاثیر مثبتی بر رشد اقتصاد ملی خواهد داشت. ثانياً اگر مصرف برخی کالاهای کشاورزی یا صنعتی تولید داخل کاهش یابد (نه کالاهای وارداتی)، شرکت های تولیدی تلاش می کنند بازارهایی در خارج از کشور برای تولیدات خود بیابند، به شرط آنکه کیفیت و قیمت مناسبی برای مشتریان خارجی داشته باشند. به بیان دیگر کاهش مصرف داخلی امکان صادرات کالاها را فراهم می آورد و این به معنای تاثیر مثبت بر تولید و اشتغال و سرمایه گذاری است.

هرچند اصلاح نمودن الگوی مصرف لزوماً به معنای کاهش مصرف نیست، اما برای جامعه ای که در آن استفاده تجملی و بی حساب از کالاها رواج دارد، اصلاح الگوی مصرف بیشتر مترادف با کاستن از مصرف کنونی خواهد بود. پرسشی و اشکالی که گاه در مقابل چنین رویکردی مطرح می شود آن است که: «کاهش مصرف به معنای نیاز کمتر به تولید و پایین آمدن تولید و درآمد ملی به عنوان یکی از متغیرهای مهم اقتصاد کشور است. این کاهش تولید می تواند در دل خود، نیاز کمتر به نیروی کار و در نهایت کاهش اشتغال و افزایش بیکاری را به دنبال داشته باشد. همین طور که می تواند نیاز ما را به سرمایه گذاری کمتر نماید و کاهش همزمان این شاخص های کلان، می تواند همزمان با کاهش رفاه، جایگاه اقتصادی کشور ما را در مقایسه با کشورهای دیگر تنزل دهد. روشن است که اگر شعار اصلاح الگوی مصرف چنین پیامدهایی داشته باشد، عاقلانه آن است که از آن دست بکشیم».

شبهه فوق همان شبهه ای است که گاه در سطح عمیق تر به نام «تضاد زهد و قناعت با توسعه اقتصادی» شناخته می شود. گرچه ما در این مجال کوتاه به دنبال تبیین رابطه اخلاق اسلامی با توسعه اقتصادی نیستیم، اما تلاش می کنیم پاسخی برای موضوع اصلاح الگوی مصرف ارائه نماییم. بنابراین از دلایل قوی نقلی و علمی که به نفع اصلاح الگوی



از احیای قنات‌ها تا تولید انرژی هسته‌ای

مروری بر راهکارهای غیرقیمتی اصلاح الگوی مصرف انرژی

رشد جمعیت، توسعه فنی، اقتدار سیاسی، استقلال ملی و شکوفایی فرهنگی رابطه مستقیمی با مصرف انرژی دارد. این در حالی است که رشد مصرف انرژی و افزایش نیاز به انرژی از یک سو و محدودیت‌های ذخایر محیطی ناشی از مصرف این منابع از سوی دیگر، دلایل قابل توجهی است که ضرورت صرفه جویی مصرف انرژی در جوامع بشری را یادآور می‌شود.

در ایران با وجود اینکه بر اساس اعتقادات دینی، صرفه‌جویی و دوری از اسراف یک امر پسندیده و واجب محسوب می‌شود، منتها ارزان بودن قیمت حامل‌های انرژی و در دسترس بودن انواع منابع انرژی سبب شده تا جامعه ما با تاخیر قابل توجهی به ضرورت بهینه‌سازی مصرف انرژی بیاندیشد.

در این پژوهش که خبرگزاری فارس آن را منتشر نموده، شش دسته از راهکارهای غیرقیمتی اصلاح الگوی مصرف انرژی با الگوگیری از تجارب جهانی معرفی می‌شود تا مورد اهتمام بیشتر مسئولان کشور قرار گیرد:

دسته اول: قوانین و نهادها

وضع قوانین و مقررات خاص در بخش انرژی کشور همچنان که در سایر کشورها تجاربی از این قبیل انجام گرفته است: تأسیس نهادهای کارایی انرژی، برنامه‌های ملی کارایی انرژی، اعمال کدهای ساختمانی اجباری و اختیاری و تهیه تأییدیه‌های ساختمانی الزامی، برجسب‌گذاری استانداردهای کارایی برای وسایل و

تجهیزات، اقدامات مالیاتی، بارانه‌های تشویقی و محرک های پولی و ...

دسته دوم: فرهنگ سازی

- ارتقاء آگاهی های عمومی مصرف کنندگان در مورد انرژی های اولیه.

- راهنمایی و هدایت مصرف کننده‌ها در جهت مصرف منطقی و بموقع انرژی.

- بهبود فرهنگ استفاده از وسایل و تجهیزات (دانش فنی) مصرف کننده انرژی و رعایت اصول بهره برداری صحیح و نگهداری و تعمیرات پیشگیرانه وسایل مصرف کننده انرژی.

- آگاهی مصرف کنندگان از روش های صرفه‌جویی انرژی در جهت کاهش تلفات آن.

- سازمان های دولتی و غیردولتی (خصوصاً سازمان های بزرگ) مدیریت به نام "مدیریت صرفه جویی انرژی" را در واحدهای خود ایجاد نمایند که وظیفه اش بررسی نحوه مصرف انرژی در سازمان و کاهش اتلاف منابع انرژی با به کارگیری آموزش های تخصصی در سازمان مربوطه باشد.

- جایگزینی انرژی الکتریکی با سایر انرژی ها در محیط مصرف.

- ایجاد انگیزه و رغبت مصرف کنندگان در جهت باروری روحیه همبستگی، وفاق، مشارکت و احساس مسئولیت اجتماعی به عنوان تلقیات و باورهای ارزشی در جامعه.

- ترویج اعتقادات دینی مبنی بر مسؤولیت پذیری مشترک جهت حفاظت محیط زیست و نگاهش بهره‌بردار

بی حد و حصر انسان از منابع طبیعی -افزایش آگاهی مصرف کنندگان در زمینه خرید وسایل مصرف کننده انرژی و مقدار مصرف آن ها.

- تعلیم هنجارهای رفتاری، اصلاح سبک زندگی مردم و معرفی اسراف به عنوان رفتاری کوتاه فکراته.

دسته سوم: آموزش

۱- آموزش های عمومی: در رسانه‌های گروهی و تبلیغاتی و کتاب های درسی

۲- آموزش های تخصصی: دوره های آموزشی تخصصی مدیریت انرژی برای کارشناسان و مدیران انرژی

دسته چهارم: کاهش تلفات انرژی

برای مثال به دلیل غیر استاندارد بودن اسفالت اغلب بزرگراه ها و جاده های کشور، سالانه انرژی بسیاری در بخش حمل و نقل به دلیل اصطکاک زیاد وسایل نقلیه تلف می شود. در صورتی که با صرف هزینه بیشتر و ساخت اسفالت های استاندارد علاوه بر ماندگاری بیشتر به دلیل اصطکاک کمتر موجب کاهش مصرف سوخت و انرژی در وسایل نقلیه می گردد.

یا به دلیل اینکه تلفات انرژی در انتقال گاز کمتر از تلفات انرژی در انتقال است، می توان به جای اینکه در مناطق نفت خیز جنوب کشور منابع گازی به برق تبدیل شود و سپس جهت مصرف به شهرهای بزرگ مانند تهران انتقال یابد، همان گاز تولیدی به پالایشگاه های نزدیک آن شهرهای بزرگ منتقل شود و سپس از آن برق تولید گردد.

دسته پنجم: انرژی های تجدیدپذیر

کاهش اتکا به انرژی های فسیلی و بهره برداری از انرژی‌های نو شامل انرژی بادی، خورشیدی، بیوماس و بیوگاز، انرژی هیدروژنی، زمین گرمایی، انرژی آبی و جزو و مد دریا.

۱- انرژی‌های بادی

ایران کشوری با باد متوسط است که برخی از مناطق آن باد مناسب و مداومی برای تولید برق دارد. از انرژی‌های بادی جهت تولید الکتریسته و نیز پمپاژ آب از چاه‌ها و رودخانه‌ها، آرد کردن غلات، کوبیدن گندم، گرمایش خانه و مواردی نظیر این‌ها می‌توان استفاده نمود. اما هزینه غیر اقتصادی استفاده از این انرژی به خصوص در ماشین‌های بادی، به کارگیری از این انرژی را محدود ساخته است.

دفع آن مشکلات زیست محیطی فراوانی را ایجاد کرده است.

ج- ضایعات جامد، فاضلاب‌ها و فضولات دامی شامل زباله‌های معمولی (زباله‌های منازل، زباله‌های حجیم خانگی، زباله‌های غیرآلوده بیمارستانی، زباله باغ‌ها و گلخانه‌ها، زباله بخش کسبه و ادارات و ...) و زباله‌های ویژه (زباله‌های صنعتی، نخاله‌های ساختمانی، لاستیک‌های فرسوده، مواد رادیواکتیو، زباله‌های آلوده بیمارستانی و ...).

در کشورهای مختلف از روش‌های گازی کردن و پیرولیز جهت تبدیل ضایعات جامد به گاز استفاده شده است. گاز ایجاد شده در ژنراتورها و توربین‌های بخار نهایتاً به برق تبدیل شده و مورد استفاده قرار گرفته است. پسماندهای آشپزخانه منبع مناسبی برای تولید بیوگاز هستند. بیوگاز حاصل، می‌تواند جایگزین سوخت‌های فسیلی آشپزخانه گردد.

۴- انرژی زمین گرمایی

انرژی زمین گرمایی از حرارت حاصل از تجزیه مواد رادیواکتیو، هسته مذب کره، کوهزایی و واکنش‌های درون زمین سرچشمه می‌گیرد. موقعیت مخازن انرژی زمین گرمایی اکثراً بر کمریند زمین لرزه جهان منطبق می‌باشند. بنابراین با توجه به اینکه ایران روی کمریند زلزله قرارداد پتانسیل قابل توجهی در این زمینه برخوردار است. وجود کوه‌های آتشفشانی و چشمه‌های آب گرم در اکثر نقاط ایران، نشان‌دهنده پتانسیل زمین گرمایی ایران است.

۵- انرژی هیدروژنی

از انرژی هیدروژنی از طریق آب با استفاده از روش الکترولیز قلبیایی یا استفاده از ذخیره‌سازی می‌توان به عنوان سوخت وسایل نقلیه، سوخت نیروگاه‌ها و مصرف انرژی در بخش خانگی استفاده نمود. با استفاده از انرژی زمین گرمایی می‌توان از انرژی هیدروژنی تولیدی از طریق الکترولیز پیشرفته از نوع بخار آب با درجه حرارت بالا جهت مصرف در بخش‌های حمل و نقل، صنعتی و گرمایش در بخش خانگی و تجاری استفاده نمود. به کارگیری انرژی خورشیدی جهت تولید انرژی‌های هیدروژنی با استفاده از الکترولیز قلبیایی در بخش حمل و نقل به کار گرفته می‌شود و همچنین با استفاده از هیدروژن آزاد شده از طریق پیل سوختی می‌توان برق نیز تولید نمود.

۶- انرژی هسته‌ای

در ایران تاکنون جهت تولید برق از انرژی اتمی استفاده نشده است؛ در صورتی که با توجه به تجدیدپذیر بودن انرژی هسته‌ای و مهیا بودن تمام مواد اولیه آن در ایران، امکان به کارگیری گسترده آن در شبکه کشور وجود دارد. از طرفی در مقایسه با دیگر انرژی‌های تجدیدپذیر، در صورت وجود مواد اولیه و فناوری‌های مورد نیاز، انرژی هسته‌ای می‌تواند انرژی الکتریسته بیشتر و ارزان‌تری را وارد شبکه برق هر کشوری نماید.

دسته ششم: احیاء و به روز رسانی

شیوه‌های سنتی

احیاء قنات در گذشته بسیار مرسوم بوده است و می‌توان با آن بدون مصرف انرژی الکتریکی، زمین‌های کشاورزی را آبیاری نمود. احیاء آسیاب‌های آبی، احیاء سیستم‌های بادگیری خنک کننده در خانه‌های قدیمی شهر یزد، استفاده از اختلاف سطح رودخانه‌ها و به کارگیری دینام در تولید الکتریسته و غیره از دیگر روش‌های استفاده از انرژی‌های پاک به روش سنتی می‌باشند.

جمع بندی:

با توجه به دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای جهت بهره‌مندی از مناسب‌ترین انرژی تجدیدپذیر در ایران، باید ایجاد نیروگاه‌های هسته‌ای با اولویت در برنامه‌های دولت قرار گیرد. همچنین با توجه شرایط جغرافیایی و میدان تابش آفتاب در ایران موضوع انرژی خورشیدی نیز با جدیت دنبال گردد.

لازم است با توجه به اعتقادات و باورهای مذهبی و پایبندی مردم به نظرات علما و مراجع دینی، توصیه‌های شرعی در مورد صرفه‌جویی در مصرف انرژی به مردم داده شود. همچنین باید دشواری تولید و عرضه انرژی اولیه، اهمیت اصلاح الگوی مصرف انرژی و صرفه‌جویی در آن، اهمیت حفظ سلامت انسان و محیط زیست که با مصرف بی‌رویه انرژی به مخاطره افتاده، خطرات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی‌ای که با روند صعودی مصرف متوجه مردم ایران است و ... در مدارس و دانشگاه و همچنین از طریق رسانه‌های جمعی بطور مرتب و با شیوه‌های مناسب اطلاع رسانی شود.

نویسنده: روح... تولایی



ایران رکورد دارم

کشورهای توسعه یافته بالا است. با این وجود گزارش‌های منتشر شده نشان می‌دهد که مصرف سرانه انرژی در ایران نسبت به کشورهای توسعه یافته بیشتر است. بر این اساس متوسط سالانه انرژی در ایران در حدود ۱۵۵ میلیون تن است که با این مقدار مصرف در رتبه سیزدهم جهان قرار دارد. بنابراین آمریکا با مصرف دو هزار و ۳۳۱ میلیون تن جایگاه نخست این جدول قرار گرفته و چین با هزار و ۳۸۶ میلیون تن در رتبه دوم است. ایران بعد از برزیل و ایتالیا در رتبه سیزدهم و اسپانیا با مصرف سالانه ۱۴۵ میلیون تن انرژی در مقام چهاردهم قرار گرفته است. بنابراین، جایگاه جهانی ایران در عرضه بنزین ارزان بعد از ونزوئلا در رتبه دوم و عربستان سعودی در رتبه سوم قرار دارد طبق آمار میزان مصرف انرژی در ایران به ازاء هر واحد تولید ناخالص داخلی GDP معادل ۲/۵ تا ۳ برابر مقداری است که در کشورهای صنعتی و در حال توسعه مصرف می‌شود.

هم چنین مصرف بنزین کشور در سه هفته نخست سال ۸۸ علی‌رغم سهمیه‌بندی صورت گرفته یک میلیون لیتر افزایش یافت و به ۶۸ میلیون لیتر در روز رسید. این در حالیست که اگر مصرف سوخت کل کشورهای صنعتی را بر تعداد اتومبیل‌های آنها تقسیم کنیم به ازای هر اتومبیل در اروپا روزانه ۲ لیتر و در آمریکا ۷٫۳ لیتر بنزین مصرف می‌شود اما اگر این ضرب و تقسیم ساده را در خصوص کشور ایران صورت دهیم به رقم صرفی ۱۱ لیتر در روز برای هر اتومبیل خواهیم رسید. (نمودار ۲)

بر این اساس از ابتدای سال گذشته تا آخرین روز سال ۸۷ در مجموع ۵۷ میلیارد و ۴۶۱ میلیون لیتر بنزین و گازوئیل در کشور به مصرف رسید. بر این اساس، سهم بنزین مصرفی کشور از کل مصرف بنزین در سال گذشته ۲۴ میلیارد و ۴۷۸ میلیون لیتر و سهم گازوئیل نیز ۳۲ میلیارد و ۹۸۳ میلیون لیتر گزارش می‌شود.

بر اساس آمار منتشره مصرف ماهانه بنزین کشور به تفکیک ماه از ابتدای سال ۸۷ برابر با ۲ میلیارد و ۱۴۶ میلیون لیتر در فروردین ماه، ۲ میلیارد و ۵۸ میلیون لیتر در اردیبهشت، ۲ میلیارد و ۸۲ میلیون لیتر در خرداد، ۲ میلیارد و ۱۹۶ میلیون لیتر در تیر ماه، ۲ میلیارد و ۲۳۹ میلیون لیتر در مرداد، ۲ میلیارد و ۵۰ میلیون لیتر در شهریور بوده است.

بنابراین گزارش مصرف بنزین در مهرماه سال گذشته ۲ میلیارد و ۲۰ میلیون، آبان یک میلیارد و ۹۹۱ میلیون، آذر یک میلیارد و ۹۰۸ میلیون، دی یک میلیارد و ۸۹۸ میلیون، بهمن ۱ میلیارد و ۸۶۷ میلیون لیتر و اسفند ۲ میلیارد و ۱۹ میلیون لیتر بوده است. باید به این نکته توجه داشت که مصرف سرانه انرژی در ایران به ازای هر نفر بیش از پنج برابر مصرف سرانه کشوری مانند اندونزی با ۲۲۵ میلیون نفر جمعیت، دو برابر چین با یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت و چهار برابر کشور هند با یک میلیارد و ۱۲۲ میلیون نفر جمعیت است که با مقایسه شاخص شدت مصرف انرژی در ایران با بسیاری از کشورهای جهان، شاهد وضعیت ناهنجار بهره‌برداري انرژی هستیم.

به گزارش آمار ایران در بخش مسکن نیز به ازای هر متر مربع ۲/۶ برابر متوسط مصرف کشورهای صنعتی انرژی مصرف می‌کند.

برخی کارشناسان دلایل اصلی هدر رفت انرژی در بخش مسکن را نمای سنگی ساختمان‌ها، دوجداره نبودن پنجره‌ها، مجهز نبودن اماکن اداری و مسکونی به سیستم‌های هوشمند کنترل انرژی و هدرروی انرژی به سبب اهمال و غفلت عنوان می‌کنند. علاوه بر این میزان مصرف انرژی هر ۱۰ سال یک بار،

در تغییر رفتار اجتماعی علاوه بر نهاد های حاکمیتی بدنه جامعه نیز نقش بسزایی دارد. در بخش حاکمیتی اتخاذ استراتژی های صحیح بلند مدت ، گرفتن تصمیمات کارشناسی و نظارت بر حسن انجام امور از عمده وظایف این بخش است که این مسئله در تغییر الگوهای رفتاری جامعه نیز صادق است. اما تغییر رفتارهای اجتماعی مانند مسئله مصرف‌گرایی هر چند نیازمند برنامه ریزی مسئولان است اما آگاه سازی مردم از ارقام و ارقام و تراز یابی بین المللی در مورد وضعیت و جایگاه مصرف در کشور نسبت به متوسط جهانی و کشورهای دیگر از اهمیت ویژه ای برخوردار است. چرا که در صورت اطلاع مردم از وضع نامطلوب موجود سرعت ودقت عمل در مورد رعایت نکات صرفه جویانه بسیار بالاتر خواهد رفت. این گزارش که برگرفته از خبرگزاری فارس و شبکه ایران است سعی دارد تا با ارائه آماری از برخی کالاهای مصرفی در ایران و مقایسه آن با سایر کشورها جایگاه مصرفی ایران در جهان را نشان دهد:

* سرانه مصرف برق در ایران ۳ برابر میانگین جهانی است

بر اساس آمار منتشر شده متوسط مصرف جهانی برق در دنیا برای مشترکان خانگی، ۹۰۰ کیلووات ساعت در سال است، در حالی که مشترکان ایرانی در بخش خانگی سالانه ۲۹۰۰ کیلووات ساعت برق مصرف می کنند که این رقم بیش از ۳ برابر میانگین جهانی است. (نمودار ۱)

مدیر عامل توانیر با اشاره به این نکته از تخصیص یارانه ۱۰۰ میلیارد تومانی و توزیع ۵۰ میلیون رشته لامپ کم‌مصرف خیر داده و گفته است: البته تخصیص یارانه و توزیع لامپ کم مصرف با توجه به نرخ بالای مصرف نمی‌تواند راهکار مناسبی در جهت کنترل و کاهش مصرف باشد. بر این اساس ایران در رتبه ۱۹ کشورهای پرمصرف برق در دنیا است و دولت سالیانه یارانه‌ای معادل چهار هزار میلیارد تومان برای برق در نظر می‌گیرد.

* سرانه مصرف انرژی در ایران

ایران با مصرف روزانه افزون بر ۲/۳ میلیون بشکه معادل نفت خام انواع انرژی، حدود یک درصد از مصرف انرژی اولیه جهان را به خود اختصاص داده است. به نظر می‌رسد در کشورهای در حال توسعه به دلیل زندگی سنتی با مصرف بی‌رویه مصرف انرژی همانند

نمودار ۱: مقایسه سرانه مصرف خانگی برق در ایران با متوسط جهانی (کیلووات ساعت در سال)



* ایرانیان ۷۰ درصد، بیش از الگوی جهانی آب مصرف می‌کنند

مصرف آب در کشور برخلاف الگوی مصرف استاندارد جهانی از وضعیت خوبی برخوردار نیست به طوری که بر اساس آمار اعلام شده مصرف آب در ایران ۷۰ درصد بیشتر از الگوی جهانی است. بنابراین طبق اعلام بانک جهانی به ازای هر نفر در سال، یک متر مکعب و برای بهداشت در زندگی به ازای هر نفر صد متر مکعب آب مصرف می‌شود. کارشناسان بر این عقیده‌اند که به طور میانگین ۹۱ درصد آب مصرفی کشور در بخش کشاورزی مصرف می‌شود که به دلیل استفاده از روش منسوخ غرق آبی به جای

دوبرابر می‌شود اما این نرخ رشد در مقیاس جهانی یک تا ۲ درصد بیشتر نیست و میزان سوخت مصرفی جهان در حدود هر ۵۰ سال یک بار دو برابر می‌شود. لذا ایران در مقایسه با میانگین جهانی چهار تا پنج برابر بیشتر سوخت مصرف می‌کند یعنی هم‌اکنون ۹ درصد سوخت جهان در ایران و توسط تنها یک درصد جمعیت جهان مصرف می‌شود و هر ساله بیش از ۳۸ درصد از بودجه سالانه دولت به یارانه بنزین اختصاص می‌یابد در حالی که در صورت مصرف استاندارد، می‌توانیم یکی از صادر کنندگان بنزین باشیم.

نمودار ۲: متوسط مصرف بنزین روزانه هر خودرو در ایران و ۶ کشور جهان (لیتر)



را به خود اختصاص داده‌اند و در این بین هندوستان، چین و برزیل عمده مصرف‌کنندگان شکر در جهان هستند

*** مصرف سرانه روغن ۴٫۵ کیلوگرم بالاتر از میانگین جهانی است**

مدیر عامل شرکت بازرگانی دولتی ایران در خصوص سرانه مصرف روغن گفت: سرانه مصرف روغن در کشور حدود ۱۷ کیلوگرم است.

مقایسه مصرف سرانه روغن در ایران با سایر کشورها نشان می‌دهد مصرف سرانه ما بسیار بالاتر از میانگین جهانی است. مصرف سرانه ایران ۱۷ کیلوگرم و مصرف سرانه دنیا ۱۲٫۵ کیلوگرم است و اگر شیوه مصرف روغن در ایران با سایر کشورها را مورد بررسی قرار دهیم این اختلاف آشکارتر می‌شود.

بیش از ۸۰ درصد نیاز داخلی روغن در حال حاضر از طریق واردات تأمین می‌شود که قبلاً حدود ۹۵ درصد وارد می‌شد و ایران در سال ۲۰۰۵ دهمین کشور واردکننده روغن در جهان بوده است میزان واردات سالیانه حدود ۱٫۵ میلیارد دلار روغن و کنجاله می‌باشد.

*** مصرف سرانه برنج ۲۵ کیلوگرم پایین تر از میانگین جهانی است**

سرانه مصرف برنج در کشور حدود ۴۰ کیلوگرم است. آمارو ارقام موجود نشانگر آن است که در سالهای قبل از انقلاب مصرف سرانه برنج حدود ۱۵ تا ۲۰ کیلوگرم بوده در حالیکه طی چند ساله اخیر این میزان به ۳۹ تا ۴۰ کیلوگرم افزایش یافته است. بر همین اساس مصرف سرانه برنج در سال ۸۱ نیز ۳۹ کیلوگرم گزارش شده است.

بر اساس آمار و اطلاعات و برآوردهای علمی مصرف سرانه برنج در آسیا ۸۵ و جهان ۶۵ کیلوگرم است.

به گزارش وزارت کشاورزی آمریکا، در سال ۲۰۰۵ بیش از ۳٫۱۵ میلیون تن برنج در سطح ایران مصرف شد و به عنوان چهاردهمین مصرف‌کننده بزرگ این محصول در این سال شناخته شده است. در ادامه این گزارش

چین با مصرف ۱۳۵ میلیون تن برنج در سال ۲۰۰۵ به عنوان بزرگترین مصرف‌کننده این محصول در سال مذکور شناخته شده است. هند با مصرف ۹۲ میلیون تن و اندونزی با ۳۵ میلیون تن به ترتیب در رده‌های بعدی قرار دارند.

مصرف برنج در ژاپن در سال ۲۰۰۵ تا ۸٫۲ میلیون تن، پاکستان ۲٫۶ میلیون تن، آمریکا ۴ میلیون تن و ۲۵ کشور عضو اتحادیه اروپا ۲٫۵ میلیون تن اعلام شده است.

*** ایران بالاترین مصرف نان در جهان را دارد**

ایران بالاترین مصرف نان در جهان را دارد و سالیانه سه میلیون تن گندم در کشور اتلاف می‌شود، سرانه مصرف نان در ایران حدود ۱۶۰ کیلو است که نسبت به کشورهای اروپایی نظیر فرانسه که ۵۶ کیلوگرم و در آلمان ۷۰ کیلوگرم در سال است بیشتر است.

(نمودار ۴)

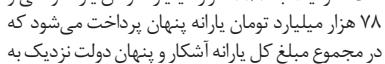
همانطور که اشاره شد، مقایسه میزان مصرف در بخش‌های مختلف با سایر کشورها، نشان‌دهنده وضعیت بسیار نامطلوب مصرف در همه زمینه‌هاست. اما جالب‌تر این که

سالانه نزدیک به ۱۲/۲ هزار میلیارد تومان واقعی و ۷۸ هزار میلیارد تومان پنهان پنهان پرداخت می‌شود که در مجموع مبلغ کل یارانه آشکار و پنهان دولت نزدیک به ۹۰ هزار میلیارد تومان است.

جدول ۱ سرانه مصرف سالانه روغن، برنج و شکر ایران در مقایسه با میانگین جهانی (کیلوگرم)

کشور	برنج	روغن	شکر
ایران	۴۰	۱۷	۳۰
میانگین جهانی	۶۵	۱۲/۵	۲۷

نمودار ۴: مقایسه سرانه مصرف نان در ایران، فرانسه و آلمان (کیلوگرم)



ایران رکورد دار مصرف مواد خوراکی در جهان

تصور اینکه مصرف برخی اقلام مثل نان و انرژی در ایران با کمتر از ۷۰ میلیون جمعیت بیشتر از چین و هند با بالای یک میلیارد نفر جمعیت است سخاوتمندانه است اما چه می‌شود کرد، این واقعیتی است که باید برای آن چاره‌اندیشی کرد.

بنابر آمار گزارش شده، ایران در مصرف سرانه شکر و روغن بالاتر از میانگین جهانی، در برنج چهاردهمین مصرف‌کننده بزرگ جهان و در نان بزرگترین مصرف‌کننده جهان است.

*** مصرف سرانه شکر ۳ کیلوگرم بالاتر از میانگین جهانی است**

مجیدپارسا معاون وزیر بازرگانی در پاسخ به سوالی در خصوص سال اصلاح الگوی مصرف و سرانه کالاهای اساسی گفت: سرانه مصرف شکر در ایران حدود ۳۰ کیلوگرم است و این در حالیست که این میزان در نواحی مختلف کشور متفاوت است.

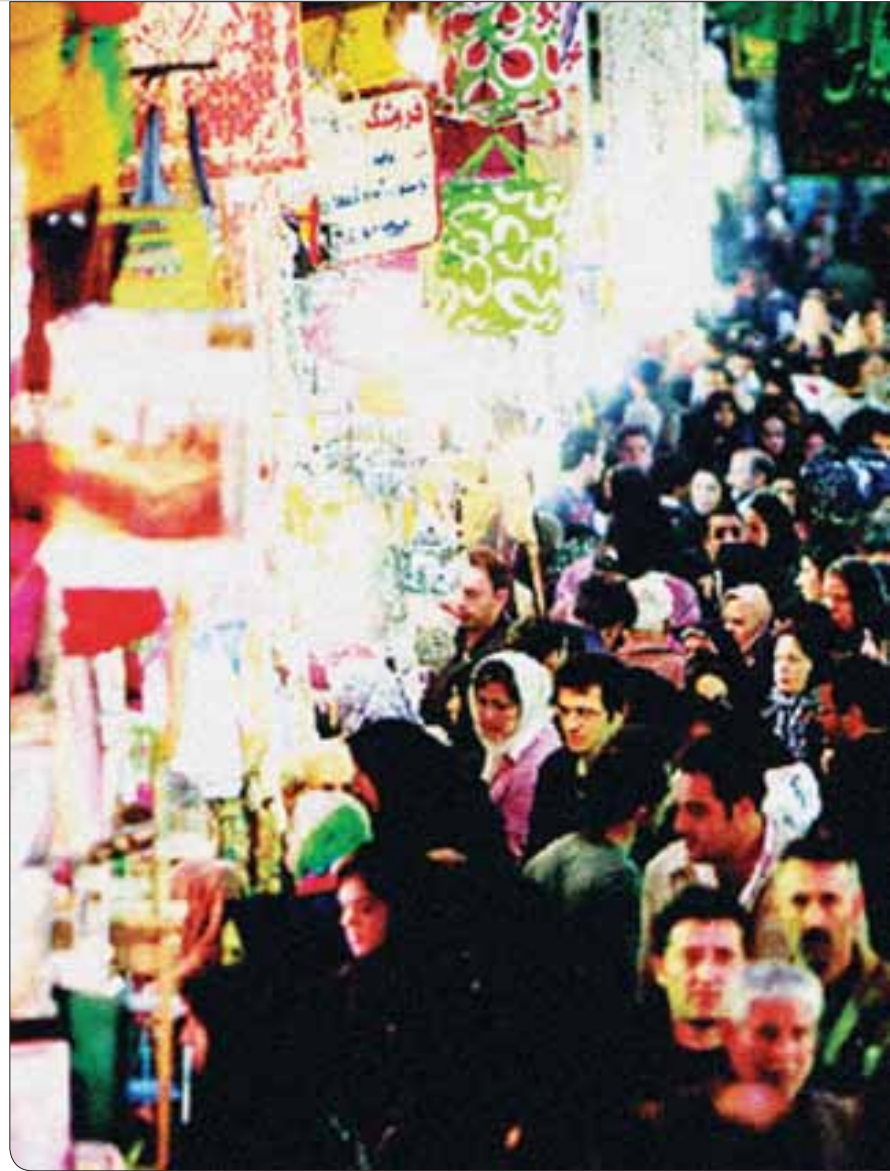
آمارهای جهانی نشان می‌دهد که سرانه مصرف قند و شکر در ایران در سال ۱۹۸۷ حدود ۲۶٫۹ کیلوگرم بوده که این مقدار در سال ۲۰۰۶ به ۲۸٫۹۷ و در سال ۲۰۰۷ به حدود ۳۳٫۲۶ کیلوگرم افزایش یافته است به طوری که به گفته بسیاری از کارشناسان جهانی، مصرف سرانه شکر در ایران ۳ کیلوگرم بالاتر از میانگین مصرف جهانی است.

این در حالی است که ایران بعد از روسیه، دومین واردکننده بزرگ شکر در جهان محسوب می‌شود و کشورهای اندونزی، آمریکا و امارات در رده‌های بعدی قرار دارند. همچنین آمریکای جنوبی با مصرف سرانه ۴۸٫۲ کیلوگرم شکر در سال عمده‌ترین مصرف‌کننده شکر در جهان است و اقیانوسیه، اروپای شرقی، آمریکای شمالی و مرکزی، آسیا و آفریقا (۱۵٫۴۸) رتبه‌های بعدی

مصرف گاز بعد از کشورهای آمریکا و روسیه در رتبه سوم مصرف جهان اعلان کرد. (نمودار ۳)

بر این اساس میزان مصرف گاز طبیعی در ایران از ۶۸ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۱ با متوسط رشد سالانه ۱۰/۳ درصد به ۱۲۳ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۸ رسیده و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۱۲ میلادی میزان مصرف به ۲۷۷ میلیارد متر مکعب برسد. با ادامه روند رو به رشد مصرف در سال‌های آینده ایران به یک مصرف‌کننده بزرگ گاز طبیعی در جهان بدل خواهد شد این در حالی است که دولت در سال گذشته ۱۳۴ هزار میلیارد ریال یارانه گاز به مشترکان بخش خانگی تعلق داده است.

مصرف در جهان



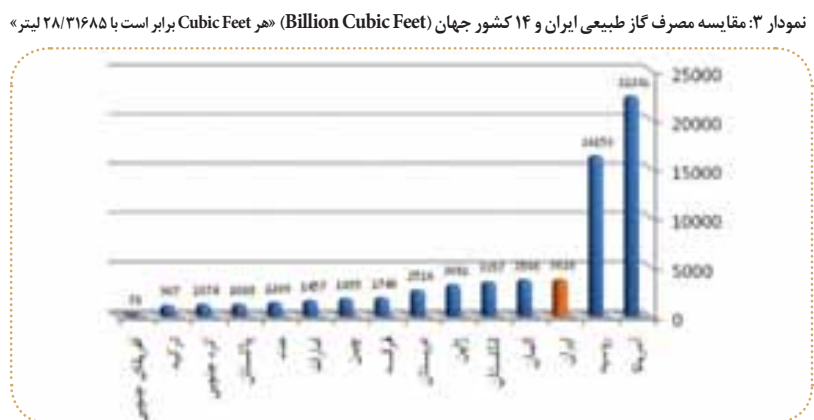
*** سرانه مصرف گاز کشور در رتبه سوم جهان**

راندمان نیروگاه‌های گازی کشور در سالی که گذشت، کمتر از ۳۰ درصد بود علاوه بر اینکه روزانه ۴۳ میلیون متر مکعب گاز همراه نفت در کشور به جای جمع‌آوری سوزانده می‌شود که این رقم بیش از کل مصرف روزانه کشور ترکیه با ۳۴ میلیون متر مکعب است.

تبریزی مدیرعامل سابق شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی؛ جایگاه ایران را در خصوص میزان

سیستم‌های کارآمد آبیاری تحت فشار یا قطره ای بخش عمده ای از آن به هدر می‌رود.

نمودار ۳: مقایسه مصرف گاز طبیعی ایران و ۱۴ کشور جهان (Billion Cubic Feet) «هر Cubic Feet برابر است با ۲۸/۳۱۶۸۵ لیتر»



۱۰ درصد کل ظرفیت بهره برداری شده را شامل شده اند. اما طی سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ نیروگاه های گازی با ۶۱ درصد بیشترین نوع از نیروگاه های احداث شده را تشکیل داده اند و نیروگاه های بخاری و سیکل ترکیبی به ترتیب با ۲۷ و ۱۲ درصد در رتبه های بعدی قرار دارند. با این حال این روند در سال ۱۳۸۵ تشدید گردید به طوری که ۸۱ درصد نیروگاه های احداث شده در این سال، از نوع گازی، ۱۲ درصد برق آبی و ۷ درصد نیز سیکل ترکیبی بوده است. از سوی دیگر برآوردهای صورت گرفته از سوی وزارت نیرو (مندرج در ترازنامه انرژی ۱۳۸۵) نشان دهنده آن است که تا پایان سال ۱۳۹۲ در مقابل بهره برداری از ۱۴۲۷۶ مگاوات نیروگاه گازی، ۷۴۰۸ مگاوات نیروگاه سیکل ترکیبی و ۵۸۲۳ مگاوات نیروگاه برق آبی به بهره برداری خواهد رسید.

بعلاوه بر طبق برنامه ریزی های صورت گرفته، تا پایان برنامه پنجم توسعه قریب به ۱۴۰۰۰ مگاوات نیروگاه گازی در کشور فعال خواهد بود که از این میزان بیش از ۸۰۰۰ مگاوات قابلیت تبدیل به نیروگاه سیکل ترکیبی را داراست. این در حالی است که اگر برنامه ریزی دقیقی صورت گیرد، می توان با ساخت نیروگاه های سیکل ترکیبی ضمن ارتقای بازدهی نیروگاه های حرارتی کشور تا ۵۰ درصد از اتلاف انرژی نیز جلوگیری کرد.

بازدهی پایین نیروگاه های حرارتی کشور، همه ساله سبب از دست رفتن سرمایه های عظیمی می شود. اگر بازدهی مطلوب نیروگاه ها را ۵۰ درصد در نظر بگیریم، هم اکنون نیروگاه های کشور ۱۴٫۲ درصد کمتر از حالت مطلوب بازدهی دارند. در جدول شماره (۱) ارزش ریالی سوخت تلف شده بر اثر این اختلاف محاسبه شده است (قیمت سوخت ها بر مبنای اطلاعات مندرج در ترازنامه هیدروکربوری ۱۳۸۶ استخراج شده است):

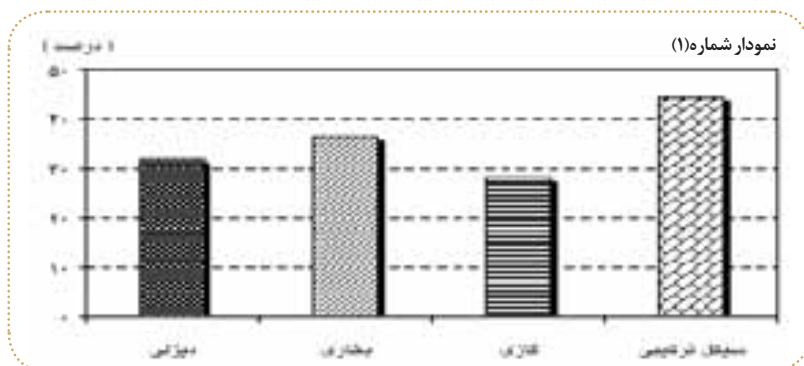
در نتیجه ملاحظه می کنیم که به علت بازدهی پایین نیروگاه های حرارتی تنها از محل هدر رفت سوخت بالغ بر ۳۴۰ میلیارد ریال اتلاف در سال ۱۳۸۶ صورت گرفته است.

به نظر می رسد تنها راهکار موجود، ارتقای بازدهی شبکه تولید برق باشد، که این امر می تواند با تبدیل نیروگاه های گازی به سیکل ترکیبی و نیز از رده خارج کردن نیروگاه های فرسوده امکان پذیر باشد.

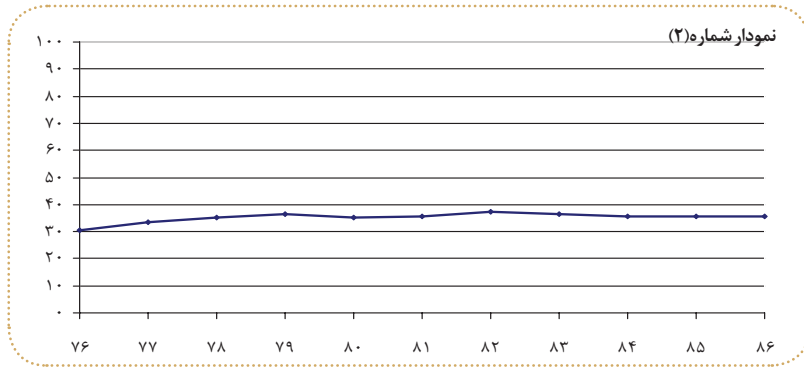


• جواد کیپور

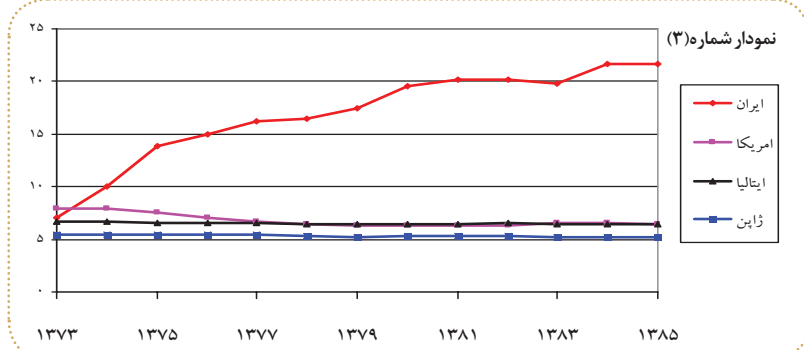
صنعت برق به عنوان یکی از اصلی ترین حامل های انرژی که به علت مصرف عمده آن در بخش خانگی، ارتباط آن با توده مردم ناگسستنی است، نیازمند اصلاحات جدی در ۳ حوزه تولید، انتقال و مصرف است. ابتدا روندهای تولید، انتقال و مصرف برق در کشور در دهه اخیر را بررسی کرده و تلاش می کنیم بر آوردی از درصد و ارزش خسارت مالی تلفات هر یک از بخش ها به تفصیل به دست آوریم. در نهایت نگاهی داریم به راهکارهای رفع و اصلاح وضعیت کنونی.



تولید برق
یکی از اصلی ترین چالش های تولید برق در کشور، رقم بالای تلفات حاصل از تبدیل انواع سوخت ها به برق است. در این میان رشد مصرف برق در کشور - که ناشی از عوامل گوناگون بوده و حتی ماهیت «در حال توسعه بودن کشور» آن را ایجاب می کند- سبب شده تا وزارت نیرو در پی احداث سریع نیروگاه های جدید باشد، و با توجه به این که نیروگاه های گازی به عنوان سریع الاحداث ترین نوع حداکثر ظرف مدت ۲ سال آماده بهره برداری می شوند، احداث این نوع نیروگاه ها در دستور کار این وزارتخانه قرار گرفته است. این در حالی است که نیروگاه های گازی پایین ترین راندمان را دارا هستند. در نمودار شماره (۱) راندمان انواع نیروگاه ها در کشور در سال ۱۳۸۵ مشاهده می شود:



اصرار بر ساخت نیروگاه های کم بازده گازی سبب شده تا بازدهی شبکه نیروگاهی کشور در سال های اخیر همچنان پایین بماند. این امر در نمودار شماره (۲) مشهود است:



شایان ذکر است بنا بر آخرین آمار و اطلاعات منتشر شده، کل قدرت نصب شده برای تولید برق کشور در طول سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۵ برابر با ۳۳۰۹۷،۷۹ مگاوات است که از این میزان ۱۱۷۰۴۹،۹۷ مگاوات (۳۶ درصد) طی سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ و ۱۷۰۴۹،۸۲ مگاوات (۵۲ درصد) آن طی سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ احداث شده و مابقی ۴۳۴۳ مگاوات (۱۳ درصد) در سال ۱۳۸۵ نصب شده است.

در طی سال های ۱۳۶۷ الی ۱۳۷۶، نیروگاه های سیکل ترکیبی و بخاری به ترتیب با ۴۵ و ۴۰ درصد، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده اند و نیروگاه های گازی

توزیع و انتقال برق

تلفات برق در شبکه انتقال و توزیع امری اجتناب ناپذیر بوده و ناشی از دو عامل است:

الف- فرسوده بودن شبکه انتقال که می توان با برنامه ریزی مناسب به تعمیرات شبکه انتقال پرداخت.

ب- استفاده های غیر مجاز از شبکه برق (برق دزدی). جلوگیری از چنین امری به علت پیچیدگی های موجود امری زمان بر بوده و مستلزم آن است که پس از تعمیرات و بهینه سازی شبکه انتقال صورت گیرد. بنابراین در مجموع می توان گفت فرایند کاهش تلفات امری زمان بر است.

میزان استانداردهای جهانی در مورد رقم تلفات انتقال و توزیع برق، حدود ۸ درصد بوده و این در حالی است که کشورهایی که رقم تلفات در آن ها تا چند سال قبل بالا بوده، تلاش هایی در جهت کاهش آن صورت داده اند. به عنوان مثال ترکیه در سال ۲۰۰۰ اتلاف شبکه انتقال و توزیع برق خود را به ۲۱٫۵ درصد، در سال ۲۰۰۳ به ۱۹٫۵ درصد و در سال ۲۰۰۴ به ۱۸ درصد کاهش داده است و این در حالی است که در ابتدا تلفات ترکیه چهار برابر بیشتر از متوسط کشورهای عضو آژانس بین المللی انرژی بوده است. با این حال رقم تلفات انتقال و توزیع برق در کشورمان با این استانداردها فاصله معناداری داشته و بررسی و مقایسه آن با برخی کشورهای جهان نشان گر رشد یکپارچه این شاخص در دهه های اخیر است (نمودار شماره (۳)).

به نظر می رسد هنوز گزارش کارشناسی در برآورد دقیق خسارات ناشی از اتلاف بالا در شبکه برق کشور تهیه نشده است، اما اگر تصور شود که رقم اتلاف در شبکه با احتساب رقم ۲۰ درصدی حدود ۱۲ درصد بیش از استانداردها باشد، رقم ریالی اتلاف بیش از حد سوخت مصرفی در جدول شماره (۲) محاسبه شده است:

بدین ترتیب خسارت کل ارزش یارانه ای سوخت تلف شده بر اثر اختلاف ۱۲ درصدی نرخ تلفات شبکه انتقال برق با استانداردهای جهانی در سال ۱۳۸۶ حدود ۱۰۳ میلیارد ریال برآورد می شود.^۲

مصرف برق

در طول سال های اخیر رشد نفوذ برق در کشور بعلاوه رشد جمعیت، باعث رشد مصرف برق در کشور شده است. نگاهی به آمار و ارقام موجود نشان گر آن است که

متوسط مصرف برق هر مشترک نیز در طول دهه اخیر رشد داشته است (جدول شماره ۳) رشد متوسط مصرف هر مشترک می تواند ناشی از ۲ عامل باشد:

۱- تغییر الگوی مصرف ناشی از افزایش رفاه اجتماعی و میل به استفاده از لوازم انرژی بری تر، مانند تمایل به استفاده از کولرهای گازی به جای کولر آبی در فصل تابستان در شهرها و دوم کاهش کیفی لوازم انرژی بر مورد استفاده و غیراستاندارد بودن آن ها.

عامل نخست می تواند تا حدی طبیعی جلوه کند، اما شاید در وضعیت کنونی روندی غیر طبیعی و افراطی را به خود گرفته است، به طوری که در وضعیت کنونی قیمت پایین انرژی و برق سبب شده کولرهای گازی که تا ۴ برابر کولرهای آبی مصرف دارند، در مناطقی که رطوبت بالایی حاکم نیست و کولرهای آبی می توانند کافی باشند، وارد چرخه مصرف شده و میزان مصرف و پیک آن را افزایش دهند. بدین ترتیب الگوی نامناسب در گزینش نوع وسایل انرژی بر مصرفی می تواند به عنوان یک عامل نامطلوب قلمداد شده و ضرورت فرهنگ سازی و اصلاح این گرایش برای مردم بایستی نهادینه شود.

۲- استاندارد نبودن لوازم انرژی بر خانگی برقی (نظیر کولر، اتو، لباسشویی، جاروبرقی و ...) که در رشد تلفات مصرف برق در میان مردم تأثیر بیش تری دارد. صد البته کنترل این عامل بر عهده مصرف کنندگان و توده مردم نیست، چرا که تا زمانی که این لوازم که از طریق بازار در اختیار مردم قرار می گیرد استاندارد نباشد، اصلاح فرهنگ و الگوهای مصرف کنندگان تأثیری در کاهش اتلاف نخواهد داشت. هم اکنون بسیاری از لوازم فوق با استانداردهای مطلوب فاصله معناداری دارند که همین امر تلفات بالایی را برای مصرف برق در بخش خانگی کشور موجب شده است. به عنوان نمونه رتبه فعلی مصرف انرژی یک یخچال فریزر خانگی، هم اکنون به طور متوسط در حالت D قرار دارد که به طور متوسط روزانه ۱/۶۲۲ KWh/Day انرژی مصرف می کند. در صورتی که شاخص هدف این وسیله A است. (با مصرف ۰/۹۳۷ KWh/Day) در جدول شماره (۴) شاخص های جهانی لوازم انرژی بر خانگی با کشورمان مقایسه شده اند.

به همین ترتیب می توان تکرار این وضعیت را در مورد کولرهای گازی و یا آبی دید، به طوری که کولرهای آبی کنونی در رده انرژی G و F قرار دارند که وضعیت بسیار نامطلوبی است. شایان ذکر است که با این وضعیت استانداردهای مصرف، به عنوان نمونه یک کولر آبی حداقل ۲ برابر استاندارد انرژی مصرف می کند.

بنابر برآوردهای سازمان بهره وری انرژی ایران (سایا) کل پتانسیل قابل حصول صرفه جویی در صورت کولرها و یخچال ها در کشور برابر ۳۱۴۰ میلیون کیلووات ساعت معادل یک نیروگاه ۴۲۰۰ MW می باشد که با در نظر گرفتن تلفات انتقال و توزیع این رقم معادل یک نیروگاه ۵۰۰۰ مگاواتی است. این رقم تنها در صورتی که است که سایر وسایل پرمصرف نظیر اتو، ماشین لباسشویی و همچنین مصارف روشنایی مورد نظر قرار نگیرد.

بایستی توجه کرد که هم اکنون جمعیت جوان کشور در حدود ۳۰ میلیون برآورد می شود که با احتساب سهم برابر دختر و پسر از این جمعیت، در آینده نزدیک به ۱۵ میلیون خانوار به مجموع خانوارهای کشور اضافه خواهد شد. در صورتی که الگوی مصرف وسایل خانگی اصلاح نشود، ۱۵ میلیون خانوار جدید از همین تعداد وسایل پر مصرف استفاده خواهد کرد و این امر سبب می شود مصرف انرژی در کشور به یکباره افزایش چشمگیر یابد. در این میان دولت و در رأس آن سازمان استاندارد و سازمان بهره وری انرژی ایران (سایا) موظف اند نسبت به تنظیم استانداردهای مورد نیاز و اعمال آن ها در جهت ممانعت از ورود لوازم غیر استاندارد به بازار اقدامات لازم را به عمل آورند.

از آن چه بیان شد می توان فهمید کاهش تلفات انرژی در صنعت برق کشور نیازمند اقدامات اساسی در هر ۳ بخش تولید، انتقال و مصرف است. در بخش تولید لازم است وزارت نیرو با تدوین و اجرای برنامه های لازم و با احداث نیروگاه های پربازده و از رده خارج کردن نیروگاه های فرسوده نسبت به این امر اقدام کند. از سوی دیگر اصلاح وضعیت شبکه انتقال و توزیع برق در کشور که خسارات سالانه آن بیش از چندین میلیارد تومان بر آورد می شود، می تواند سبب کاهش شدید اتلاف انرژی شود. و در نهایت عزم دولت در اعمال استانداردهای مصرف انرژی در لوازم خانگی و نیز تلاش مردم در راه اصلاح فرهنگ مصرف می تواند به عنوان راهکارهای اصلی اصلاح الگوی مصرف انرژی در صنعت برق قلمداد شود.



۱. ترازنامه هیدروکربوری ۱۳۸۵
۲. لازم است توجه شود در محاسبات فوق ارزش یارانه ای سوخت بر حسب نرخ تحویلی به نیروگاه ها لحاظ شده که می توان محاسبات را با نرخ قیمت قوب خلیج فارس نیز محاسبه نمود. اما در واقع هدف ما در این جا این است که حداقل رقم خسارت را در بهترین حالت بدست آوریم. بدیهی است رقم فوق با ساده سازی های بسیاری صورت پذیرفته است، بدین ترتیب که برای بدست آوردن رقم دقیق خسارت بایستی ترکیب سوخت نیروگاه های هر منطقه و نیز نرخ اتلاف شبکه همان مناطق را بدست آورد و آن گاه خسارت هر منطقه از کشور را با همدیگر جمع کرد. علاوه بر آن لحاظ کردن استهلاک شبکه و ... در محاسبات نیز ضروری است که چنین امری از حوصله تحقیق پیش رو خارج است.
۳. مستندات اخذ شده از سازمان بهره وری انرژی ایران (سایا)
۴. منظور از حجم سوخت موثر، حاصل ضرب کل سوخت مصرفی در بازدهی متوسط نیروگاه های حرارتی (۲۵۸ درصد) است.

جدول شماره (۱)

نوع سوخت مصرفی	حجم سوخت مصرفی	حجم سوخت هدر رفته درصدی نیروگاه ها	ارزش ریالی یارانه های سوخت هدر رفته (میلیارد ریال)
نفت گاز	۵۱۲۴ میلیون لیتر	۲۲۷،۶۱ میلیون لیتر	۴۳،۰۶
نفت کوره	۸۲۷۴ میلیون لیتر	۱۷۴،۹۱ میلیون لیتر	۳۵،۹۵
گاز طبیعی	۳۷۳۳۸ میلیون مترمکعب	۵۳۰۲ میلیون مترمکعب	۲۶۱،۳۹

جدول شماره (۲): محاسبه ارزش ریالی کل سوخت تلف شده بر اثر تلفات شبکه برق در کشور (میلیارد ریال)

نوع سوخت مصرفی	حجم سوخت مصرفی موثر * ۱۲ درصد	ارزش ریالی یارانه های سوخت	ارزش ریالی کل سوخت تلف شده (میلیارد ریال)
نفت گاز	۲۲۰،۱۲ میلیون لیتر	۵۹،۱۸ ریال بر لیتر	۱۳،۰۳
نفت کوره	۳۵۵،۴۵ میلیون لیتر	۳۰،۶ ریال بر لیتر	۱۰،۸۸
گاز طبیعی	۱۶۰۴ میلیون مترمکعب	۴۹،۳ ریال بر مترمکعب	۷۹،۰۸

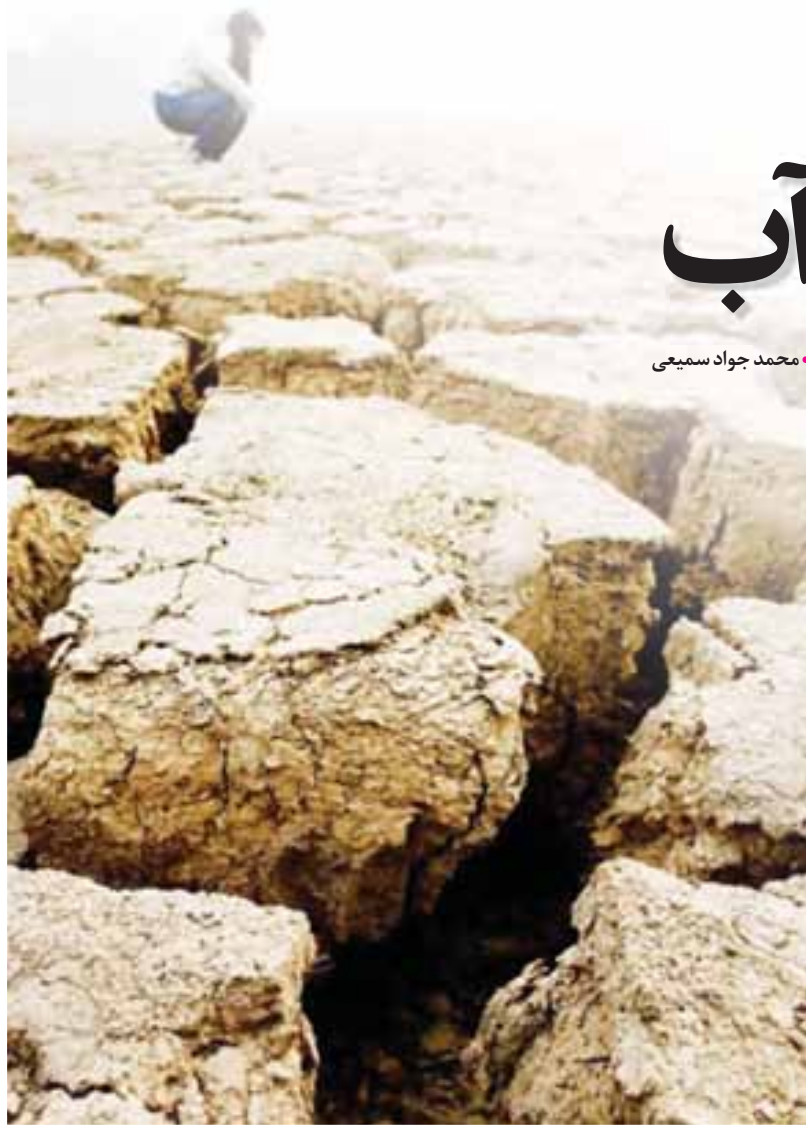
جدول شماره (۳)

سال	تعداد مشترک	متوسط مصرف هر مشترک (KWh)	تعداد روستاهای برق دار
۱۳۷۷	۱۴۱۲۷	۵۸۹۲	۴۰۷۱۸
۱۳۷۸	۱۴۸۷۵	۶۰۵۸	۴۲۶۴۰
۱۳۷۹	۱۵۵۷۹	۶۱۶۵	۴۴۲۰۴
۱۳۸۰	۱۶۳۴۵	۶۲۸۹	۴۵۳۵۸
۱۳۸۱	۱۷۱۵۳	۶۴۴۱	۴۶۲۲۵
۱۳۸۲	۱۷۹۷۶	۶۶۹۴	۴۷۳۵۹
۱۳۸۳	۱۸۸۸۰۶	۶۹۷۶	۴۹۳۹۹
۱۳۸۴	۱۹۶۵۲	۶۹۸۴	۵۲۳۵۰
۱۳۸۵	۲۰۵۵۹	۷۲۳۲	۵۳۰۵۹

جدول شماره (۴): مقایسه مصرف انرژی لوازم خانگی با استانداردهای موجود (منبع: سایا)

نوع وسیله	رتبه فعلی	متوسط شاخص	رتبه هدف	شاخص هدف	پتانسیل سالانه صرفه جویی سالانه (KWh)
یخچال فریزر	D	۱،۶۲۲ Kwh/day	A	۰،۹۳۷ Kwh/day	۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰
کولر گازی	D	۲۱۱۲ W	A	حد اکثر ۱۷۵۸	۱،۳۶۰،۰۰۰،۰۰۰
کولر آبی	G,F	۷۵۰ W	B	۳۸۱ W	۱،۲۸۰،۰۰۰،۰۰۰

بخش کشاورزی پاشنه آشیل مصرف آب



محمد جواد سمیعی

دشت های کشور که به مانند ظرف هایی برای نگهداری آب در زیر زمین بودند، دچار معضلات جدی گردند به طوری که از حدود ۶۰۰ دشت کشور در حال حاضر، بیش از ۱/۳ آنها با وضعیتی بحرانی مواجه باشند، به این معنا که در سرآشینی تخریب و اتمام کامل قرار گرفته‌اند. وضعیت در مناطق خشک‌تر کشور به مراتب سخت‌تر است، به گونه ای که مثلا در استان خراسان رضوی، از ۲۶ دشت، ۲۳ دشت ممنوعه و ممنوعه-بحرانی هست. از آنجا که همگان به آب شیرین و پاک نیاز دارند، دور از ذهن نیست تا جنگ های آینده جهان بر سر منابع آب صورت گیرد و در این زمینه خاور میانه، پتانسیل بالایی برای کشمکش و درگیری دارد. در پیش بینی های مطالعات شورای ملی اطلاعات ایالات متحده برای ۲۵ سال آینده که اخیرا منتشر شده است، در این زمینه چنین آمده است: «۳۶ کشور با جمعیت یک هزار و چهارصد میلیون نفر در بحران آب قرار خواهند گرفت. در خاورمیانه همکاری بر سر مدیریت ذخایر آب بسیار دشوار خواهد بود.» این وضعیت زنگ خطری جدی برای اقدام در راستای اصلاح الگو و تعدیل مصرف آب است. بدین مناسبت نگاهی بسیار اجمالی به مصرف آب در بخش کشاورزی، به عنوان بزرگترین مصرف کننده، و راه هایی برای افزایش کارایی در این بخش خواهیم داشت.

بازده سیستم های آبیاری

در کشور خشکی مانند ایران، آبیاری از عملیات ضروری و بدیهی کشاورزی به شمار می رود. ایران با حدود ۸ میلیون هکتار اراضی آبی که به انواع محصولات زراعی و باغی اختصاص دارد، پس از کشورهای هند، چین، آمریکا و پاکستان؛ پنجمین کشور جهان از لحاظ وسعت اراضی تحت آبیاری است. حدود ۹۰ درصد تولیدات کشاورزی و باغی کشور از اراضی آبی بدست می آیند. به منظور رساندن آب کافی به گیاه، نیاز است نخست آب از منبع تامین آب به مزرعه منتقل شود. پس از آن در داخل مزرعه توزیع شود و در نهایت با سیستم های کاربرد آب در مزرعه که به سیستم های آبیاری معروفند؛ به گیاه منتقل گردند. هر یک از این مراحل دارای راندمانی می باشند که نشان دهنده میزان کارایی از یک سو و میزان تلفات از سوی دیگر است. در بخش «انتقال»، استفاده از نهرهایی با پوشش مناسب و یا مجاری تحت فشار (لوله)، به جای نهرهای سنتی می تواند میزان تلفات را به شدت کاهش دهد.

توزیع آب در مزرعه، شامل کانال های کوچکتر درجه ۳ و ۴ و سازه های تقسیم آب و انهری است که در بالای قطعات اراضی قرار می گیرند. یکی از مشکلات اصلی در این بخش، عدم تکمیل شبکه های آبیاری پایین دست در مناطقی از کشور که سدهایی به منظور ذخیره کردن آب برای کشاورزی احداث شده است؛ می باشد. در واقع، زمانی این سدها به هدف خود نائل می شوند که علاوه بر کانال های درجه ۱ و ۲، کانال های درجه ۳ و ۴ آنها نیز ساخته و آماده بهره برداری شود. تکمیل شبکه های آبیاری، چه به لحاظ مالی و اعتباری و چه به لحاظ زمان اجرا ۳ تا ۵ برابر احداث سد و تاسیسات اصلی به هزینه های مالی و زمان نیاز دارد. توجه و همت جدی در زمینه لحاظ کردن این بخش از پروژه ها نیز می تواند در زمینه ارتقاء نحوه و الگوی به کار بردن آب، تاثیر بسزایی داشته باشد.

در نهایت، «سیستم های کاربرد آب در مزرعه» یا همان «سیستم های آبیاری» مطرح می شود که حلقه نهایی رساندن آب به گیاه است. راندمان این بخش با توجه به تعاریف مختلف از راندمان، متعدد برآورد می شود. برخی بر این عقیده اند که راندمان سیستم های آبیاری کشور ما در حدود ۳۵ درصد می باشد. به منظور افزایش این راندمان، رویکرد توجه و استقبال شدید از توسعه سیستم های آبیاری تحت فشار، در چندین سال اخیر، عمدتاً مورد توجه بوده است. براساس آمار ارائه شده، در صورت طراحی و اجرای صحیح و سپس مدیریت و نگهداری و مدیریت مناسب، راندمان سیستم های

آب، این مایع حیاتی و محور توسعه، همچون بسیاری دیگر از منابع، دارای محدودیت های جدی در مصرف می باشند. با این تفاوت که آب، با ویژگی های منحصر به فرد فیزیکی و شیمیایی، لاقل تا به امروز، هیچ گونه بدیل وجایگزینی نداشته است و بشر از دیرباز و تا شاید تا همیشه چاره ای جز سازگار شدن با این محدودیت ها نداشته باشد.

مصارف عمده آب را می توان در سه بخش «کشاورزی»، «شهری و روستایی»، و «صنعت و خدمات» در نظر گرفت. نسبت مصرف در این سه دسته، بسته به نوع جامعه و دسترسی به منابع آبی، و نیز درجه صنعتی شدن آن، متفاوت است. در حالی که این نسبت ها در مقیاس جهانی، ۷۰ درصد برای کشاورزی، ۲۰ درصد برای صنعت و ۱۰ درصد برای مصارف شهری و روستایی گزارش شده است، در ایران این نسبت ها به قرار ۹۱ درصد در بخش کشاورزی، ۷ درصد برای مصارف شهری و روستایی و ۲ درصد برای صنعت می باشد.

از سوی دیگر با رشد انفجار گونه جمعیت ظرف چند دهه اخیر و نیز افزایش سطح رفاه و بهداشت، تقاضا برای آب سالم و بهداشتی افزایش یافته است. این در حالی است که منابع آبی تجدید پذیر محدود و معین است و در نتیجه، سرانه آب تجدید پذیر که یک شاخص جهانی در زمینه وضعیت آب از حیث بحرانی بودن محسوب می شود به شدت سقوط کرده است.

کشور ما با توجه به جایگاه جغرافیایی در جهان، دارای اقلیمی خشک و نیمه خشک است و متوسط بارندگی در آن ۱/۳ متوسط جهانی است. با توجه به حجم بارش و توزیع زمانی و مکانی آن، تامین بخش عمده آب مورد نیاز، از مخازن و منابع آب های زیر زمینی است.

ورود تکنیک ها و ابزار استحصال بیشتر آب، از حدود نیم قرن گذشته به کشورمان، نظیر ابزار حفاری چاه های عمیق، پمپ ها و موتور تلمبه هایی که قادرند با صرف انرژی، آب را از اعماق به سطح زمین بکشانند؛ همراه با عدم توجه کافی به محدودیت مخازن آب زیرزمینی و در نتیجه عدم وضع و سپس پایبندی به قوانین کنترل کننده برداشت، موجب شد تا برداشت از این مخازن به صورت بی رویه و روز افزون رشد کند و با گذشت زمانی اندک، میزان برداشت از این مخازن از میزان ورودی آنها بیشتر شود و به اصطلاح ممتوعه گردند.

ادامه روند برداشت های بی رویه موجب گردید، اغلب

تنها یکی دو سال، به زیر ۴۰ درصد رسیده است! به هر حال به نظر می رسد لازم است ضمن رویکرد استفاده از تجهیزات و تکنیک های جدید برای کاهش تلفات، به نحوه و جایگاه مناسب استفاده از آنها نیز آگاه باشیم.

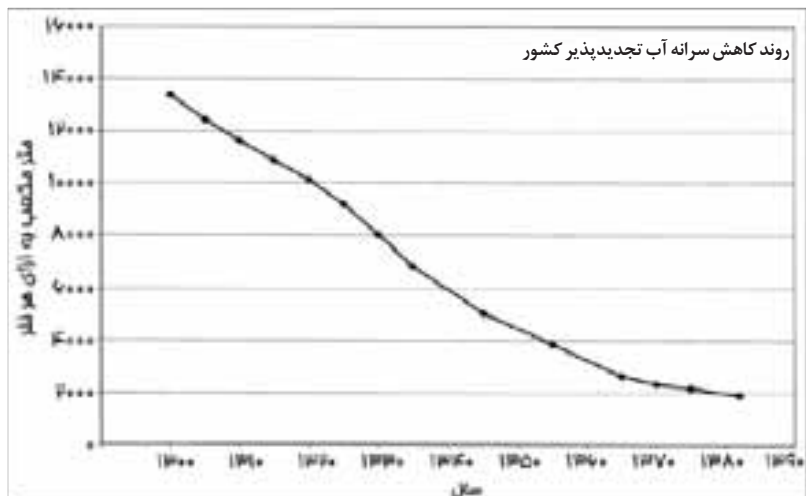
مصرف آب در بخش غیر کشاورزی

از مصرف آب در بخش کشاورزی که بگذریم، خوشبختانه برای اصلاح الگوی مصرف در بخش مصارف شهری و روستایی، ظرف چند سال گذشته اقدامات اطلاع رسانی و فرهنگ سازی خوبی صورت گرفته است و عموم جامعه نیز با درک ضرورت های این بخش، الگوهای مصرف خود را عمدتاً به خوبی تنظیم نموده اند. امید دور از دسترس نیست که با اقدامات شرکت های آب و فاضلاب در راستای کاهش تلفات شبکه های آبرسانی، همچنین استمرار فعالیت ها در بخش مدیریت مصرف و همکاری بیشتر مردم، شاهد به حداقل رسیدن تلفات در این بخش باشیم. در بخش صنعت و خدمات نیز، آلوده شدن آب در روند تولید محصولات صنعتی و نحوه دفع آنها، اصلی ترین مسأله به نظر می رسد. که مجال بیشتری برای پرداختن می طلبد. در هر صورت، نجات آب در گرو آگاهی و حضور همگانی است.

آبیاری بارانی در حدود ۷۰ درصد و سیستم های آبیاری قطره ای متجاوز از ۹۰ درصد می باشد. متأسفانه گاه به نظر می رسد جایگاهی افراط گونه و نادرست برای این سیستم ها در نظر گرفته می شود. تصوراتی از این قبیل که سیستم های تحت فشار از سیستم های سطحی در همه جا و در همه شرایط مناسب تر هستند و لزوماً به راندمان بالاتری در آبیاری منجر می شود، تصوراتی نادرست هستند که می توانند به سیاست گذاری های غیر بهینه ای بینجامند. این در حالی است که سیستم های سطحی نیز در برخی از مناطق کشور می توانند با طراحی مناسب تر و اقتصادی تر، ما را به بهره وری بالاتری برسانند.

البته آبیاری سطحی در این جا به معنای آبیاری سنتی نیست بلکه در زمینه آبیاری سطحی نیز می توان با طراحی و اجرای کارشناسانه، به راندمان های بالایی دست یافت. علاوه بر این همان طور که گفته شد، راندمان های بالا در سیستم های آبیاری تحت فشار در صورتی بدست می آیند که علاوه بر طراحی و اجرای کارشناسانه، به طور مناسب و طبق دستورالعمل مدیریت و نگهداری شوند. در حالی که ارزیابی های صورت گرفته بر روی برخی از سیستم های اجرا شده در کشور، نشان می دهد که گاه راندمان سیستم های اجرا شده با گذشت

روند کاهش سرانه آب تجدیدپذیر کشور



فقط در یک سال:

۲ میلیارد و ۵۵۵ میلیون کیلوان خشک

گزارش خراسان از فاجعه تاسفبار ضایعات نان در ایران

" بر اساس آمارها به طور متوسط روزانه ۷ هزار تن نان از چرخه مصرف خارج و به ضایعات تبدیل می شود که برآورد آن در سال، ۲ میلیون و ۵۵۵ هزار تن است." با توجه به این آمار که کارشناس ارشد دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت در گفت و گو با خراسان بیان می کند سالانه ۲ میلیارد و ۵۵۵ میلیون کیلو نان خشک در ایران تولید می شود. "پوراآرام" در ادامه می افزاید که روزانه برای مصرف هر فرد ۴۲۰ گرم نان تولید می شود که ۳۲۰ گرم آن به مصرف واقعی می رسد و ۱۰۰ گرم به ضایعات تبدیل می شود. وی تصریح می کند: همواره ۳۰ درصد نان به ضایعات تبدیل می شود.

در مجموع سالانه چه مبلغی توسط ایرانیان مقیم ایران فقط در بخش نان دود شده و از بین می رود؟ مجید پارسائیا معاون وزیر بازرگانی در گفت و گو با واحد مرکزی خبر با اشاره به این که اگر ۳۰ درصد نان تولیدی کشور به ضایعات تبدیل شود می افزاید: سالانه حدود ۲۰۰ میلیارد تومان به اقتصاد کشور خسارت وارد می شود.

صادرات نان خشک!

زمانی که یک کالا به محصولی در کشور به آن اندازه تولید می شود که برای تأمین نیاز داخل به واردات آن محصول یا کالا احتیاج نداشته باشد می گویند در تولید آن محصول یا کالا خود کفا شده است. اکنون خودکفایی در ضایعات نان (نان خشک) در ایران به گونه‌ای است که نه تنها نیاز داخل را تأمین بلکه به عنوان محصول صادراتی هم می توان از آن نام برد. به گزارش خبرنگار خراسان از کرمانشاه، استاندار این استان خبر از کسب مقام اول استان کرمانشاه در صادرات نان خشک به خارج از کشور داده است. اما به راستی برای به حداقل رساندن ضایعات نان چه باید کرد؟

مراحل ۹ گانه چرخه تولید نان

در این باره در گفت و گویی با معاون پژوهشی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی خراسان رضوی ابتدا به بررسی مراحل ۹ گانه چرخه تولید نان و سپس به نقش هر مرحله از این چرخه در کیفیت نان پرداخته ایم.

مهدی کریمی نوع گندم، زراعت گندم، نگهداری و انتقال گندم ها به سیلو، نگهداری و ادغام در سیلوه، تبدیل گندم به آرد، انتقال کبسه های آرد به نانوائی ها، کیفیت مواد اولیه تولید نان غیر از آرد و فرمول ترکیب آن ها، تجهیزات پخت نان و در نهایت شرایط نگهداری را به عنوان مراحل ۹ گانه چرخه تولید نان نام می برد. وی با بیان این که گندم ها بر اساس سختی و میزان پروتئین به ۶ گروه تقسیم می شوند می افزاید: برای تولید نانی که ارزش غذایی مطلوبی داشته باشند گندم آن باید از نوع نیمه سخت و با پروتئین ۱۲ درصد باشد.

یکدست نبودن گندمی که برداشت می شود

معاون پژوهشی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی خراسان رضوی معتقد است که این الگو در انتخاب گندم رعایت نمی شود چون کشاورزی ما به صورت خرده مالکی اداره می شود و هر کشاورزی هر نوع گندمی که بخواهد، می کارد. از طرف دیگر هدایت علمی کمی نیز در این زمینه وجود دارد.

وی آفت سن، وازدگی، زنگ زدگی و ورس گندم را از خطرهایی بیان که گندم ها را در مرحله داشت تهدید می کند. درباره شرایط نگهداری گندم پس از برداشت نیز می گوید: اگر گندم ها تحت شرایط تهویه مناسب نگهداری نشوند، رطوبت بیش از اندازه باعث عرق کردن گندم ها شده که تکسین سمی تولید می کند.

اتلاف گندم در مرحله حمل و نگهداری

کریمی یکی از مراحل هدر رفتن گندم ها را هنگام حمل به سیلو بیان کرده و می گوید: به دلیل استفاده از کامیون های فرسوده و عدم دقت کافی در بستن

کبسه ها، ۳ تا ۴ درصد گندم ها از کنار جاده ها می ریزد و به هدر می رود.

وی از نهضت سیلوسازی که در کشور ایجاد شده ابراز رضایت کرد و با بیان این که سالانه ۱۰ میلیون تن گندم در کشور تولید می شود می افزاید: اما اکنون ظرفیت سیلوه های موجود در کشور ۶ تا ۷ میلیون بیشتر نیست.

کیفیت آرد

برای تولید آرد با کیفیت باید انواع گندم به اندازه مناسب ادغام شده و در شرایط مناسب در سیلوه نگهداری شود. بنابراین تجهیزات مناسب برای شناسایی میزان پروتئین و سختی گندم باید در سیلوگاه ها وجود داشته باشد. پس از این مراحل گندم وارد کارخانه آرد سازی می شود و با انجام اقدام هایی از جمله غنی سازی می توان بر کیفیت و ارزش غذایی آرد به دنبال آن نان افزود.

معاون پژوهشی مرکز تحقیقات جهاد کشاورزی و منابع طبیعی خراسان رضوی اظهار می دارد که کیفیت آرد اغلب کارخانه های آردسازی نسبت به گذشته افزایش پیدا کرده است اما می توان با ایجاد رقابت بین کارخانه ها انگیزه ای برای تولید آرد با کیفیت تر به وجود آورد.

مشکلات در مرحله پخت

یکی از مراحل بسیار تأثیرگذار در کاهش یا افزایش ضایعات نان، پخت نان است. مقدار خمیرمایه، خمیر ترش، آب، آرد، دمای آب و زمان مخلوط کردن آن ها با یکدیگر، زمان ماندن خمیرمایه در تنور و درجه حرارت تنور از عواملی هستند که رعایت نکردن میزان هر کدام می تواند کیفیت نان تولیدی را کاهش دهد. این پژوهشگر در این باره با بیان این که برای تولید نان با کیفیت باید در کنار خمیرمایه از خمیر ترش هم استفاده کرد، می گوید: در حالی که اکنون نانوائی ها به دلیل شرایط خاص تهیه این ماده، از خمیر ترش استفاده نمی کنند. وی پیشنهاد می کند همان طور که بخش خصوصی در تولید خمیرمایه سرمایه گذاری کرده است زمینه های سرمایه گذاری این بخش نیز در تولید خمیرمایه ترش فراهم شود.

کریمی با اشاره به فرسودگی تنورهای بسیاری از نانوائی ها تصریح می کند که شاید یک درصد نانوائی ها در کشور مراحل پخت نان را به صورت دقیق و حرفه ای انجام می دهند.

وی در پاسخ به این سؤال که "در هر کدام از مراحل چرخه تولید نان چقدر موارد علمی گفته شده رعایت می شود؟" تصریح می کند که "هیچ کدام" و می افزاید سهم هر مرحله در تولید نان با کیفیت و کاهش میزان ضایعات به یک میزان است.

ضایعات حداکثر ۵ درصدی نان در کشورهای پیشرفته

کریمی به ضایعات نان در کشورهای پیشرفته و صنعتی اشاره و بیان می کند که در این کشورها سالانه حداکثر ۵ درصد نان تولیدی به ضایعات تبدیل می شود. وی درباره نان صنعتی می گوید: چون در نان صنعتی تمام مراحل پخت نان با دستگاه های دقیق علمی انجام می شود می توان گفت در مرحله تهیه این نان ها فرمول پخت نان با کیفیت از آرد دریافتی به خوبی رعایت می شود. وی می افزاید که در نانوائی های صنعتی همه نوع نان می شود پخت کرد.

با نهادهای متولی تولید نان

وزارت خانه های جهاد کشاورزی، کشور، صنایع و معادن، بازرگانی و بهداشت، شرکت های غله و خدمات بازرگانی و اتحادیه نانوائیان سازمان ها و نهادهایی هستند که هر کدام در تولید نان مسئولیتی بر عهده دارند. در این گزارش به سراغ شرکت غله و خدمات بازرگانی منطقه ۵ کشور (خراسان شمالی، رضوی و جنوبی) و اتحادیه نانوائیان مشهد نیز رفتیم.

• سید امین مقدم حسینی

خرید گندم تا تبدیل به آرد زیر نظر شرکت غله

از مرحله خرید گندم از کشاورز تا تبدیل آن به آرد و تحویل به نانوائی ها زیر نظر شرکت غله و خدمات بازرگانی انجام می شود. مدیر عامل شرکت غله و خدمات بازرگانی منطقه ۵ کشور در گفت و گو با خراسان با بیان این که در نگهداری و طبقه بندی گندم ها در سیلوه ها و تبدیل گندم به آرد موازین علمی را رعایت کرده و تلاش می کنیم کیفیت آرد روز به روز افزایش یابد، می افزاید: بخشی از ضایعات نان ممکن است در روش پخت و بخشی نیز در میزان خرید و نحوه نگهداری آن باشد.

احمد عبدوست درباره میزان ضایعات نان در این استان می گوید: که ضایعات نان باید ناچیز باشد. در حالی که هر کیلو آرد ۷۵ ریال به نانوا فروخته می شود هر کیلو گندم به طور میانگین در سال جاری ۳ هزار و ۱۸۵ ریال به صورت نقدی از کشاورز خریداری می شود. این مقام مسئول با بیان این مطلب می افزاید که در سال جاری تاکنون ۲ هزار و ۲۷۸ میلیارد و ۷۶۸ میلیون ریال برای خرید گندم پرداخت شده است. با افزایش تولید گندم وی از ۶ برابر شدن خرید گندم از کشاورزان در سال جاری نسبت به سال گذشته خبر داد.

مدیر عامل شرکت غله و خدمات بازرگانی منطقه ۵ کشور درباره شرایط نگهداری گندم در سیلوه ها و استاندارد نبودن سیلوه ها در این منطقه می گوید: ۵۰ درصد سیلوه های موجود درجه یک، ۳۰ درصد درجه ۲ و ۲۰ درصد درجه ۳ هستند و استانداردهای لازم در این زمینه رعایت می شود. عبدوست با بیان این

که دیگر نانوائی ها از جوش شیرین استفاده نمی کنند می افزاید: اکنون آرد در کارخانه های آردسازی با آهن و اسید سولفوریک غنی سازی می شود و سال گذشته نیز حدود ۵ میلیارد ریال برای این کار هزینه شده است. وی در ادامه نیز از اقدام های انجام شده برای اجباری شدن آموزش کارگران نانوائی خبر داد.

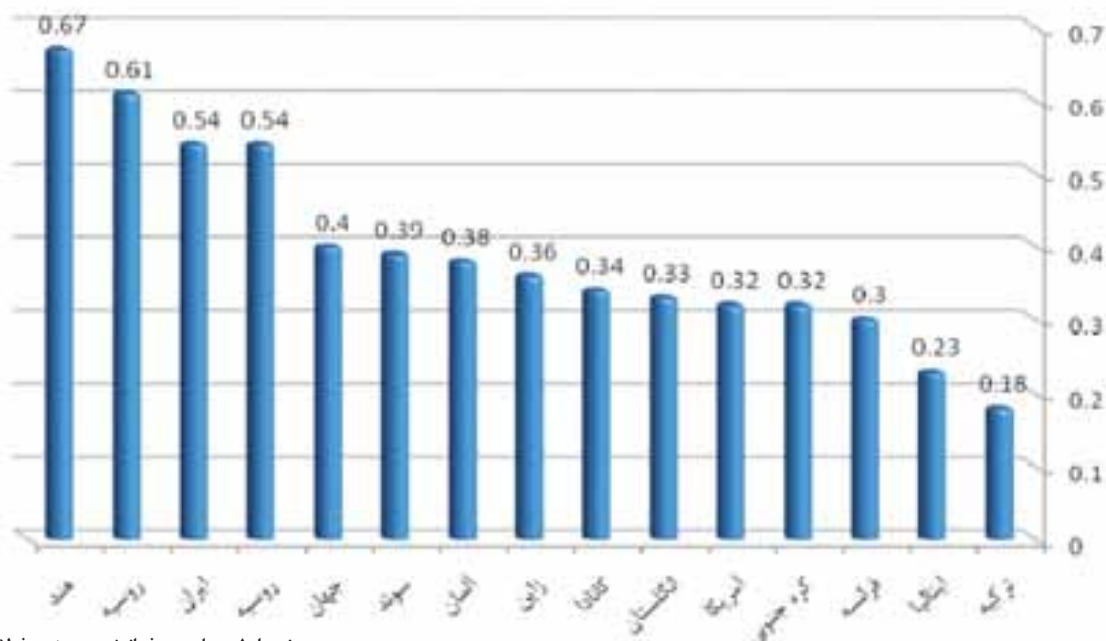
مرحله پخت نان و نقش اتحادیه نانوائیان

یکی از مراحل بسیار مهم در کیفیت نان، پخت این نعمت الهی است. در این بخش اتحادیه نانوائیان نقش محوری بر عهده دارد. پس از این که مدیر عامل شرکت غله و خدمات بازرگانی استان های خراسان شمالی، رضوی و جنوبی کیفیت پایین نان را متوجه پخت و نگهداری آن دانست به سراغ رئیس اتحادیه و شرکت تعاونی نانوائیان مشهد رفتیم. سید ابراهمی خلیلی سهام نانوائیان را از ضایعات نان حداکثر ۵ درصد عنوان می کند و می افزاید: بعضی وقت ها آردی که به دست نانوا می رسد کیفیت خوبی ندارد، که به کارخانه ها اطلاع داده می شود و آن ها آرد را عوض می کنند. وی ادامه می دهد که انتظار داریم شرکت غله نظارت بیشتری داشته باشد.

رئیس اتحادیه نانوائیان ارزان بودن نان را عامل دیگری در افزایش ضایعات نان عنوان و می گوید: زمانی که نان ارزان است مصرف کننده در نگهداری آن دقت لازم را انجام نمی دهد. این مقام مسئول تصریح می کند که باید تعداد کارگران آموزش دیده افزایش پیدا کنند. خلیلی در پاسخ به این سؤال که "تاکنون چند دوره آموزش برای نانوائیان برگزار کرده اید؟" با اشاره به این که کارگران به دلیل دستمزد پائین انگیزه کمی برای افزایش مهارت خود دارند می گوید: آموزش ها را باید سازمان فنی و حرفه ای برگزار کند نه اتحادیه نانوائیان.

وی یکی از راه های افزایش انگیزه نانوائیان برای تولید نان با کیفیت را افزایش دستمزدها متناسب با درجه بندی نانوائی ها بر اساس کیفیت ارائه نان بیان می کند. خلیلی درباره اقدام ها انجام شده در این راستا می گوید: این پیشنهاد را استاندار پذیرفته و قرار شد کارگروهی برای تدوین ضوابط قانونی این طرح تشکیل شود که اولین جلسه آن ماه گذشته برگزار شد.





نمودار ۱: میزان مصرف انرژی در صنعت فولاد (toe/t)

عمده مصرف کننده های انرژی در دنیا وارد کننده آن هستند. بنابراین به دست آوردن حداکثر ارزش افزوده بابت نهاده هایی که برای آنها هزینه بر می باشد بسیار حایز اهمیت است. اما در ایران به علت دارا بودن ذخایر فراوان هیدروکربوری، بحث اقتصادی بودن خرید نهاده انرژی چندان موضوعیت پیدا نمی کند. این مسئله حتی در بخش صنعت که قیمت حامل های انرژی در آن گرانتر از بخش خانگی می باشد نیز صادق است. به عبارت بهتر از آن جهت که کشور ما خود دارای ذخایر اصلی انرژی است، چه در بخش صنعت و چه در بخش خانگی هیچگاه قیمت واقعی نهاده های انرژی از مصرف کنندگان دریافت نمی شود.

نمودار زیر که بیانگر شاخص وابستگی به خالص واردات سوخت های فسیلی و کل انرژی در کشورهای مختلف جهان است به خوبی این نکته را نشان می دهد. این نسبت بیانگر خالص واردات هر حامل انرژی به عرضه انرژی اولیه آن حامل انرژی می باشد. اعداد منفی بیانگر خالص صادرات هستند. اعداد بزرگتر از ۱۰۰ نیز مربوط به تغییرات موجودی انبار حامل های انرژی می باشد. همان طور که مشاهده می شود کشورهای عمده صنعتی دنیا نظیر آلمان، انگلستان و ایالت متحده آمریکا عمدتاً وارد کننده انرژی هستند و کشور ایران در کنار کشورهای عربستان سعودی و روسیه صادر کننده خالص انرژی می باشد. با توجه به مطالب ذکر شده و نمودار شماره یک بنا بر نظر اکثر کارشناسان اقتصادی اصلاح الگوی قیمت های حامل های مختلف انرژی اولین راه در اصلاح این الگوی مصرفی غلط است.

وضعیت انرژی در حوزه صنعت

عمده انرژی های مورد استفاده در بخش صنعت را انرژی های فسیلی با محوریت نفت و گاز طبیعی تشکیل می دهند. در ارزیابی های کارشناسان بیان شده است که حدود ۸۸ درصد انرژی نهایی مورد نیاز صنایع کشور را انرژی های فسیلی از نوع نفت و گاز طبیعی تشکیل می دهند. انرژی نهایی بیانگر میزان انرژی مصرف شده توسط آخرین واحد مصرف کننده می باشد. به عبارت بهتر میزان انرژی که پس از تبدیل حامل های مختلف انرژی اولیه نظیر نفت، گاز، زغال سنگ و... در اختیار مصرف کنندگان نهایی قرار می گیرد را انرژی نهایی می نامند. در این میان نیروگاه ها و پالایشگاه ها و صنایع مرتبط با وزارت نفت که عمدتاً دولتی هستند نیز بخش مهمی از مصرف انرژی های فسیلی کشور را بر عهده دارند که در آمارهای مربوط به مصرف نهایی مدنظر نمی باشند.

در سطح کلان بخش صنعت بعد از بخش خانگی و حمل نقل سومین بخش مصرف کننده انرژی در ایران است. به طور تقریبی حدود ۲۰ درصد انرژی عرضه شده در کشور در بخش صنعت استفاده می شود که البته اگر آمار حمل و نقلی که در خدمت صنعت قرار دارد نیز محاسبه شود، این رقم به حدود ۲۸ درصد می رسد. چنانچه نیروگاه ها و پالایشگاه ها



فراتر از متوسط جهانی

نگاهی به میزان مصرف انرژی در صنعت ایران

• سید جعفر حسینی

استفاده از انرژی در صنعت می تواند جنبه مصرفی داشته باشد. هدف اصلی این مقاله بررسی شرایط کلی حاکم بر وضعیت انرژی در ایران، خصوصاً در حوزه صنعت می باشد، اما در برخی قسمت های مقاله به علت فرابخشی بودن مسأله انرژی ورود مختصری به حوزه های دیگر مصرف انرژی نظیر خانوار و بنگاه های تجاری نیز خواهیم داشت.

وضعیت کلی استفاده از انرژی در ایران

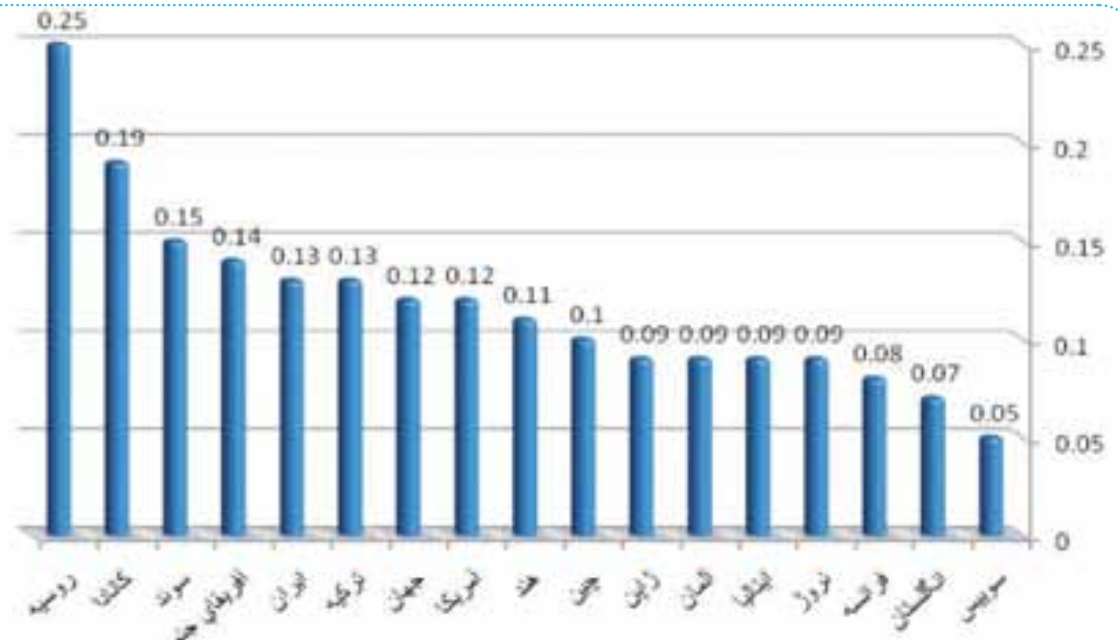
بنا بر اعتقاد اکثر مسئولان و صاحب نظران حوزه انرژی، یکی از الگوهای غلط مصرفی انرژی در ایران، اولویت دادن به بخش خانگی در مصرف انرژی می باشد. وحال آنکه که عموماً در کشورهای توسعه یافته اولویت مصرف انرژی در بخش صنعت است. دلیل اصلی این مسئله را در دو عامل زیر می توان جستجو کرد:

در ایران برخلاف کشورهای صنعتی، قیمت حامل های انرژی در بخش خانگی ارزان تر از بخش صنعتی است که این نحوه تخصیص بارانه های انرژی باعث کندتر شدن موتور رشد اقتصادی کشور می شود.

۲- از دید کارشناسان حوزه انرژی، دومین دلیل و شاید مهم ترین دلیل ایجاد الگوی اشتباه فوق الذکر این است که ما عرضه کننده مهم ترین حامل های انرژی در دنیا هستیم. در حالی که کشورهای

بخش صنعت با ایجاد ارزش افزوده ای در حدود ۲۵ درصد از ارزش افزوده کل اقتصاد کشور، بعد از بخش خدمات بیشترین نقش را در رشد اقتصادی کشور داراست و در این میان انرژی از عوامل موثر اصلی توسعه صنعتی می باشد. در طی سال های اخیر عمدتاً نگاه به انرژی همگام و مرتبط با توسعه صنعتی کشور و شهری شدن کشور بوده است. به عبارت بهتر تا قبل از حرکت کشور به سمت افزایش کارخانجات و تولیدات صنعتی و متعاقب آن افزایش جمعیت شهرها و افزایش تقاضا، نگاه به مقوله انرژی در کشور نیز چندان حایز اهمیت نبود. از سوی دیگر نگاه بخشی و جزیره ای به انرژی خود ریشه بسیاری از مشکلات جاری در کشور است و بنابراین نمی توان اصلاح الگوی مصرف در بخش صنعت را مجزا از سایر حوزه ها در نظر گرفت.

نکته کلیدی در بخش صنعت این است که اصلاح الگوی مصرف در حوزه انرژی و در بخش صنعت، به معنای اصلاح الگوی تولید در این حوزه نیز می باشد. به عبارت بهتر چنانچه بخواهیم یک نگاه اقتصاد کلان به صنعت در کنار سایر بخش های اقتصادی جامعه داشته باشیم، استفاده صحیح از انرژی در حوزه صنعت مستلزم تولید بهینه می باشد و مصرف انرژی در این حوزه یک مقوله تولیدی خواهد بود. اما چنانچه نگاهی بخشی به حوزه صنعت داشته باشیم،



نمودار ۲: شدت مصرف انرژی در بخش صنعت برحسب (Koe/\$ppp) به ارزش افزوده

همان طور که بیان شد بر اعتقاد کارشناسان حوزه انرژی قیمت های کنترل شده دولتی و پرداخت یارانه های بیش از اندازه به حامل های انرژی، باعث تخصیص غیر بهینه انرژی به حوزه های مختلف مصرفی در کشور شده است و به اشتباه بخش خانگی اولویت بیشتری نسبت به بخش صنعت دارد. این مسئله خود ریشه اصلی بالا بودن شدت انرژی در ایران می باشد که موجبات ایجاد الگوهای غلط مصرفی را بدون توجه به مزیت های نسبی کشور در حوزه صنعت فراهم ساخته است. هم چنین عمده مصرف انرژی در بخش حمل و نقل مربوط به سوخت خودروهای شخصی و شهری می باشد که صرفا ارزان بودن قیمت حامل های انرژی موجب مصرف بی رویه این امر را فراهم ساخته است و موجب کاهش ارزش افزوده لازم برای کشور شده است. در مقابل کشورهای صنعتی عمده انرژی مصرفی خود را در بخش صنعت مورد استفاده قرار داده اند و بخش خانگی نقش کمتری در مصرف انرژی آنها دارد. مثالی که می توان در این باره بیان کرد کشور کره جنوبی است که بیش از ۵۰ درصد انرژی وارداتی خود را در بخش صنعت مصرف می نماید و بخش خانگی در آن کشور از اهمیت کمتری نسبت به بخش های دیگر برخوردار می باشد. بنابراین به نظر عمده صاحب نظران انرژی اولین و مهم ترین قدم در اصلاح الگوی مصرفی انرژی در صنایع اصلاح سیستم قیمت گذاری حامل های مختلف انرژی می باشد تا با استفاده از علامت دهی درست قیمت ها در این بخش، مصرف در حوزه انرژی نیز بهینه گردد.

سوی دیگر ضریب انرژی نیز بیانگر نسبت رشد شدت انرژی به رشد ناخالص داخلی یک کشور می باشد که افزایش این شاخص نیز نشانگر نامطلوب بودن نحوه تخصیص انرژی در یک کشور می باشد. در کشورهای صنعتی عموما این شاخص کمتر از یک می باشد در حالی که در ایران این شاخص به حدود ۱/۷ نزدیک شده است. البته در این میان نحوه محاسبه تولید ناخالص داخلی کشورها نیز مهم می باشد. چنانچه دو کشور خاص را مورد مقایسه قرار دهیم از دو روش مختلف می توان در محاسبه تولید ناخالص داخلی استفاده کرد. این دو روش عبارتند از:

روش برابری قدرت خرید (PPP)

۲- استفاده از نرخ های ارز بازارهای مالی. بنابراین محاسبه این شاخص ها خصوصا شدت انرژی کاملا تحت تاثیر این نکته قرار خواهد داشت. نهادهای بین المللی نظیر صندوق بین المللی پول استفاده از روش PPP را مطلوب تر از روش دیگر می دانند.

نمودار شماره (۳) مقایسه ای بین میزان شدت مصرف انرژی در بخش صنعت با سایر کشورهای جهان نشان می دهد. با توجه به آمار مربوط به میزان شدت انرژی در ایران و مقایسه آن با میزان شدت انرژی در حوزه صنعت، به نظر می رسد وضعیت استفاده از انرژی در حوزه صنعت در مقایسه با متوسط جهانی مطلوب تر از سایر حوزه ها باشد. همان طور که ملاحظه می شود در این نمودار شدت انرژی بر اساس تولید ناخالص داخلی با استفاده از روش برابری قدرت خرید مورد محاسبه قرار گرفته است. ماخذ: وزارت صنایع و معادن

و صنایع زیر مجموعه وزارت نفت را نادیده بگیریم (خود این ها می توانند به عنوان نهاده تامین کننده انرژی سایر دستگاه ها شناخته شوند) عمدتا صنایع مربوط به صنایع معدنی شامل فولاد، آلومینیوم، سیمان و مس مصرف کنندگان اصلی انرژی در حوزه صنعت هستند.

ویژگی بارز این صنایع، انرژی بر بودن آنها و مصرف بیش از اندازه انرژی در آنها می باشد. در واقع چنانچه در یک تقسیم بندی کلی صنایع را به چهار گروه صنایع معدنی، صنایع با فناوری پایین، صنایع با فناوری متوسط و صنایع با فناوری بالا تقسیم کنیم عمده صنایع کشور ما از نوع اول می باشند که ویژگی اصلی آنها مصرف بالای انرژی است. همچنین به علت آنکه این صنایع انرژی بر، منطبق با تغییرات تکنولوژیکی دنیا اصلاح و به روز نشده اند، مصرف انرژی در این صنایع در مقایسه با سایر کشورهای تولید کننده این نوع فلزات و مواد معدنی بالاتر می باشد. نمودار شماره ۲ به خوبی این مسئله را در مورد یکی از حادترین این صنایع یعنی صنعت فولاد نشان می دهد. در مورد سایر صنایع کشور نظیر صنعت سیمان مسئله به وخامت صنعت فولاد نمی باشد اما باز هم میزان مصرف انرژی در این صنایع نسبت به کشورهای صنعتی دنیا بالا است.

بنا بر نظر کارشناسان، تخصیص یارانه های انرژی به صنایع کشور باعث شده است که عملا در این صنایع بهینه سازی مصرف انرژی و بهبود ساختار تکنولوژیکی مدنظر نباشد و بنابراین آمار اتلاف انرژی در این صنایع از متوسط جهانی فراتر رود. همچنین این مسئله باعث شده است بسیاری از صنایع انرژی بر به طور کاذب در ایران دارای مزیت تلقی شوند و حال آنکه در صورت اصلاح سیستم قیمت های حامل های انرژی در بخش صنعت، عملا مرقوم به صرفه بودن این تولیدات مورد تردید قرار می گیرد.

مقایسه نحوه تخصیص انرژی در حوزه های مختلف در ایران و جهان

عموما برای مقایسه وضعیت انرژی بین کشورهای مختلف اقتصادی نمی توان از میزان رشد مصرف انرژی یا میزان مطلق مصرف انرژی بهره جست. علت اصلی آن را بایستی در این نکته جستجو کرد که انرژی یکی از نهاده های اصلی تولید در هر کشور خصوصا تولیدات صنعتی می باشد. پس فی نفسه، افزایش مصرف انرژی در کشوری خاص، خصوصا کشورهای در حال توسعه، نمی تواند بد تلقی شود. بلکه در این میان آنچه که حایز اهمیت می باشد تخصیص انرژی به بخش های مختلف می باشد. بر این اساس عموما از دو شاخص شدت انرژی و ضریب انرژی استفاده می شود. شدت انرژی بیانگر نسبت مصرف انرژی به تولید ناخالص داخلی می باشد که هر چه این میزان افزایش یابد حاکی از تخصیص نامناسب انرژی در یک کشور دارد. به عبارت بهتر افزایش این شاخص بیانگر افزایش تخصیص انرژی به بخش های غیر تولیدی در اقتصاد می باشد. از

جدول ۱ شاخص خالص واردات برخی حامل های انرژی در کشورهای مختلف جهان - سال ۲۰۰۴ (واحد: درصد)

نام کشور	نفت	گاز	زغال سنگ	کل انرژی
آلمان	۹۵/۷۵	۸۴/۳۴	۳۲/۲۷	۶۱/۵۲
اندونزی	۱۳/۵۹	-۹۸/۳۴	-۲۶۵/۶۷	-۴۷/۹۵
انگلستان	-۱۵/۴۵	۱/۶۷	۶۰/۲۵	۴/۹۴
آمریکا	۶۵/۹۶	۱۵/۴۵	-۱/۳۵	۳۰/۴۰
ایران	۱۹۵-۴۳	۰/۴۳	۲۷/۵۹	-۸۲/۶۵
ترکیه	۹۳/۰۵	۹۶/۹۰	۵۰/۰۴	۷۰/۲۰
چین	۴۶/۴۶	-۴/۲۸	-۵/۶۰	۵/۵۹
ژاپن	۱۸/۷۰	۹۶/۲۲	۱۰۰/۰۰	۸۱/۸۶
عربستان	-۴۶۵/۱۱	-	-	-۲۹۰/۱۳
روسیه	-۲۴۹/۳۱	-۴۵/۰۹	-۲۶/۷۵	-۷۹/۶۵
فرانسه	۹۸/۵۱	۹۶/۳۲	۹۴/۴۵	۵۰/۴۵
کره جنوبی	۹۹/۴۹	۱۰۲/۴۹	۱۰۰/۳۲	۱۸/۶۴
هندوستان	۶۹/۲۷	-	۸/۹۲	۱۸/۴۷



صنعت

وبایسنه‌های اصلاح قیمتی انرژی

• سید جعفر حسینی

نقل به کلی حذف می‌گردد. این مبنای متغیر تقسیم بندی در آمارهای ارایه شده از سوی نهادهای مسئول، همواره موجبات سردرگمی برای تصمیمات کارشناسی خواهد بود. نبود تعاریف مشخص از این مرزبندی‌ها همواره موجبات گمراهی تصمیمات و سیاست‌های اتخاذی در این حوزه را فراهم ساخته است.

به نظر می‌رسد ابتدا بایستی تعاریف و مرزهای مشخصی از هر کدام از این حوزه‌ها بیان شود، سپس به بررسی وضعیت مصرف انرژی در ایران در بخش‌های مختلف پرداخت. مبنای این تقسیم بندی‌ها نیز عمدتاً به تقسیم بندی‌های کشورهای صنعتی، خصوصاً آمریکا بر می‌گردد که مصرف انرژی را بر اساس سه حوزه خانگی و تجاری، حمل و نقل و صنعتی تقسیم بندی می‌کنند. اما بایستی توجه داشت که در این تقسیم بندی‌ها آمارهای بخش خانگی و تجاری به تفکیک قابل مشاهده می‌باشد. ثانیاً مبنای تقسیم بندی‌ها در آنجا با توجه به شرایط ساختاری اقتصاد کشورهای صنعتی بوده است. به طور مثال بخش کشاورزی در ایران خود یکی از بزرگترین مصرف کنندگان انرژی است که بنا بر برخی آمارهای وزارت نیرو حدود ۱۴ درصد مصرف نهایی انرژی در ایران را به خود اختصاص می‌دهد. یقیناً مشکلات و مسایل ساختار سنتی بخش کشاورزی در ایران با ساختار کاملاً صنعتی کشاورزی در آمریکا قابل مقایسه نخواهد بود. بنابراین نمی‌توان به سادگی از کنار این مسئله گذشت که هرگونه تصمیم گیری در حوزه انرژی چه اثراتی مهمی را می‌تواند بر این بخش برجای بگذارد. از سوی دیگر به نظر اینجانب بخش خانگی و تجاری دو بخش کاملاً متفاوت و با اهداف متفاوت می‌باشند. در یک سو مصرف انرژی صرفاً مرتبط با جنبه‌های رفاهی خانواده‌ها نظیر یخچال فریزرها و ... را دارد ولی در سوی دیگر، در بخش تجاری مصرف انرژی به عنوان یکی از نهادهای خدماتی اولیه برای فروش بیشتر و کسب ارزش افزوده بیشتر می‌باشد. بنابراین مصرف انرژی در یک سو جزء هزینه‌های مصرفی می‌باشد اما در سوی دیگر جزء هزینه‌های تولیدی می‌باشد.

چگونه ما می‌توانیم دو گروه با دو هدف و انگیزه متفاوت را یکسان در نظر گرفته و با اعمال یک نوع سیاست مشترک برای هر دو حوزه، قصد اصلاح مصرف را داشته باشیم. در یک گروه که بخشی از صاحبان سرمایه در جامعه، اعضای اصلی آن می‌باشند تغییرات قیمت انرژی به سرعت در هزینه‌های تولیدی آنها محاسبه می‌گردد و صرفاً باعث بالا رفتن قیمت تمام شده کالاهای آنها می‌گردد. اما گروه دوم که هم مصرف کننده کالاهای گروه اول هستند و هم خود از انرژی در بخش‌های خانگی مختلف استفاده می‌کنند در دو حوزه متحمل ضرر و زیان می‌شوند. البته گروه اول از بعد دیگری نیز جزء گروه دوم محاسبه می‌شوند. بدین صورت که گروه اول نیز در منازل خود مصرف کننده خانگی محسوب می‌شوند. هر چند آنها نیز در این میان از این بعد دچار زیان می‌گردند اما عمده نگاه ما متوجه گروه و اقشاری از جامعه می‌باشد که صرفاً درآمدهای ثابتی را دریافت می‌کنند و نمی‌توانند همزمان با تغییرات قیمت انرژی درآمدهای خود را تعدیل نمایند. بنابراین با یک نگاه کاملاً ابتدایی مشخص می‌شود که در نظر نگرفتن طبقات و اقشار مختلف جامعه هدف یک نوع سیاست، چه اثراتی را می‌تواند در هدف گذاری ما به جای بگذارد.

در طی سال‌های اخیر نگاه به انرژی همگام و مرتبط با توسعه صنعتی کشور و شهری شدن کشور بوده است. به عبارت بهتر تا قبل از حرکت کشور به سمت افزایش کارخانجات و تولیدات صنعتی و متعاقب آن افزایش جمعیت شهرها و افزایش تقاضا، نگاه به مقوله انرژی در کشور نیز چندان حایز اهمیت نبود. این نوع نگرش به مسئله انرژی در کشور را شاید بایستی عامل اصلی بسیاری از مشکلات فعلی در این حوزه دانست. پیامد این مسئله عدم تربیت نیروی انسانی متخصص، عدم توجه به مقوله انرژی‌های موجود در این بخش، عدم توجه به وجود اقتصاد سیاسی خاص نفت و گاز در ایران و بسیاری از مشکلات دیگر بوده است.

اما نکته عجیب تری در نگاه جاری به مقوله انرژی وجود دارد؛ برنامه ریزان بدون توجه به ساختارها، قوانین، ماهیت حامل‌های انرژی و سایر ویژگی‌های منحصر به فرد این حوزه در مقایسه با سایر حوزه‌های اقتصادی، سعی می‌کنند با استناد به تئوری‌های اولیه اقتصادی، قیمت و تغییرات قیمتی را تنها راه حل بالا رفتن بازده مصرف انرژی در کشور و تغییر الگوی مصرفی قلمداد کنند. ریشه اصلی این مسئله را بایستی در عدم شناخت سیاستگذاران از نوع و کیفیت انواع حامل‌های انرژی و تفاوت ماهیت اقتصادی این کالاهای با سایر کالاهای دانست. در این مقاله سعی می‌شود با ذکر انتقادات وارد بر رویکرد حاکم در تغییر الگوی مصرفی در جامعه نشان داده شود که اتکالی صرف بر عامل قیمتی و عدم توجه به مسایل خردتر در حوزه انرژی، خود می‌تواند باعث ناکارآمدی بیشتر گردد.

۱- اصلاح قیمت باید بر اساس گروه‌های هدف باشد

به نظر می‌رسد طرفداران تغییرات اصلاح الگوی مصرف از طریق اصلاح الگوی قیمتی، عدم وجود قیمت‌های کارا را عامل اصلی تخصیص غیر بهینه انرژی و در نتیجه الگوی مصرفی نادرست در ایران قلمداد می‌کنند و تنها راه برون رفت از این معضل را آزاد سازی قیمت حامل‌های انرژی به سطح قیمت‌های جهانی بیست می‌کنند. البته بایستی توجه کرد که این به معنای آن نیست که قیمت‌ها در اقتصاد به هیچ عنوان سیگنال و علامت درستی را بیان نمی‌کنند. بلکه تکیه صرف و ساده سازی‌های گسترده و عدم توجه به مسایل خرد و زیر ساخت‌ها است که کارایی این ابزار را در برخی موارد دچار اشکال می‌کند.

اصولاً در باب وضعیت کلی استفاده انرژی در ایران همواره ابهاماتی وجود دارد. به طور مثال در آمارهای منتشره از سوی وزارت نیرو و یا سایر نهادهای مسئول، بخش خانگی، تجاری و عمومی در کنار یکدیگر دیده می‌شوند و هیچگاه آمار مجزایی در باب میزان مصرف هر یک از این بخش‌ها از انرژی‌های مختلف در ایران مشاهده نمی‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد زمانی که صاحب نظران و مسئولان حوزه انرژی بحث از بخش خانگی می‌کنند آمار بخش‌های تجاری و بعضاً عمومی نیز در آن مستتر است. همچنین مبنای تقسیم بندی‌ها در آمارهای منتشره متغیر است. به طور مثال در یک تقسیم بندی بخش خانگی و تجاری را در کنار سایر بخش‌ها قرار می‌دهند و در تقسیم بندی دیگر بخش عمومی نیز به آن اضافه می‌شود. در برخی نمودارهای مرتبط با سهم هر بخش در مصرف نیز بخش خانگی به تنهایی در کنار بخش عمومی قرار دارد و بخش حمل و

۲- اصلاح مبنای بر ویژگی‌های منطقه‌ای

اصولاً مقایسه، زمانی امکان پذیر خواهد بود که دو شیء با ساختارهای مشابه در کنار یکدیگر قرار گرفته باشند که ویژگی‌های مشترک فراوانی را دارا باشند نه آنکه صرفاً با تکیه بر یک سری آمار و ارقام سعی در مقایسه دو کشور با ساختارهای کاملاً متفاوت نمود. در بحث انرژی نیز مقایسه‌هایی که بعضاً بین ایران و برخی کشورهای صنعتی نظیر کره جنوبی انجام می‌شود کاملاً ناهمگون به نظر می‌رسد. به طور مثال بیان می‌شود که در کره جنوبی بیش از ۵۰ درصد انرژی وارداتی در بخش صنعت مصرف می‌گردد و بخش خانگی از اولویت کمتری برخوردار است. این در حالی است که بخش خانگی در ایران از اولویت بالاتری برخوردار است. آنگاه نتیجه گیری می‌شود به علت آنکه در کره جنوبی یارانه‌ای به حامل‌های انرژی پرداخته نمی‌شود، نظام قیمت‌ها خود به خود تخصیص بهینه را پدید آورده است. اولاً مقایسه ایران با موقعیت استراتژیک خاورمیانه و ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی خاص که در ادامه به آن اشاره می‌شود با کشوری نظیر کره جنوبی کمی محل تامل می‌باشد. در باب موقعیت استراتژیک ذکر این نکته که ایران دارای بیش از ۱۱ درصد ذخایر نفتی و حدود ۱۶ درصد ذخایر گازی دنیا می‌باشد بسیار حایز اهمیت می‌باشد. همان طور که مشخص است، این شرایط خاص برای ایران و برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس که مجموعاً در حدود ۶۵ درصد ذخایر نفتی دنیا را در اختیار دارند، متضمن نوعی اقتصاد سیاسی خاص می‌باشد که شواهد آن نیز در بحران‌های اخیر خاورمیانه کاملاً مشهود است و اعمال سیاست‌های اقتصادی کلان در سطح کشور، بدون توجه به عواقب سیاسی آن خصوصاً در حوزه انرژی می‌تواند منشأ بحران‌ها و اثرات جبران ناپذیری باشد. ثانیاً چنانچه مقایسه بر اساس تفاوت بین ایران با کشوری صنعتی مدنظر باشد، می‌توان کشورهایی صنعتی دیگری نظیر آمریکا را نام برد که بخش خانگی و تجاری در آن سهم بیشتری از بخش صنعتی در مصرف انرژی دارا می‌باشد. پس صرف یک مقایسه ناهمگون و استناد به آن برای اعمال یک سیاست کلان که می‌تواند اثرات بعضاً مخربی بر اقتصاد ملی از قبیل تغییرات شدید توزیع درآمدها بگذارد نمی‌تواند مبنای تصمیم گیری قرار گیرد.

۳- اصلاح متکی بر آمار بخشی به جای آمار کلی

یکی از اشکالاتی که در بحث انرژی مطرح می‌باشد معادل سازی‌های گسترده در این حوزه می‌باشد. به عبارت بهتر در حالی که ماهیت نفت و فرآورده‌های نفتی کاملاً متفاوت از ماهیت گاز طبیعی، زغال سنگ و ... می‌باشد، سعی می‌شود که با یک سری تبدیلات مشخص معادل میلیون بشکه نفت خام واحد انرژی را به دست آورد. آن گاه به مقایسه بین دو مکان و یا زمان مشخص پرداخت. فارغ از مشکلات مبنایی این کار، نکته‌ای که بیشتر مورد نظر می‌باشد این است که سیاستگذاران به صرف تکیه بر این آمارهای یکسان شده نمی‌توانند توجه کافی به اجزای مختلف مصرفی داشته باشند و نقش گروه‌های مختلف هدف در مصرف حامل‌های انرژی را متوجه شوند. به طور مثال، با نگاهی دقیق به آمارهای تفکیکی حامل‌های انرژی، متوجه می‌شویم که بخش خانگی و تجاری عمدتاً در حوزه

گاز طبیعی مصرف کننده حامل‌های انرژی هستند نه در حوزه‌های نفتی و فرآورده‌های نفتی. از سوی دیگر بخش حمل و نقل در ایران عمدتاً مصرف کننده نهایی نفت و فرآورده‌های نفتی می‌باشد.

در حوزه برق نیز اگر چه بخش خانگی و تجاری مصرف کننده عمده می‌باشند اما تفاوت در میزان استفاده بین بخش خانگی و تجاری با بخش صنعتی به شدت حوزه گاز طبیعی نمی‌باشد. به طوری که بخش خانگی ۳۲/۹ درصد از مصرف برق را بر عهده دارد و بخش صنعت ۳۲/۴ درصد از مصرف برق کشور را بر عهده دارد. البته اگر بخواهیم دقیق‌تر نیز عمل کنیم باز هم بایستی به آمارهای خردتری توجه کنیم و در بحث فرآورده‌های نفتی به بخش حمل و نقل جاده‌ای، ریلی و هوایی و همچنین نوع سوخت مورد استفاده نیز با دقت بیشتری توجه کنیم. اما به طور اجمالی می‌توان مسایل زیر را بیان کرد. اولاً در بخش حمل و نقل یقیناً تفکیک بین انواع وسایل حمل و نقل بسیار حایز اهمیت می‌باشد. به طور مثال در طی سالیان اخیر دولت‌ها یارانه‌هایی سنگینی را به بخش هوایی در قالب یارانه‌های سوخت و سایر یارانه‌ها پرداخت کرده‌اند که گروه‌های هدف آنها عمدتاً اقشار توانمند و ثروتمند جامعه می‌باشند. یقیناً افزایش قیمت حامل‌های انرژی و در نتیجه افزایش قیمت خدمات ارایه شده از سوی بخش هوایی با بخش ریلی و جاده‌ای که عمدتاً اقشار متوسط و کم درآمد جامعه متقاضی خدمات آن هستند نمی‌تواند اثرات یکسانی داشته باشد. در گروه اول یقیناً تغییر نرخ خدمات تغییر محسوسی بر رفاه افراد مورد نظر نخواهد گذاشت. در حالی که در گروه دوم اثرات محسوسی را برجای خواهد گذاشت.

ثانیاً تفکیک بخش حمل و نقل جاده‌ای و شهری کاملاً ضروری می‌باشد و اعمال یک نوع سیاست بر دو گروه مورد نظر، یقیناً نتایج یکسانی را در بر نخواهد داشت. در گروه حمل و نقل جاده‌ای، تغییرات قیمت حامل‌های انرژی باعث تغییر نرخ خدمات آنها و در نتیجه افزایش قیمت محصولات و کالاهای نهایی می‌گردد. این مسئله خصوصاً در کشوری نظیر ایران که بخش توزیع در آن هزینه‌های سرسام آوری بر قیمت کالاهای تحمیل می‌کند بسیار با اهمیت تر خواهد بود. از سوی دیگر بخش جاده‌ای خود در ایجاد ارزش افزوده دارای نقش می‌باشد. هم چنین بایستی توجه کرد که سیاست‌های حمایتی شدیدی که در طی چند دهه اخیر از صنعت خودروسازی انجام پذیرفته است، باعث ناکارآمدی این صنعت در کشور بوده است. حال سوال این است که آیا ناکارآمدی و بالا بودن میزان مصرف انرژی در خودروهای تولیدی را بایستی از طریق افزایش سطح قیمت‌ها از طریق مصرف کنندگان جبران کرد؟ ثانیاً: کاملاً مشخص است که در تصمیم گیری در بخش خانگی و تجاری، اولویت در بحث مصرف گاز طبیعی و سپس برق می‌باشد و در بخش نفت و فرآورده‌های نفتی عمدتاً بخش صنعت (اعم از صنعت خودروسازی و سایر صنایع) جزء گروه هدف ما می‌باشد. کاملاً مشخص است که در مورد این دو گروه نمی‌توان تصمیمات یکسانی را اتخاذ کرد. در بخش صنعت و حمل و نقل که به نوعی بخش حمل و نقل زیر مجموعه صنایع خودروسازی قلمداد می‌شود، توجه به مزیت‌های نسبی و اصلاح ساختار مدیریتی خود می‌تواند به تنهایی گره از بسیاری از مشکلات این حوزه در اتلاف انرژی بگشاید.

چرا صرفاً می‌خواهیم با راحت‌ترین کار و آن هم تغییرات

های دولتی بنزین را به نرخ تمام شده و لیتری ۴۰۰ تومان دریافت نکرده اند؟ چقدر در تغییر و اصلاح الگوی مصرف در بخش دولتی در این دوره اثر گذار بوده است. همچنین باید توجه کرد که عمده مصرف کنندگان انرژی در بخش عمومی دستگاه های دولتی می باشند. اگر شهرداری ها را نیز به این بخش اضافه کنیم متوجه می شویم بخش عمده مصرف انرژی خصوصاً انرژی برق در بخش عمومی که معمولاً آمارهای آن مستتر در بخش خانگی و تجاری است متعلق به این حوزه می باشد. آیا می توان از مدیریت های آنها توقع صرفه جویی و اصلاح الگوی مصرف داشت در حالی که این دستگاه ها در ارایه بودجه های سنواتی، خود پیشنهاد دهنده بودجه های سالیانه هستند؟ چقدر از خودروهایی پرمصرف دستگاه های دولتی و عمومی طی چند سال اخیر و در طی سال جاری که سال اصلاح الگوی مصرف است، تبدیل به خودروهایی کم مصرف شده است؟ این ها همه نکات و سوالاتی است که تا قبل از جواب دادن به آنها نمی توان تصمیم جامعی در باب اصلاح الگوی مصرف در حوزه انرژی گرفت. بنابراین مشخص می شود که بدون توجه به این نکات تصمیم گیری در مورد حوزه انرژی در بخش صنعت نمی تواند موجبات تخصیص بهینه انرژی را فراهم سازد. و حتی خود می تواند موجبات تغییرات شدید قیمت های نسبی در اقتصاد و تغییر شدید توزیع درآمدها در اقتصاد گردد که زمینه ساز بسیاری از مشکلات اجتماعی دیگر در جامعه می گردد.

ورود این صنایع به کشور نه تنها باعث عدم توجه کافی به این صنایع و در نتیجه نابودی بخش عمده ای از این صنایع که تا قبل از ورود درآمدهای نفتی به اقتصاد ما تراز تجاری مثبت برای کشور را فراهم می کردند شد، بلکه خود نیز معضلات بعدی فراوانی نظیر اتلاف انرژی و اثرات زیست محیطی بر اقتصاد ملی تحمیل کرد. متأسفانه بنا به توجیهات مختلف از جمله اشتغال، این سیاست بدون جنگ تحمیلی و در طی سالیان اخیر، این سیاست بدون در نظر گرفتن یک بسته سیاستی کامل در بخش صنایع با شدت بیشتری پیگیری شده است. در بحث پیرامون این مسئله به همین مقدار اکتفا می کنیم. اما نکته ای که در این باب بیشتر مورد تأکید ما می باشد این است که مدیریت و مالکیت عمده این صنایع و حتی سرمایه گذاری های مجدد در این صنایع باز هم توسط دولت ها انجام گرفته است. بنابراین با در نظر گرفتن سهم عمده این صنایع در صنایع کشور ما (البته اگر صنایع پتروشیمی و نیروگاهی که آنها هم دولتی هستند را نادیده بگیریم) تکیه بر نقش صرف قیمت ها در اقتصاد در جهت اصلاح الگوی مصرف که پیش فرض اصلی آن در اقتصاد وجود بخش خصوصی فعال می باشد کمی محل تامل است. به عبارت بهتر همان طور که در سطور قبلی ذکر شد، مشکل اصلی صنایع ما ضعف مدیریت می باشد و گر نه در صناعی نظیر پالایشگاه ها که نهاده اولیه نیز رایگان داده می شود چه توجیهی در کاهش بازدهی سالیانه خواهیم داشت؟ مگر در سالیان اخیر دستگاه

بنابراین مشاهده می شود همان طور که ایجاد این نگاه ضد فرهنگی در جامعه خود در ظرف زمانی چند ساله ایجاد شده است، تغییر این نگاه نیز مستلزم زمان است.

۵- مشکل صنعت، مصرف بالای انرژی با بازدهی پایین

نکته ای که عمدتاً توسط صاحب نظران مورد غفلت قرار می گیرد این است که عمده صنایع انرژی بر ما صنایع متکی بر منابع معدنی می باشد. این که چگونه از دهه ۷۰ میلادی و همزمان با تغییرات شدید قیمت انرژی در دنیا این صنایع به سمت اقتصاد ملی ما سوق داده شدند و خصوصاً در دوران های مختلف اقتصادی وارد اقتصاد ملی ما شدند خود جای بحث گسترده ای را دارد. اما به طور خلاصه و از باب مثال می توان بیان کرد که مثلاً در زمان جنگ که کشور دچار تحریم های شدید بین المللی بوده است و هزینه های بالای جنگ بر بودجه های دولتی سنگینی می کرده است، کارخانه هایی مثل کارخانه آلومینوم اراک با انرژی فراوان وارد کشور شده است که فارغ از مباحث زیست محیطی شدید، باعث مصرف انرژی بالا در ایران شده است. هر چند نحوه ورود این کارخانه و امثال این صنایع و برخی خودروهایی پرمصرف نظیر پاترول در آن مقطع و در اقتصاد ملی خود جای بسی تامل دارد، اما نکته مهم تر این است که کشور ما خصوصاً در صنایع با فناوری پایین مثل صنایع کفش، نساجی و... دارای مزیت ها و پیشینه های تاریخی فراوان بوده است.

جدول ۱: کل مصرف نهایی ایران به تفکیک بخش ها و حامل های انرژی (ماخذ: وزارت نیرو)

۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۷۹	۱۳۷۴	۱۳۶۸	۱۳۵۷	۱۳۵۳	
فراورده های نفتی								
۸۷/۷	۸۹/۴	۹۳/۸	۱۰۱/۳	۱۰۸/۲	۸۶/۵	۵۲/۳	۳۲/۸	خانگی و تجاری
۵۹/۲	۵۳/۵	۵۵/۶	۵۰/۷	۴۵/۳	۶۵/۱	۳۶/۲	۲۲/۳	صنعت
۲۵۲/۳	۲۳۳/۴	۲۲۰/۸	۱۸۳/۳	۱۴۱/۹	۹۰/۱	۵۷/۵	۳۱/۳	حمل و نقل
۲۳/۷	۲۳/۱	۲۳/۴	۲۵/۴	۲۷/۷	۲۶/۲	۱۱/۹	۶/۸	کشاورزی
۴۲/۳	۲۷/۷	۲۰/۶	۲۱/۸	۲۱/۸	۱۱/۹	۹/۷	۵/۵	مصارف غیر انرژی
۴۵۷/۴	۴۲۷/۱	۴۱۴/۱	۳۸۲/۷	۳۴۴/۸	۲۸۰/۰	۱۶۷/۷	۱۰۰/۷	کل مصرف فراورده های نفتی
گاز طبیعی								
۲۲۵/۵	۲۱۴/۱	۱۸۳/۷	۱۳۸/۱	۷۹/۴	۱۶/۸	۱/۳	۰/۱	خانگی و تجاری
۹۸/۱	۸۴/۵	۷۳/۳	۶۲/۵	۷۲/۱	۲۸/۲	۳/۰	۴/۵	صنعت
۱/۹۲	۰/۵۳	۰/۰۵	۰/۰۱	۰	۰	۰	۰	حمل نقل
۴۷/۴	۴۲/۷	۳۱/۱	۲۲/۸	۱۹/۷	۸/۹	۹/۱	۹/۶	مصارف غیر انرژی
۳۶۷/۸	۳۴۱/۹	۲۸۸/۱	۲۲۳/۴	۱۷۱/۲	۵۳/۹	۱۳/۴	۱۴/۲	کل مصرف گاز طبیعی
گاز کک و گاز کوره بلند								
۳/۹	۴/۱	۳/۹	۳/۹	۲/۹	۲/۲	۰	۰	صنعت
۳/۹	۴/۱	۳/۹	۳/۹	۲/۹	۲/۲	۰	۰	کل مصرف انرژی
زغال سنگ								
۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۱۵	۰/۱۵	۰/۱۲	۰/۱	۰/۱	خانگی و تجاری
۸/۶	۸/۴	۸/۳	۸/۲	۷/۶	۵/۹	۳/۰	۳/۳	مصارف غیر انرژی
۸/۷	۸/۵	۸/۲	۸/۶	۷/۷	۶/۰	۳/۱	۳/۴	کل مصرف زغال سنگ
بیوماس جامد								
۲۵/۴	۱/۵	۱/۸	۲/۶	۳/۹	۳/۸	۳/۱	۳/۴	خانگی و تجاری
۲۵/۴	۱/۵	۱/۸	۲/۶	۳/۹	۳/۸	۳/۱	۳/۴	کل مصرف بیوماس جامد
برق								
۴۰/۶	۳۷/۳	۳۲/۸	۲۸/۶	۲۱/۹	۱۶/۰	۴/۸	۲/۴	خانگی و تجاری
۲۶/۸	۲۶/۵	۲۴/۶	۱۹/۴	۱۳/۶	۷/۵	۴/۹	۴/۶	صنعت
۰/۰۷	۰/۰۵	۰/۰۱	۰/۰۱	۰	۰	۰	۰	حمل و نقل
۹/۷	۹/۱	۸/۲	۵/۲	۳/۲	۲/۰	۰/۳	۰/۲	کشاورزی
۴/۵	۳/۱	۲/۸	۲/۲	۱/۱	۰/۹	۰	۰	سایر مصارف
۷۹/۷	۷۶/۰	۷۰/۴	۵۵/۶	۳۹/۷	۲۶/۴	۱۰/۰	۷/۲	کل مصرف برق
کل مصرف نهایی انرژی								
۸۵۷/۷	۷۸۰/۲	۷۲۶/۸	۶۲۳/۷	۵۲۱/۲	۳۴۵/۶	۱۷۵/۵	۱۱۰/۵	کل مصرف نهایی انرژی
۸۵/۲	۷۸/۹	۶۰/۰	۵۳/۱	۴۹/۱	۲۶/۷	۲۱/۷	۱۸/۴	کل مصرف نهایی غیر انرژی
۹۴۲/۹	۸۵۹/۱	۷۸۶/۸	۶۷۶/۸	۵۷۰/۳	۳۷۲/۳	۱۹۷/۲	۱۲۸/۹	کل مصرف نهایی

۴- اصلاح الگوی مصرف انرژی نیازمند نگاه فرهنگی

اصولاً مصرف قبل از آنکه یک پدیده اقتصادی باشد یک پدیده فرهنگی است. با نگاهی به فرهنگ های مختلف از سرزمین های شرق نظیر ژاپن و کره جنوبی تا کشورهای غربی نظیر آمریکا متوجه می شویم یک سری از تفاوت ها و الگوهای مختلف مصرفی ریشه در بحث فرهنگ دارد که یقیناً نمی توان با یک سیاست قیمتی که بیشتر یک نگاه آمرانه و ضربتی می باشد الگوی مصرفی را در یک جامعه تغییر داد و حتی برخی از الگوهای مصرفی در یک جامعه به دلایل فرهنگی و مذهبی نهادینه شده است. در حوزه انرژی نیز برخی نگاه ها به مقوله مصرف را شاید نتوان با هیچ دستورالعملی اصلاح کرد مگر آنکه تغییرات فرهنگی و ایدئولوژیکی در افراد پدید آید. متأسفانه و به مرور زمان و با فاصله گرفتن از ارزش های ابتدای انقلاب، به خصوص بعد از شرایط جنگ و متعاقب سیاست های غلط اقتصادی موسوم به سیاست های تعدیل اقتصادی که اتفاقاً در سرلوحه کار خود آزادسازی قیمت ها را نیز مد نظر قرار داده بود، نگاه های فرهنگی جامعه نیز تغییر کرد که اثرات آن تا به امروز نیز باقی می باشد. بر این اساس نگاه ارزشی به منابع دولتی و ملی جایگزین استفاده های بیشتر از منابع دولتی و سهم خواهی های بیشتر از اموال دولتی به هر بهایی گردید.

اصلاح الگوی مصرف درشش ماهی که گذشت

نگاهی به اخبار انعکاس یافته از دولت و مجلس

• رضا پارسا



• قسمت اعظم یارانه های دولت صرف حوزه انرژی می شود، تا حدی که به گفته وزیر نفت گاهی به مبلغی بیش از بودجه عمومی کشور می رسد

• یکی از مهمترین نکاتی که شامل همه ادارات، سازمانها و دستگاههای دولتی می شود، اتلاف وقت کارمندان و نبود بهره وری در نیروی انسانی است. طبق گفته مدیر عامل اتحادیه تعاونی های مسکن فرهنگیان استان تهران، کارمندان ادارات بیش از ۱/۵ تا ۲ ساعت کار مفید ندارند

از هنگامی که با ابتکار رهبر انقلاب در آغاز سال نو، اصلاح الگوی مصرف در ردیف مهمترین مسائل کشور قرار گرفت، طبق روال نام گذاری های سال های قبل، سخنان فراوانی از سوی مسئولان مختلف کشور درباره اهمیت این نام گذاری، توصیه به مردم، ضرورت های این سال و ... به رسانه های کشور سرازیر شد. اکنون حدود شش ماه از سال اصلاح الگوی مصرف می گذرد و پرسشی که می توان مطرح کرد این است: آیا برنامه ریزان و مدیران کشور، به تناسب مواضع قاطع و روشن ششان، اقدامات موثر و رو به جلویی انجام داده اند یا خیر؟

دولت و صرفه جویی

دولت فعلی از ابتدای روی کار آمدن داعیه جلوگیری از هزینه های اضافی و پرهیز از اسراف و تجمل گرایی را داشته است. یکی از اقدامات مهم دولت در این زمینه هدمندسازی یارانه ها در چارچوب طرح تحول اقتصادی است. همه صاحب نظران عرصه اقتصاد اعم از مخالفان و موافقان دولت معتقدند که این کار تأثیر بسزایی در صرفه جویی منابع حیاتی کشور دارد. شنیده ها حاکی است که لایحه پیشنهادی دولت در این خصوص تا دو سه ماه آینده در دستور کار مجلس قرار خواهد گرفت.

وزارت نفت و صرفه جویی در مصرف سوخت

بدون شک قسمت اعظم یارانه های دولت صرف حوزه انرژی می شود، تا حدی که به گفته وزیر نفت گاهی به مبلغی بیش از بودجه عمومی کشور می رسد. دولت صرفه جویی در این حوزه را از بنزین شروع کرد و توانست با اجرای طرح سهمیه بندی بنزین با استفاده از کارت هوشمند سوخت از تیر ماه سال ۸۶، روزانه حدود ۲۲ میلیون لیتر در مصرف این فرآورده استراتژیک صرفه جویی کند. بنا به اظهارات مدیر عامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران تا کنون حدود ۸/۵ میلیارد دلار از سهمیه بندی بنزین عاید کشور شده است که معادل هزینه ساخت سه پالایشگاه به وسعت پالایشگاه میعانات گازی در خلیج فارس است. البته دولت از طرق دیگر هم سعی کرده مصرف بنزین را کم کند که یکی از آن روشها گاز سوز کردن خودروهاست. طبق آمار مدیر عامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران، جایگزینی سسی آن جی با بنزین در دو سال گذشته موجب صرفه جویی ۷۱۰ میلیون دلاری شده است. از طرفی کارایی بهینه تر موتورهای گازوئیل سوز نسبت به موتورهای بنزینی، دولت را به فکر طراحی و ساخت موتورهای پایه گازوئیل سوز انداخته و به گفته وزیر نفت همکاری هایی در این زمینه میان وزارت نفت و وزارت صنایع در حال انجام است. نودری به این نکته هم اشاره کرده که برنامه اصلاح پالایشگاهها برای تولید گازوئیل با استانداردهای بین المللی از نظر میزان گوگرد اجرایی شده است.

علاوه بر این انجام معاینه فنی خودروهای سبک و سنگین در شهرهای بزرگ میزان مصرف سوخت را ۱۰ درصد و آلودگی هوا را ۴۰ درصد کاهش می دهد. به همین دلیل رئیس ستاد مدیریت حمل و نقل سوخت

شهنازی زاده با اجرای طرح کهاب (جمع آوری و بازیافت بخسارات بنزین) علاوه بر کاهش ضریب خطر در پمپ بنزینها و انبارهای نفت، ۷۳ میلیون لیتر بنزین در سال بازیابی می شود که صرفه جویی اقتصادی معادل ۴۰ میلیارد تومان در پی دارد. ناگفته نماند که مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران با اشاره به راه اندازی سیستم پرداخت الکترونیک در جایگاههای عرضه بنزین و فروش اینترنتی فرآورده های نفتی، از ساخت یک صد جایگاه جدید بنزین نیز تا پایان سال خبر داد. دستاوردهای طرح سهمیه بندی بنزین، دولت را در اندیشه سهمیه بندی گازوئیل فرو برد و سرانجام در آبان ماه ۱۳۸۷، خودروهای دیزلی نیز ملزم به استفاده از کارت هوشمند سوخت شد. وزیر نفت سود حاصل از اجرای این طرح را صرفه جویی ۵ میلیون لیتر گازوئیل در روز اعلام کرده است.

وزارت نیرو و صرفه جویی در برق

سهم دیگر اتلاف انرژی در کشور به صنعت برق تعلق دارد. معاون مدیریت مصرف شرکت توانیر اعلام کرده که برای کاهش مصرف خانگی از سال گذشته تا کنون بیش از ۸۲ میلیون شعله لامپ کم مصرف در میان مردم توزیع شده است. شرکت های منطقه ای برق هم به نوبه خود در کاهش مصرف برق مشارکت داشته اند. طبق آمار داده شده مردم استان سمنان در تابستان گذشته ۸ درصد صرفه جویی داشته اند. گروه های

اجرای خط گرم توزیع برق خراسان جنوبی نیز با صرفه جویی ۴۹۰۰ مگاوات از خاموشی برق جلوگیری کردند و در استان خوزستان هم علاوه بر صرفه جویی ۳۰۰ مگاواتی مردم در دو ماه اول امسال، با جمع آوری ۳۴ هزار انشعاب برق غیر مجاز بیش از ۲ هزار و ۸۶۷ مگاوات صرفه جویی شده است. افزون بر موارد فوق اتصال نیروگاههای سیکل ترکیبی و گازی قانن به شبکه سراسری گاز، صرفه جویی روزانه ۱/۵ میلیون لیتر گازوئیل به ارمان داشته و ساخت نیروگاه سیکل ترکیبی نکاح نیز در سال گذشته موجب صرفه جویی ۳۰۰ میلیون متر مکعب گاز شده است. در بخش گاز نیز شرکت ملی صادرات گاز ایران به دنبال اجرای طرح saveX است. به این معنا که با صرفه جویی در مصرف گاز برای صادرات با هدف بهینه سازی مصرف سوخت و افزایش بازده و توان خروجی نیروگاههای حرارتی کشور سالانه ۵ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار عاید اقتصاد کشور می شود.

وزارت جهاد کشاورزی و صرفه جویی در آب

معمولا وقتی صحبت از صرفه جویی در مصرف آب می شود، همه به یاد مصرف خانگی این ماده حیاتی و نقش ادارات آب و فاضلاب در این باره می افتند. اما بد نیست بدانید که در صرفه جویی آب وزارت جهاد کشاورزی نقشی تعیین کننده تر دارد. علت آن هم مصرف ۹۰ درصد منابع آبی کشور در بخش کشاورزی است. طبق اعلام مرکز پژوهشهای مجلس مقدار آبی

ضمن بررسی چگونگی اتلاف منابع و انرژی در بخش های مختلف راهکارهایی هم در خصوص صرفه جویی آمده است. عناوین این گزارش ها بدین شرح است:

- ۱- ابعاد اصلاح الگو (۸۸/۲/۱۶)
- ۲- برآوردی از اتلاف منابع ملی در طرح های عمرانی (۸۸/۲/۲۰)
- ۳- اتلاف منابع ملی آب (۸۸/۲/۲۱)
- ۴- بررسی اصلاح الگو در صنایع منتخب انرژی بر، بخش معدن و صنایع معدنی (فولاد، مس، آلومینیوم و سیمان) (خرداد ماه ۸۸)
- ۵- اصلاح الگو در مصارف خانگی، روشنایی و برق چاه های کشاورزی (خرداد ماه ۸۸)
- ۶- بررسی الگو و پتانسیل صرفه جویی در صنایع منتخب و انرژی بر کشور (صنایع غذایی، کانی غیر فلزی و فلزات اساسی) (خرداد ماه ۸۸)

• اکنون حدود شش ماه از سال اصلاح الگوی مصرف می گذرد و پرسشی که می توان مطرح کرد این است: آیا برنامه ریزان و مدیران کشور، به تناسب مواضع قاطع و روشن شان، اقدامات موثر و رو به جلویی انجام داده اند یا خیر؟

• کامران، چندی پیش تلاش کرد با ارائه «طرح ملی صرفه جویی» به مجلس دغدغه هایش را جامع عمل ببوشاند که در کمیسیون مربوطه رد شد

مجمع تشخیص مصلحت نظام

مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز تدوین پیش نویس سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف در بخش های مختلف را در دست اجرا دارد. به گفته داوود دانش جعفری عضو کمیسیون اقتصادی مجمع پیش نویس کلیات این طرح در بخش های انرژی و آب تهیه شده و اعضای مجمع در حال تهیه اصلاح الگوی مصرف در سایر بخش ها هستند.

گفت مهندسی ارزش بر تفکر و بویژه تفکر گروهی، خرد جمعی، انتقاد پذیری، خلاقیت، استفاده از نیروهای کاردان و متخصص و بر اجتناب از کلی گویی برای مشخص کردن کارکرد اصلی یک محصول و یا یک طرح عمرانی به منظور یافتن هزینه های پنهان و غیر ضروری تولید یک فرآورده یا خدمات یا فعالیت عمرانی و حذف یا کاستن از هزینه های زاید متمرکز است. اما شاید یکی از مهمترین نکاتی که شامل همه ادارات، سازمانها و دستگاه های دولتی می شود، اتلاف وقت کارمندان و نبود بهره وری در نیروی انسانی است. طبق گفته مدیر عامل اتحادیه تعاونی های مسکن فرهنگیان استان تهران، کارمندان ادارات بیش از ۱/۵ تا ۲ ساعت کار مفید ندارند. این مسئله ای است که نماینده ولی فقیه در سیاه پاسداران انقلاب اسلامی هم آن را گوشزد کرده است.

اصلاح الگوی مصرف از جنس ورزشی

اصلاح الگوی مصرف دامنگیر ورزش هم شده است. مدیرعامل باشگاه سایپا اعلام کرده که در هزینه های فوتبالی این باشگاه ۱۵ تا ۲۰ درصد صرفه جویی کرده است.

مجلس و اصلاح الگوی مصرف

اصلاح الگوی مصرف نزد نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی نیز مهم بوده و در این باب صحبت های فراوانی کرده اند. مخبر کمیسیون اصل نود مجلس صرفه جویی را یکی از راه های دستیابی به افق چشم انداز ۲۰ ساله کشور دانسته است. عضو هیات رییس مجلس هم اظهار داشته که باید در رابطه با مصرف صحیح، اقدامات کنترلی و محدودیت های قانونی صورت گیرد که مجلس می تواند از لحاظ قانونی برای برخی از مصرف کنندگان تحریم در نظر گیرد تا در چارچوب آن مقررات مردم خود را وفق داده و به اصلاح الگوی مصرف بپردازند؛ چرا که در این شرایط چنین مقرراتی جامعه را به سمت سلامت و بهتر استفاده کردن سوق خواهد داد.

حسن کامران نماینده اصفهان در گفتگویی با خبرگزاری فارس فصلی مشعب درباب صرفه جویی صحبت کرده است. از کاهش تعطیلات مجلس و استعفای نمایندگان دو شغله از مسئولیت های غیر نمایندگی گرفته تا لغو سفرهای غیر ضروری نمایندگان و سایر مقامات در داخل و خارج از کشور، تعطیلی نثریات موزایی و غیر ضروری در سازمان های مختلف، پرهیز از همایش های غیر ضروری و... اما گذشته از حرف های زیبا باید دید که در عرصه عمل و قانونگذاری مجلس چه گام هایی توانسته بردارد. ضمنا کامران، چندی پیش تلاش کرد با ارائه «طرح ملی صرفه جویی» به مجلس دغدغه هایش را جامع عمل ببوشاند که در کمیسیون مربوطه رد شد. وی اعلام کرده که می توان با متناسب کردن این طرح با شرایط فعلی آن را دوباره مطرح کرد. مهدی مهدیزاده عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در ۱۹ فروردین ماه سال جاری اعلام کرد که این کمیسیون ظرف مدت ۵ روز برنامه ای جهت نهادینه کردن الگوی صحیح مصرف ارائه می دهد که هنوز از نتیجه آن اطلاعی در دست نیست.

طرح های مرتبط با اصلاح الگوی مصرف در مجلس

همچنین ۴ طرح امسال به مجلس ارائه شده که با موضوع اصلاح الگوی مصرف بی ارتباط نیست. از این میان دو طرح با نام های «ساماندهی نظام اداری دولت» و «ساماندهی ارتقاء بهره وری دستگاه های اجرایی دولتی» به دنبال کاهش تعداد وزارتخانه ها و ادغام آنها در یکدیگر به منظور افزایش بهره وری، صرفه جویی، پاسخگویی سریع و تسریع در تصمیم سازی است. طرح سوم «اصلاح قانون احداث تونل مشترک شهری، مصوب ۱۳۷۲» است که هدف از ارائه آن جلوگیری از هزینه های حفاریهای متعدد توسط دستگاه های خدمت رسانی، ترمیم و نگهدار آسفالت و... اعلام شده است. آخرین طرح هم «تشکیل ستاد دبیرخانه دائمی تحقق اهداف نامگذاری سالانه» نام دارد. طبق این طرح برای تحقق اهداف نامگذاری سالانه ستاد و دبیرخانه دائمی تشکیل می گردد تا ضمن برنامه ریزی برای عینیت بخشیدن به اهداف نامگذاری سالها نسبت به پیگیری و نظارت بر عملکرد دستگاهها و نهادینه کردن آن در جامعه و... اقدام نماید. گفتنی است که طرح های ذکر شده در کمیسیون های مربوطه در حال بررسی است. مرکز پژوهش های مجلس هم از ابتدای امسال ۶ گزارش درباره اصلاح الگوی مصرف ارائه کرده است، که در آن

که با افزایش ۵ درصدی راندمان کاربردی آب در این بخش صرفه جویی می شود، معادل کل نیاز بخش های دیگر است. به همین منظور مشاور وزیر جهاد کشاورزی از اختصاص ۴۵۰ میلیارد تومان اعتبار به منظور اجرای طرح های جدید در راستای صرفه جویی آب در سال اصلاح الگوی مصرف خبر داده است. در استان تهران هم استانداری تهران طی ابلاغیه ای تمام ادارات، سازمانها، مراکز آموزشی،... را مکلف به استفاده بهینه از منابع انرژی بخصوص آب کرده است.

صرفه جویی های ناشی از ساماندهی نیروی انسانی در آموزش و پرورش

به گفته معاون برنامه ریزی و توسعه مدیریت وزارت آموزش و پرورش اجرای طرح ساماندهی نیروی انسانی موجب صرفه جویی ۵۵۴ میلیارد تومان در اعتبارات این وزارتخانه شده است. همچنین رئیس مؤسسه آموزش از راه دور وزارت آموزش و پرورش هم اعلام کرده که در مدت ۴ سال فعالیت این مؤسسه ۳۲۱ میلیارد تومان در امر آموزش صرفه جویی شده است. علاوه بر این طبق اعلام سرپرست تشکلهای دانش آموزی کشور برای نخستین بار در هزینه های برگزاری اردوهای ملی فرزندان و پیشستانان یک میلیارد تومان صرفه جویی صورت پذیرفته است.

حمایت از پایان نامه های با موضوع اصلاح الگوی مصرف در آموزش عالی

مشاور رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران و دبیر ستاد نوآوری دانشگاه اعلام کرده که طبق محاسبات اولیه راه اندازی سازمان مجازی دانشگاه علوم پزشکی تهران ۸۰۰ میلیارد تومان صرفه جویی در مصرف کاغذ و جایجایی به همراه داشته است. این مسئله باعث شده تا آموزش مجازی در دستور کار دانشگاه پیام نور قرار گیرد. همچنین برخی از دانشگاه های کشور نظیر دانشگاه تبریز، دانشگاه زابل و دانشگاه آزاد اسلامی ضمن تشکیل ستاد اصلاح الگوی مصرف حمایت خود را از پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکترا با موضوع اصلاح الگوی مصرف اعلام کردند.

استفاده از فن آوری اطلاعات در وزارت کار و امور اجتماعی

به گفته رئیس اداره نوسازی، تحول اداری و بودجه وزارت کار و امور اجتماعی، در زمینه فن آوری اطلاعات با تهیه ۳۳ پروژه نرم افزاری صرفه جویی بیش از ۵ میلیارد تومان محقق شده است. همچنین مدیرکل امور اجتماعی و سهام این وزارتخانه اعلام کرده که کارگران نمونه در سال ۸۷ باعث صرفه جویی ۴۹۰ میلیون دلار شده اند.

بهروری صنعتی در وزارتخانه های صنایع و نفت

در وزارت صنایع و معادن هم مجتمع فولاد مبارک اصفهان در مجموع میزان ۱۱ میلیارد و ۳۳۰ میلیون تومان صرفه جویی داشته است. همچنین سالن رنگ کارخانه سمند سوریه که اردادیهشت ماه امسال توسط متخصصان داخلی به بهره برداری رسید، منجر به صرفه جویی ارزی ۷۰۰ هزار یورویی شد. در وزارت نفت نیز از طریق بومی سازی خدمات فنی و مهندسی و ساخت تجهیزات مورد نیاز پالایشگاهها و ایجاد فضای رقابتی در خرید کالاهای استراتژیک بیش از ۱۵۴ میلیون دلار صرفه جویی صورت گرفته است. همچنین صرفه جویی و سود حاصل از ارائه پیشنهادهای کارکنان شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران در سال ۸۷ به بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان رسیده است.

سیستم الکترونیک و مهندسی ارزش در وزارت کشور و شهرداری ها

معاون هماهنگی امور عمرانی وزیر کشور و رئیس سازمان شهرداریها و ده یاریها، حرکت به سوی سیستم الکترونیک را با سیاستهای دولت نهم منطبق دانسته و معاون توسعه و مدیریت سرمایه انسانی رئیس جمهور هم ایجاد دولت الکترونیک را گام بلندی در صرفه جویی در زمان و هدر رفت سرمایه های دولت ارزیابی کرده است. در این زمینه تلاشیهایی هم شده، مثلا مدیرکل دفتر فناوری و ارتباطات استانداری استان مرکزی اعلام کرده که مکاتبات بدون کاغذ در خرداد ماه امسال ۱۴۴ میلیارد تومان در هزینه دستگاه های اجرایی صرفه جویی داشته است. همچنین طبق گفته مدیرکل امور شهری استانداری اصفهان، روش تحلیل ارزش در عرصه های مدیریتی تا ۳۰ درصد منجر به صرفه جویی در هزینه ها شده است. مهدی جمالی نژاد





دکتر الیاس نادران در گفت‌وگو با خراسان:

مختلف برای وظایفشان با محدودیت و کمبود مواجه نباشند

در اصلاح الگوی مصرف، کدام حوزه‌ها را در اولویت می‌بینید؟

من نمی‌خواهم مسئله را تقلیل بدهم به حد مصرف دو سه کالا اساسی در زندگی عادی مردم. ما در همه موارد باید رعایت اعتدال را در مصرف داشته باشیم؛ این مصرف ممکن است مصرف کالاها باشد، ممکن است مصرف خدمات باشد، ممکن است مصرف وقت افراد برای زندگی فردی و اجتماعی شان باشد، ممکن است بهره‌گیری ظرفیت‌های ملی برای ارتقای جایگاه کشور در سطح منطقه و مناسبات بین‌المللی باشد و... بنابراین تنزل دادن آن به سطح مصرف یکی دو کالا کفایت نمی‌کند. یا این که فقط بگوییم یک امر فرهنگی است و بقیه نهادها را از این که در این زمینه تلاش کنند معاف کنیم، به نظر من پذیرفته نیست. همه مسئولیت دارند مراقبت بکنند که مجموعه منابع موجود در کشور بتوانند به نحو مطلوب و خدایسندانه‌ای استفاده شود تا کشور به جایگاه مطلوب داخلی و بین‌المللی‌اش برسد و منشأ رشد معنوی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی شود.

برای عملی کردن این اهتمام همه جانبه چه راهکار عملی‌ای داریم؟

باید برای این امر مجموعه‌های فرابخشی وارد صحنه شوند که هم جنبه‌های فرهنگی را ببینند، هم جنبه‌های سیاسی را و هم جنبه‌های اقتصادی را. هم جنبه‌های اجتماعی را لحاظ کنند و هم در مناسبات فردی اطلاعات کافی داشته باشند. یک چنین مجموعه‌ای که به منابع مختلف هم دسترسی داشته باشد باید بنشینند و تنظیم کنند، محدودیت‌ها را ببینند و تقدم و تأخرها را بسنجند. من اگر حرفی بزنم علی‌القاعده از جنبه‌ی تخصصی خودم به مسئله نگاه می‌کنم و الا اگر بخواهم جامع‌نگری بکنیم، به اعتقاد من باید مجموعه‌ای از متخصصین، این مسئله را به بحث و چالش‌های نظری بگذارند و از دل این بحث‌های همه‌جانبه بتوانند ان‌شاءالله رتبه‌بندی‌ها و اولویت‌های زمانی و رتبی را در بیاورند.

موضوع را در حد مصرف یکی دو کالا پایین نیاوریم

• بهزاد بابازاده

الگوی مصرف چیست و آن را با کدام معیار می‌توان ارزشگذاری کرد؟

الگوی مصرف مدلی از معیشت است که هر کس سطح زندگی فردی و نوع مرادوات اجتماعی‌اش را بر اساس آن تعریف می‌کند، چه به لحاظ محل سکونت، چه به لحاظ وسیله‌ی حمل و نقل، یا مصرف خوراکی، پوشیدنی‌ها، تفریحات و حتی از جنبه‌ی تامین نیازهای فرهنگی. این هم در حوزه‌ی فردی قابل تعریف است و هم در حوزه‌ی اجتماعی، یعنی مجموعه‌ای از مردم یک الگوی مصرف را تعریف کنند یا نهادهای حکومتی برای خودشان سطحی از الگوی مصرف را تعریف کنند. الگوی مصرف مثل هر پدیده‌ی اجتماعی و اقتصادی دیگر خوب و بد دارد؛ یعنی افراط و تفریط در تنظیم الگوی مصرف نسبت به توانمندی‌های فردی و اجتماعی حتماً ما را به نقطه‌های فراتر از حد اعتدال می‌رساند.

آیا ما توانسته‌ایم الگوی مصرف مطلوبمان را با شاخصه‌های بومی تعریف کنیم تا به سمت آن حرکت کنیم؟

اینکه یک الگوی بومی یا مبتنی بر فرهنگ دینی خودمان به صورت کامل پیاده کنیم، نه. شاید به همین ضرورت بوده که مقام معظم رهبری امسال را سال حرکت به سمت تدوین و پیاده کردن یک الگوی مصرف سالم و مناسب تعریف کرده‌اند.

با توجه به جایگاه شما، مشخصاً مجلس در این عرصه چه می‌تواند بکند؟

این یک مسئله عمومی است، اختصاص به مجلس یا دولت یا اختصاص به خواص ندارد. این یک امر کاملاً عمومی است که همه‌ی نهادهای هم‌نهادهای فرهنگی و هم‌نهادهای تدوینی مثل مجلس و هم‌نهادهای اجتماعی مثل نهادهای مدنی و مجموعه‌های مردم نهاد و نیز همه‌ی آن‌هایی که بر نوع رفتار افراد می‌توانند موثر باشند باید در این مسیر تلاش بکنند که الگو را تعریف بکنند و مراقبت کنند که افراط و تفریط صورت نگیرد؛ طوری که هم اسراف نباشد و هم نهادهای

قابل توجه رئیس جدید دستگاه قضا اصلاح الگوی مصرف قوانین

• سید محمد مهدی غمادی

با اینکه صحبت از عدالت در تمامی عصرها و زمانها کم و بیش صورت می‌گرفته و از پیامبران تا فیلسوفان انسان‌گرا همه از عدالت مفهوم و پرادایم خاصی را ارائه کرده‌اند ولی تا کنون کسی مدعی نشده است اجرای قانون عین عدالت است بلکه همه معتقدند یکی از معجزات تأمین بسترهای اعمال و اجرای عدالت قانون است و البته ماهیت قانون از مهمترین شرایط تحقق عدالت می‌باشد.

از این رهگذر قانونگذار با توجه به اینکه جزء لاینفک قانون ضمانت اجرای قهرآمیز است همواره از قانون به عنوان فصل الخطاب تأمین حقوق جامعه و تک تک افراد آن بهره برده است با این وجود کسی که از قانون استفاده می‌کند باید هوشمندانه و با توجه به همین فلسفه دست به این ابزار حاکمیتی ببرد.

اینکه رئیس جدید دستگاه قضا، علاوه بر داشتن رتبه‌ی اجتهاد، خود یک فیلسوف است به ما کمک می‌کند تا قوه قضاییه به عنوان اصلی‌ترین نهاد به کارگیری قانون و اجرای سخت آن، بیش از هر چیز در گام اول به فلسفه قوانین و قواعد توجه کند و نه به منطوق آن. به این صورت آنچه تحت عنوان «اصلاح الگوی مصرف» به آن اشاره می‌شود در قوانین نیز پدیدار می‌شود و از استفاده بی‌حد و حصر و افراطی قوانین و به صرف وجود عنصر مادی و انطباق قانونی جلوگیری می‌گردد. البته این مقاله به هیچ وجه منکر حاکمیت قانون نمی‌شود و موكداً اصرار دارد باید در استفاده از قانون، «شأن قانون» حفظ شود اما استفاده بلاجهت و یا اشتباه (چه سهواً و چه عمداً) کاربرد قانون علیه قانون است.

پدیده‌ی دهه‌ی نود بسیاری از کشورها مسئله تورم قوانین بود به همین دلیل در این کشورها از جمله ایران هم اکنون موضوع «مقررات زدایی» برای رفع بحران مذکور که در گام نخست از مهمترین عوامل رکود توسعه و نقض حقوق شهروندی می‌باشد همچنان مطرح است. اما نیم نگاهی به گذشته به ما می‌گوید از قوانین درست هم استفاده نمی‌شود. به عبارت دیگر در کشور ما و بسیاری دیگر از کشورها بحران استفاده افراطی از قوانین، کارکرد اجتماعی و انسانی جامعه را مختل کرده است. به این ترتیب قوانین علیه قوانین و علیه کارویژه‌هایشان به کار گرفته خواهند شد و نه امنیت و نه آزادی و نه رشد و توسعه رقم می‌خورد.

در این زمینه کافی است به تعداد پرونده‌های مطروحه در قوه قضاییه نگاه بکنیم. با اینکه ایران نسبت به سایر کشورها از جمعیت بالایی برخوردار نیست ولی تعداد مراجعات به دادگاهها و تعداد آراء صادره و پرونده‌های قضایی بسیار قابل تأمل است. و با تائیدی هم که بر رفع اطاله دادرسی می‌شود تقریباً کمی بیش از نصف همین مقدار رأی قضایی صادر می‌شود (البته بدون لحاظ دستور موقت). این مسئله نشان می‌دهد که در کشورمان مراجعه به قانون و دستگاه قضا برای اجرای قانون و همچنین استفاده از قانون برای حل معضلات و مشکلات مردم و اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) نرخ ناراحت‌کننده‌ای دارد. این آمار در واقع ما را با این سوال جدی روبرو می‌کند که جامعه ایرانی آیا توان و ظرفیت استفاده از ابزارهای نرم تری برای حل معضلات خود را ندارد؟!.

درک جوانب این سوال و پاسخ به آن، با یک مطالعه‌ی تطبیقی بهتر تحلیل می‌شود. اگر به جامعه‌ی یک و نیم میلیاردی چین نگاهی بیندازیم و در مسئله‌ی مراجعه به قانون و استفاده از آن در این کشور قدرتمند چه به لحاظ سیاسی و چه اقتصادی تدقیق کنیم با این سوال روبرو می‌شویم که اگر این جامعه بسیار بزرگ بخواهد رفتاری همچون ما را به نمایش بگذارد می‌بایست بیش از هر چیزی وقت مردم به طرح دعاوی در دادگاه بگذرد و بدون شک نظام قضایی چین می‌بایست نظام عریض و طویلی باشد. در حالی که واقعیت برعکس این حدس و گمان‌های بدوی است زیرا اساساً در چین نظام قضایی پیشرفته‌ای حاکم نیست. در این کشور نه تنها مردم بر اساس عقاید کنفوسیوسی سعی می‌کنند اختلافات خود را تا جای امکان مسالمت آمیز و از طرق غیر رسمی (همانند ریش سفیدی و یا تسامح) حل نمایند بلکه قضات نیز دستشان بیش از قانون به پند و نصیحت و حل اصل اختلاف رضایت می‌دهد تا صدور حکم قضایی لازم الاجراء.

با این نگاه اگر به کشور خودمان برگردیم خواهیم دید که ظرفیت‌های غیر رسمی و مسالمت آمیز حل اختلافات در فرهنگ و عادات ایرانیان آنقدر زیاد است که مطالعه‌ی آنها می‌تواند بهترین راهکار تقابل‌های شخصی و فردی در جامعه‌مان باشد. به علاوه آنکه فرهنگ اسلامی به داشته‌های ایرانی در این زمینه چنان غنایی بخشیده که فرض بر تسامح، بخشش و داوری در اسلام است تا مراجعه به محکمه. در واقع آموزه‌های ایرانی اسلامی بر اخلاق‌گرایی تأکید دارد تا قانونگرایی؛ اگر چه قانون را فصل الخطاب و یک ابزار نهایی برای حل معضلات، می‌داند.

به این ترتیب اصلاح الگوی مصرف قوانین در گام اول وظیفه‌ی قوه قضاییه و بعد از آن جامعه است زیرا از یک سو اگر این ذهنیت برای مردم پیش آید که با مراجعه به دستگاه قضا، می‌توانند قبل از هر چیزی و بدون هر جستجویی در امکانات نرم دیگر می‌توانند از قانون به عنوان ضمانت اجرای قهرآمیز بهره بگیرند، همیشه اولین گزینه را دستگاه قضا تصور می‌کنند و از سوی دیگر اگر بی‌حد و حصر و نسجیده از قوانین استفاده شود جامعه و حتی کل نظام (سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) دچار آسیب می‌شود. کما اینکه هم اکنون نرخ طلاق، اعتیاد، تکرار جرم و... در کشور روبه افزایش است و اقدامات غیراصولی همانند زندان زدایی هم نه تنها آمارها را بطور مقطعی جا به جا نمی‌کند بلکه آسیب‌های حادثتری را نیز در بلند مدت به جامعه تحمیل می‌نماید. به علاوه آنکه اگر دستگاه قضا از قانون برای یک بار و بدون رعایت شرایط و اوضاع و احوال شخصی و محیطی علیه یک فرد استفاده کند امکان دارد که هم وی احساس فقدان حاکمیت عدالت در جامعه نماید و هم مستعد برای انجام اعمال غیر قانونی مجدد گردد (تئوری برچسب زنی). و از سوی دیگر اگر بر چسب یک عمل غیر قانونی به یک نفر منتسب شود وی همواره و با هر بار به کارگیری ناشیانه قانون، شخصیت خطرناکتری پیدا خواهد کرد.

خراسان

مهندسی
مصرف

ویژه‌نامه حرکت به‌سوی اصلاح الگوی مصرف
دفتر پژوهش موسسه فرهنگی هنری خراسان

مدیر مسئول: کورش شجاعی
سرمدیر: محمدرضا سعید احدیان
دبیر ویژه‌نامه: سیدمحمدجواد میری

مدیر هنری: حامد امامی
آدرس: مشهد، بلوار سازمان آب، دفتر مرکزی روزنامه خراسان
تلفن: ۷۴۴۴۰۰۰
شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹